

پائیز ۱۳۹۹

ویژه نامه نکوداشت فیروزه صابر

بزرگ بانوی کارآفرین ایران؛ در آستانه شصت سالگی

زنان کارآفرین



کارآفرین
انجمن ملی
زنان کارآفرین

زنان کارآفرین
انجمن مدد پرور



کلام نخست

۱۵ سال تلاش متعهدانه برای ترویج کارآفرینی زنان | فریبا مهدیون | ۲ |

یادداشت

تلاش بی وقفه و بدون شرط، برای خدمات صادقانه به جامعه | فریدون آذرهوش | ۳ |
 بانویی با آثار ماندگار | معصومه ابتکار | ۴ |
 برای فیروزه صابر: به پاس ۶ دهه مسئولیت پذیری | شهیندخت مولاوردی | ۵ |
 وجود سرمایه با ارزشی چون ایشان، مبارک است | محمد ستاری فرد | ۶ |
 فیروزه صابر، آنگونه که باید به جامعه معرفی نشده است | زهرا شجاعی | ۷ |
 اسوه، الگو و نمونه | الهه علافر | ۸ |
 بانو فیروزه صابر، کارآفرین اجتماعی در عصر ما | حسن طائی | ۹ |
 کسی که شور کارآفرینی را در دل من نهاد | شریفه حق شناس | ۱۰ |
 می توان زن بود و ساخت | سحر فروزان علاء | ۱۰ |
 برای خانم صابر، مدیری متعهد، خلاق و پر مهر | فاطمه رحمتی | ۱۱ |

زندگینامه فیروزه صابر و یادداشت‌هایی از خانواده | ۱۲ |
 زنان کارآفرین پیشگام در تحقق توسعه | فیروزه صابر | ۱۴ |

یادداشت هایی از اعضای انجمن زنان کارآفرین | ۱۵ |

گفت و گو

گفت و گو با فخرالسادات محتشمی پور	۱۸
گفت و گو با آزاده داننده	۱۹
گفت و گو با ماهرخ فلاحی	۲۰
گفت و گو با شیرین بارسى	۲۱
گفت و گو با فیروزه صابر	۲۷

یادداشت هایی از دوستان قدیمی | ۲۹ |
 | فاطمه فرهنگ خواه | مینو مرتاضی لنگرودی | مریم رسولیان |
 | بهروز طیرانی | فاطمه گوارایی | کمال رضوی |

مشارکت اجتماعی در بستر نهادهای مدنی | فیروزه صابر | ۳۴ |
 جاذبه های همگرایی | فیروزه صابر | ۳۵ |

یادداشت هایی از سید جعفر مرعشی، نجمی هاشمی فشارکی
 و اعضای بنیاد توسعه کارآفرینی زنان وجوانان | ۳۶ |

نقش فیروزه صابر در توان افزائی زنان در خرمشهر و آبادان | ساناز قربانی | ۴۰ |

آثار فیروزه صابر و معرفی کتاب | ۴۸ |

یادداشت هایی از مجموعه کارستان | ۵۰ |
 | هایده شیرازی | مجتبی میرتهماسب |
 | سعیده قدس | رخشان بنی اعتماد | حسین اکبری |

الگوهای کارآفرینی: فرزندان ایران را دریابید | فیروزه صابر | ۵۲ |

| گفت و گو با زهرا رحیمی | ۵۳ |
 | گفت و گو با علی اصغر خامنوی | ۵۴ |

یادداشت هایی از اعضای شبکه ملی مؤسسات نیکوکاری و خیریه | ۵۴ |
 | عباس بشکوه | رقیه دادخواه | سید اکبر کسا |

فیروزه صابر به روایت تصویر | ۵۶ |

ویژه نامه نکوداشت فیروزه صابر
 بزرگ بانوی کارآفرین ایران؛ در آستانه شصت سالگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ویژه نامه نکوداشت فیروزه صابر
 بزرگ بانوی کارآفرین ایران؛ در آستانه شصت سالگی

زیر نظر امور روابط عمومی

مدیر اجرایی:
 فخرالسادات محتشمی پور

گرافیک و صفحه آرایی:
 علی سمیعی زاده

طراحی عکس جلد:
 راما هوشمند وزیری

ویراستار:
 مرضیه غلامی، زهرا نقوی

با تشکر از همکاری:
 بنیاد توسعه کارآفرینی زنان وجوانان
 شبکه ملی مؤسسات نیکوکاری وخیریه
 وخانم ها مریم خاوازی، روشنک قطبی و
 ناداشمس

نشانی دفتر:
 خیابان شهید مطهری - شهید مفتح شمالی -
 کوچه دوم - پلاک ۷ - واحد ۶ - طبقه دوم
 تلفن: ۸۸۵۰۰۸۱۷ - ۸۱۸

نشانی اینترنتی:
 www.ea.wenet.ir
 www.nawe.ir

پست الکترونیک:
 karafarin.zanan@gmail.com

کانال تلگرام:
 @womanngo

اینستاگرام:
 @lr_women_entrepreneurs

سلسله وبینارهای آموزشی



انتقال تجارب و معرفی الگوهای موفق کارآفرینی زنان

سلسله وبینارهای آموزشی

موضوع: انتقال تجارب و معرفی الگوهای موفق کارآفرینی زنان در دانشگاه حکیم سبزواری

با حضور کارآفرینان موفق استان مازندران

تاریخ برگزاری: چهارشنبه ۱۲ آذرماه
 ساعت برگزاری: ۹:۰۰ الی ۱۳:۰۰

همراه با اعطای گواهینامه معتبر

برای ثبت نام می توانید از طریق لینک زیر اقدام نمایید.
<http://ec.umz.ac.ir/>

برای حضور در وبینار می توانید از طریق لینک زیر وارد شوید.
<https://umz-meet.iranims.org/public/>

شرکت در وبینار رایگان می باشد و در سامانه آموزش مجازی دانشگاه برگزار می شود.

همراه با اعطای گواهینامه معتبر

خدیجه یارعلی
رئیس کارگروه کارآفرینی
فرماندهی اجتماعی انجمن زنان کارآفرین
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

فاطمه قاسمی دودران
مدیر عامل شرکت توسعه صنعتی طرح راهبر
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

سکینه یازری سورگی
مدیر عامل شرکت توسعه صنعتی طرح راهبر
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

سازمان همکاری های اقتصادی
سازمان تعاون و رفاه اجتماعی
سازمان بهزیاری
سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان ورزش و جوانان
سازمان اسکان و گردشگری
سازمان فرهنگ و ارتباطات
سازمان امور اقتصادی و توسعه منطقه ای
سازمان برنامه و بودجه

سلسله وبینارهای آموزشی

موضوع: انتقال تجارب و معرفی الگوهای موفق کارآفرینی زنان در دانشگاه محقق اردبیلی

با حضور کارآفرینان موفق استان اردبیل

تاریخ برگزاری: چهارشنبه ۱۲ آبان ماه
 ساعت برگزاری: ۹:۰۰ الی ۱۳:۰۰

همراه با اعطای گواهینامه

برای ثبت نام می توانید از طریق لینک زیر اقدام نمایید.
<http://vc.azaruniv.ac.ir/rcf9d4egbz86/>

شرکت در وبینار رایگان می باشد و در سامانه آموزش مجازی دانشگاه برگزار می شود.

همراه با اعطای گواهینامه

خدیجه یارعلی
رئیس کارگروه کارآفرینی
فرماندهی اجتماعی انجمن زنان کارآفرین
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

راضیه اسفندیو غازی
مدیر عامل شرکت توسعه صنعتی طرح راهبر
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

لیلاامادات طالبی
مدیر عامل شرکت توسعه صنعتی طرح راهبر
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

سازمان همکاری های اقتصادی
سازمان تعاون و رفاه اجتماعی
سازمان بهزیاری
سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان ورزش و جوانان
سازمان اسکان و گردشگری
سازمان فرهنگ و ارتباطات
سازمان امور اقتصادی و توسعه منطقه ای
سازمان برنامه و بودجه

سلسله وبینارهای آموزشی

موضوع: انتقال تجارب و معرفی الگوهای موفق کارآفرینی زنان در دانشگاه کوثر بجنورد

با حضور کارآفرینان موفق استان خراسان شمالی

تاریخ برگزاری: دوشنبه ۲۸ بهرمه
 ساعت برگزاری: ۹:۰۰ الی ۱۳:۰۰

همراه با اعطای گواهینامه

برای ثبت نام و حضور در وبینار از طریق لینک زیر اقدام نمایید.
<http://up.kub.ac.ir/forms>

شرکت در وبینار رایگان می باشد و در سامانه آموزش مجازی دانشگاه برگزار می شود.

و پس از ثبت نام متعاقبا از طریق پیامک، اطلاع رسانی خواهدشد.

همراه با اعطای گواهینامه

خدیجه یارعلی
رئیس کارگروه کارآفرینی
فرماندهی اجتماعی انجمن زنان کارآفرین
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

مینا نجیب نیا
مدیر عامل شرکت گشت افرازان
مدیر عامل شرکت گشت افرازان
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

سارا پاکزاد
مدیر عامل شرکت نان پاکزاد
مدیر عامل شرکت نان پاکزاد
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

سازمان همکاری های اقتصادی
سازمان تعاون و رفاه اجتماعی
سازمان بهزیاری
سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان ورزش و جوانان
سازمان اسکان و گردشگری
سازمان فرهنگ و ارتباطات
سازمان امور اقتصادی و توسعه منطقه ای
سازمان برنامه و بودجه

سلسله وبینارهای آموزشی

موضوع: انتقال تجارب و معرفی الگوهای موفق کارآفرینی زنان در دانشگاه حکیم سبزواری

با حضور کارآفرینان موفق استان خراسان رضوی

تاریخ برگزاری: شنبه ۶ آبان ماه
 ساعت برگزاری: ۹:۰۰ الی ۱۳:۰۰

همراه با اعطای گواهینامه

برای ثبت نام و حضور در وبینار به شماره دیدرخانه ۰۵۱۴۴۰۱۲۹۲۰ تماس حاصل نمایید.و یا از طریق لینک زیر ثبت نام را انجام دهید.
<http://www.hsu.ac.ir/md/meeting>

شرکت در وبینار رایگان می باشد و در سامانه آموزش مجازی دانشگاه برگزار می شود.

و پس از ثبت نام متعاقبا از طریق پیامک، اطلاع رسانی خواهدشد.

همراه با اعطای گواهینامه

خدیجه یارعلی
رئیس کارگروه کارآفرینی
فرماندهی اجتماعی انجمن زنان کارآفرین
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

مرضیه ستونی محمل
مدیر عامل شرکت توسعه صنعتی طرح راهبر
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

فاطمه حبیلی
مدیر عامل شرکت توسعه صنعتی طرح راهبر
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

سازمان همکاری های اقتصادی
سازمان تعاون و رفاه اجتماعی
سازمان بهزیاری
سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان ورزش و جوانان
سازمان اسکان و گردشگری
سازمان فرهنگ و ارتباطات
سازمان امور اقتصادی و توسعه منطقه ای
سازمان برنامه و بودجه

سلسله وبینارهای آموزشی

موضوع: انتقال تجارب و معرفی الگوهای موفق کارآفرینی زنان در دانشگاه محقق اردبیلی

با حضور کارآفرینان موفق استان اردبیل

تاریخ برگزاری: چهارشنبه ۱۲ آبان ماه
 ساعت برگزاری: ۹:۰۰ الی ۱۳:۰۰

همراه با اعطای گواهینامه معتبر

برای ثبت نام می توانید از طریق لینک زیر اقدام نمایید.
www.workshop.uma.ac.ir/certificate/public

برای حضور در وبینار می توانید از طریق لینک زیر وارد شوید.
<http://185.147.162.132/karafarin>

شرکت در وبینار رایگان می باشد و در سامانه آموزش مجازی دانشگاه برگزار می شود.

همراه با اعطای گواهینامه معتبر

خدیجه یارعلی
رئیس کارگروه کارآفرینی
فرماندهی اجتماعی انجمن زنان کارآفرین
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

سوره شکوهی
مدیر عامل شرکت توسعه صنعتی طرح راهبر
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

زیلوفر اصولی
مدیر عامل شرکت توسعه صنعتی طرح راهبر
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

سازمان همکاری های اقتصادی
سازمان تعاون و رفاه اجتماعی
سازمان بهزیاری
سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان ورزش و جوانان
سازمان اسکان و گردشگری
سازمان فرهنگ و ارتباطات
سازمان امور اقتصادی و توسعه منطقه ای
سازمان برنامه و بودجه

سلسله وبینارهای آموزشی

موضوع: انتقال تجارب و معرفی الگوهای موفق کارآفرینی زنان در دانشگاه کوثر بجنورد

با حضور کارآفرینان موفق استان خراسان شمالی

تاریخ برگزاری: دوشنبه ۲۸ بهرمه
 ساعت برگزاری: ۹:۰۰ الی ۱۳:۰۰

همراه با اعطای گواهینامه

برای ثبت نام و حضور در وبینار از طریق لینک زیر اقدام نمایید.
<http://up.kub.ac.ir/forms>

شرکت در وبینار رایگان می باشد و در سامانه آموزش مجازی دانشگاه برگزار می شود.

و پس از ثبت نام متعاقبا از طریق پیامک، اطلاع رسانی خواهدشد.

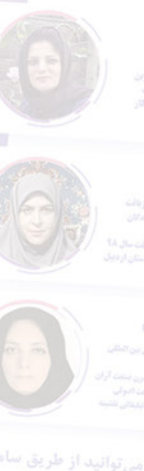
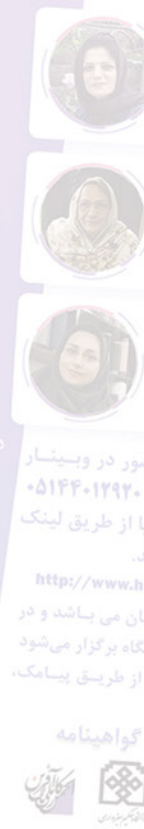
همراه با اعطای گواهینامه

خدیجه یارعلی
رئیس کارگروه کارآفرینی
فرماندهی اجتماعی انجمن زنان کارآفرین
مدیر عامل شرکت رشد آسای جنوب
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

اصطخر رضایی
مدیر عامل شرکت زینده گشت افرازان
مدیر عامل شرکت زینده گشت افرازان
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

زهرا رشایی
مدیر عامل شرکت نان پاکزاد
مدیر عامل شرکت نان پاکزاد
مدیرسازند و مشاور حوزه کسب و کار

سازمان همکاری های اقتصادی
سازمان تعاون و رفاه اجتماعی
سازمان بهزیاری
سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان ورزش و جوانان
سازمان اسکان و گردشگری
سازمان فرهنگ و ارتباطات
سازمان امور اقتصادی و توسعه منطقه ای
سازمان برنامه و بودجه





۱۵ سال تلاش متعهدانه برای ترویج کارآفرینی زنان

* فریبا مهدیون
رئیس هیأت مدیره انجمن ملی زنان کارآفرین



زنان تقدیر کنیم. باشد که از این طریق گوشه‌ای از افکار و اخبار و آثار این زن سخت کوش کارآفرین که برگرفته از نظرات و دیدگاه های خانواده، دوستان، همکاران و همراهان این فعال مدنی در عرصه های مختلف است، بخشی از دینی را که برگردن داریم ادا نموده در عین حال نقشه راهی برای جوانان امید از دست داده در شرایط بحران زده کنونی کشورمان ترسیم کنیم.

خوانندگان عزیز می توانند در ویژه نامه حاضر که به همت روابط عمومی انجمن تهیه شده از زبان و قلم تنی چند از کارآفرینان، اساتید دانشگاه، مدیران و کارشناسان و تسهیلگران پروژه های آموزشی و پژوهشی، هنرمندان، فعالان مدنی و ترویجی در حوزه کارآفرینی و مسئولین اجرایی سابق و کنونی مرتبط با فعالیت های این بانوی دغدغه مند ایران دوست و نیز اعضای خانواده ایشان، با گوشه ای از پندار، گفتار و کردار نیک ایشان آشنا شوند و از فعالیت های منجر به آثار نیک وی برای داشتن

عمری مفید و زندگی اثربخش الهام گیرند. گرچه چند سالی است انجمن به دلیل دیگر اشتغالات خانم صابر و فعالیت های ملی شان در دیگر نهادهای مدنی از حضور رسمی ایشان در هیئت مدیره و کارگروه ها و کمیته ها محروم مانده است اما احساس تعلق ایشان به انجمن و نیز احساس مسئولیت نسبت به پاسداری از اهداف و مأموریت های آن از طریق حضور در جلسات مشورتی، کمیته های تخصصی و علمی و نیز مجامع عمومی و اعلام نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شان کاملاً مشهود است.

اینجانب به عنوان رئیس هیئت مدیره انجمن طی این سال ها از فیروزه صابر بسیار آموخته ام و معتمد ایشان درکنار سایر اعضای موسس انجمن خانم ها فلاحی، پارسی، سلیمانی، محتشمی پور و دیگر عزیزانی که متأسفانه درحال حاضر در خدمت شان نیستیم، راهنمای ما در طی کردن مسیر سخت پیش رویمان هستند.

امید است انتشار این ویژه نامه هدف ما را که همانا شناساندن آرمان های والا، مرام و راه این فعال اجتماعی و یکی از خدمتگزاران ایران عزیز است، محقق نماید.

اواخر دولت آقای سید محمد خاتمی در سال ۱۳۸۴ آیین نامه اجرایی تاسیس و فعالیت سازمان های غیردولتی (NGO) در هیئت وزیران تصویب و ابلاغ شد.

طبق این آیین نامه سازمان های غیر دولتی به تشکل هایی اطلاق می شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوطه تاسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی هستند. موضوع فعالیت این سازمان ها مشتمل بر یکی از موارد علمی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، امور خیریه، امور بشردوستانه، امور زنان و ... می باشد.

کمی پیش از تصویب این آیین نامه، انجمن زنان کارآفرین از دو مرجع رسمی (وزارت کار و امور اجتماعی اسفند ۱۳۸۳ و وزارت کشور خرداد ۱۳۸۴) مجوز فعالیت گرفت.

این انجمن در آن زمان اولین نهاد مدنی در حوزه کارآفرینی بود که به همت فیروزه صابر، که همیشه به نهادهای و شبکه سازی و تشکل سازی بوده و هست و تنی چند از زنان کارآفرین با هدف ترویج و توسعه کارآفرینی زنان و دختران و انتقال تجارب زنان کارآفرین به دختران فارغ التحصیل دانشگاه ها شکل گرفت.

فیروزه صابر یکی از ایده پردازان و پایه گذاران انجمن زنان کارآفرین است که ابتدا با دلسوزی بسیار و تلاشی متعهدانه فعالیت های انجمنی نوپا را در جهت تحقق اهداف آن هدایت نموده و با اعتقاد کامل به کار تیمی و بهره مندی از قابلیت کلیه اعضا، آنان را وارد چرخه مدیریتی نموده و با ورود خود به حوزه های کاری و مدنی دیگر، به تدریج در انجمن از فعالیت های اجرایی دوری جسته در جایگاه مشاور قرار گرفت.

اینک که مادر کارآفرینی ایران در آستانه شصت سالگی، عزم خود را برای کناره گیری از کلیه کارهای اجرایی جزم کرده تا در دوره جدید زندگی پربارش در جایگاه مشاوره بنشیند، ما دوستان و همکاران او در انجمن زنان کارآفرین ضمن احترام به این تصمیم بخردانه و با توجه به رسالتی که در گرامی داشت پیشکسوتان کارآفرینی زنان داریم، بر آن شدیم تا در قالب ویژه نامه ای از فعالیت های پرتیر ایشان در حوزه ترویج و توسعه کسب و کار و کارآفرینی

مادر کارآفرینی ایران در آستانه شصت سالگی، عزم خود را برای کناره گیری از کلیه کارهای اجرایی جزم کرده تا در دوره جدید زندگی پربارش در جایگاه مشاوره بنشیند، ما دوستان و همکاران او در انجمن زنان کارآفرین ضمن احترام به این تصمیم بخردانه و با توجه به رسالتی که در گرامی داشت پیشکسوتان کارآفرینی زنان داریم، بر آن شدیم تا در قالب ویژه نامه ای از فعالیت های پرتیر ایشان در حوزه ترویج و توسعه کسب و کار و کارآفرینی



آموزش و پژوهش سازمان طی می کند. پس از قریب بیست و پنج سال خدمت، هنگامی که احساس می کند ساختارهای اداری برای پیگیری اهداف اجتماعی او کفایت نمی کند، داوطلبانه راه خود را تغییر می دهد، از خدمت سازمان کناره گیری می کند و با برپائی سازمان های مردم نهاد به خدمات اجتماعی می پردازد.

حاصل این کار و کوشش سی و پنج ساله، کارنامه درخشانی از اجرای طرح های توسعه و تحول و نهادهای است. امید است با ورود ایشان به چرخه جدید زندگی و انجام فعالیت هایی که در برنامه دارند، نتایج ارزنده بیشتری به این کارنامه افزوده شود.

از آنجا که من توفیق آن را داشته ام که در این مدت طولانی از نزدیک شاهد و گاه شریک ایشان در طی این مسیر باشم، در حد فضای کمی که در اختیار دارم به برخی از ابعاد رفتاری و دستاوردهای مدیریت ایشان که می تواند برای مسئولین بعدی و دیگر داوطلبان خدمات اجتماعی آموزنده باشد می پردازم.

ظرفیت سازی سازمانی برای تحول و توسعه، بخش مهمی از تلاش های حرفه ای خانم صابر در طول سی و پنج سال خدمت بوده است. بخش مهمی از این کوشش ها در مدت خدمت ایشان در جایگاه های مدیریت آموزش و مدیریت بخش پژوهش سازمان مدیریت صنعتی صورت گرفت. دستاوردهای میان راه این کوشش ها، جذب جمع قابل توجهی از استادان و نخبگان مدیریت داخل و خارج از کشور در شبکه همکاران سازمان بود که آثار آن به تدریج در کیفیت برنامه های آموزش، مشاوره و پژوهش سازمان ظاهر شد. به عنوان نمونه برنامه آموزش مدیریت استراتژیک سازمان، آن قدر غنای علمی و آموزشی داشت که جمعی از اعضاء هیات علمی و دانشجویان مقطع دکتری دانشکده های مدیریت کشور در آن شرکت کردند تا با دستاوردهای تازه علمی و روش های نوین آموزش مدیریت آشنا شوند.

در خارج از سازمان مدیریت صنعتی برخی از فعالیتهای ظرفیت سازی برای توسعه، معطوف به ترویج کارآفرینی بانوان بود که با اجرای برنامه های آموزش و توانمندسازی برای گروه بزرگی از بانوان علاقمند و یا کارآفرین شروع شد و با تاسیس انجمن زنان کارآفرین و بنیاد توسعه کار آفرینی بانوان و جوانان، خانه های هنر، دانش و یاری (هدی) در مناطق محروم، تاسیس اطاق های کارآفرینی مدارس و فعالیت های مشابه دیگر ادامه یافت. در گام مهم دیگر می توان از مشارکت فعال خانم صابر در ایجاد شبکه سازمان های مردم نهاد (سمن) برای هم افزایی ظرفیت های این سازمان ها یاد کرد.

هریک از این گام های ظرفیت سازی و توسعه، نیازمند جستجوی منابع، ترغیب جمعیت هدف به مشارکت فعال و مذاکرات طولانی و گاه نفس گیر برای جلب موافقت مقامات مسئول و ناظر بر اینگونه طرح ها بوده است. تنها عزمی جزم و روحیه ای خستگی ناپذیر از عهده اجرای چنین فرایندهای پر پیچ و خمی برمی آید. تا آنجا که می دانم این سازمان ها و شبکه های سازمانی مردم نهاد هم اکنون راه رشد را طی می کنند تا به مرحله تشکیل نهادهای اجتماعی با ظرفیت خودبسندگی برای بقاء برسند. ایجاد نهاد اجتماعی، به گونه ای که برخاسته از نیازی واقعی و ریشه دار در ارزش های والای جامعه باشد، فرایندی زمان بر است و نیاز به مراقبت دارد. خوشبختانه همکارانی که راه ایشان را ادامه می دهند از این مهم غافل نیستند.

پشتوانه موفقیت های خانم صابر، رویکرد ایشان به مدیریت اجرائی خصوصاً در سازمان های مردم نهاد است. این رویکرد را می توان بطور اختصار با این واژه ها توصیف کرد: روابط انسانی، مشورت، گفتگو و تجربه گرایی.

نخستین و شاید برجسته ترین عنصر در رفتار مدیریتی خانم صابر، تکیه بر روابط سالم انسانی است. زیر بنای اخلاقی این روش، آن طور که من درک کرده ام صداقتی خواهرانه است که همکارانشان بزودی آنرا حس می کنند و جذب آن می شوند. این روابط صمیمی را من در گروه های زیر نظر ایشان بارها مشاهده کرده ام. در این گروه ها، کار هیچگاه متوقف نمی شود. اگر



تلاش بی وقفه و بدون شرط، برای خدمات صادقانه به جامعه

* فریدون آذرهوش

عضو (بازنشسته) هیات علمی دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی

جای خوشوقتی است که انجمن زنان کارآفرین بر آن شده است که به مناسبت تحولی که در برنامه فعالیت های شغلی و اجتماعی خانم صابر در شرف وقوع است، به معرفی بیشتر دستاوردهای ایشان به جامعه، بخصوص علاقمندان به کارآفرینی بانوان بپردازد. خانم صابر در میان فعالان اجتماعی، چهره شناخته شده ای است؛ اما معرفی بیشتر خصوصیات رفتاری و کارهای ایشان می تواند این پیام را برای دیگر خدمتگزاران اجتماع در بر داشته باشد که حس کنند جامعه نسبت به خدمات آنان حساس و قدرداران است. باشد که با اشتیاق و دلگرمی بیشتری راه دشوار ایجاد تحول را طی کنند.

زندگی حرفه ای خانم صابر در سی و پنج سال گذشته را می توان در یک جمله خلاصه کرد: «تلاش بی وقفه و بدون شرط، برای خدمت صادقانه به جامعه». بر عبارت بدون شرط از آن جهت تاکید شد که ایشان در شرایط دشوار و نامطلوب، که متأسفانه در مسیر زندگی شان کم نبوده است، هیچگاه از جامعه قهر نکرد بلکه هر قدر دشواری ها بیشتر شد، عزم ایشان برای خدمت استوارتر گردید. اگر بخواهیم راهی را که خانم صابر در مدت خدمت پیموده به تصویر بکشیم و

از آن مستندی بسازیم، در صحنه اول بانویی جوان و پر انرژی را می بینیم با تحصیل دانشگاهی و مجهز به باورهای ریشه دار و اصیل اخلاقی، آرمانهایی والا برای تحول اجتماعی، توام با ایمانی قوی و روحیه ای مثبت اندیش. با این توشه معنوی است که در اوایل دهه ۱۳۶۰ به کار در سازمان مدیریت صنعتی می پردازد. در این سازمان با تلاشی مداوم در جهت یادگیری و توسعه شایستگی های خود، راه تعالی حرفه ای را از پیچ و خم های موانع مختلف، می گشاید و مراحل پیشرفت را از کارشناسی آموزش تا مدیریت اجرائی عالی ترین سطوح برنامه های آموزشی و بالاخره مدیریت بخش های

نخستین و شاید برجسته ترین
عنصر در رفتار مدیریتی خانم
صابر، تکیه بر روابط سالم
انسانی است. زیر بنای اخلاقی
این روش، آن طور که من درک
کرده ام صداقتی خواهرانه است
که همکارانشان بزودی آنرا حس
می کنند و جذب آن می شوند



عضوی نتواند کار خود را انجام دهد، عضو دیگری داوطلبانه جای او را می‌گیرد. در جریان برگزاری یک برنامه آموزشی برای مدیران عامل شرکت‌ها، شرکت‌کننده‌ای می‌گفت مشاهده کار تیمی همکاران خانم صابر از برخی درس‌ها برایم آموزنده‌تر بود.

دومین جنبه از رفتار مدیریتی خانم صابر، مشورت است. می‌توان گفت هم در زمینه انتخاب مشاورین علمی و اجتماعی و هم استفاده از این گروه‌ها، مهارتی ویژه یافته‌اند. از جمله فرصت کافی برای آگاهی از نظرات مشاوران صرف می‌کنند، در جلسات مشاوره شنونده‌ای فعال‌اند، حالت دفاعی به خود نمی‌گیرند و مهمتر از همه در عمل به نکاتی که از مشاوران آموخته‌اند توجه می‌کنند. تصور می‌کنم خانم صابر فهرستی نسبتاً طولانی از مشاورین علمی در زمینه‌های مختلف را در پایگاه اطلاعاتی خود داشته باشند. عنصر سوم در رویکرد مدیریتی ایشان گفتگو است. مدیریت سازمان‌های مردم‌نهاد از جهات زیادی نیازمند ایجاد وفاق از راه گفتگو و ترغیب است. خانم صابر به این امر مهم کاملاً آگاه است و از این روش به‌خوبی استفاده می‌کند.

بعدی جالب از رفتار مدیریتی خانم صابر را می‌توان با مفهوم تجربه‌گرایی توصیف کرد: مشورت، گفتگو و بطور کلی مطالعات قبل از تصمیم‌گیری، در زمینه امور اجتماعی، می‌تواند به فرایندهایی طولانی و گاه بی‌انتهای بیانجامد. تصمیم‌گیری در چنین شرایطی نیازمند تشخیص زمان مناسب برای کفایت مطالعات و اقدام عملی است. گروهی از مدیران تصمیم‌گیری را موقوف به ادامه مطالعه تا رسیدن به قطعیت نتایج نمی‌کنند، بلکه با عمل به آزمون راه‌حل‌ها می‌پردازند. مفهوم این رویکرد تجربه‌گرایی است.

خانم صابر تا آنجا که من به یاد دارم در این گروه قرار دارد. تمایل ایشان به این رویکرد، اگر پیش فرضی درست باشد، به نظر من حاصل تجربه طولانی با مسائل اجتماعی است که راه‌حل‌های قطعی ندارند. در عین حال، تجربه‌گرایی مستلزم نگاهی منعطف به فرایند تصمیم و عمل است تا بتوان نتایج تجارب عملی را بدون تعصب مورد بازاندیشی قرار داد، از آن درس گرفت و در صورت لزوم در چرخه‌های بعدی در آن تغییراتی ایجاد کرد. این انعطاف لازم برای اصلاح مسیر را نیز به دفعات در رفتار ایشان دیده‌ام. البته نباید و نمی‌توان الگویی مطلق از رفتارهای یک مدیر ترسیم کرد، چه در شرایط مختلف درونی و برونی رفتارها تغییر شکل پیدا می‌کنند.

رفتارهای مدیریتی که به آنها اشاره شد یقیناً تا حدی حاصل تجربیات شخصی خانم صابر است، اما تا حدی نیز برگرفته از آشنایی با تجارب جهانی است که از راه شرکت در برنامه کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی و دیگر برنامه‌های آموزشی به دست آورده‌اند. یکی از دستاوردهای ارزنده دوره کارشناسی ارشد برای ایشان، آشنایی نظری با موضوع کارآفرینی و نقش آن در توسعه اقتصادی کشورها بوده است. با اشتیاقی که به مشارکت بانوان در فعالیتهای اقتصادی داشتند، رساله پایانی خود را بر موضوع کارآفرینی زنان متمرکز کردند و در این مطالعه به نتایج جالبی رسیدند. دریافتند که جمعی از بانوان کشورمان به‌رغم نداشتن هیچگونه آموزش خاص، از ظرفیت‌های درخور توجه کارآفرینی برخوردارند و با به‌کارگیری این ظرفیت‌ها و ابتکارهایی قابل مطالعه، در گوشه کنار کشور به شکل‌های مختلف به کسب‌وکارهای نوآورانه پرداخته‌اند. بخشی از موضوع مطالعه ایشان شناخت موانع و مشکلات و محدودیت‌های اجتماعی کارآفرینی بانوان بود. با این آگاهی‌ها و برخورداری از روحیه تجربه‌گرایی بر آن شدند که کوششی برای اجرای برنامه‌های توسعه کارآفرینی بانوان آغاز کنند. هدف نخستین این کوشش‌ها، زمینه‌سازی برای زندگی فعال اقتصادی برای جمعیت رو به فزونی دانش‌آموختگان دختر بود که امکان اشتغال از راه استخدام نداشتند. حاصل این کوشش، اجرای برنامه‌های آموزشی و تأسیس نهادهای توسعه کارآفرینی بود که در بخش ظرفیت‌سازی به آن اشاره شد. تأسیس انجمن‌های کارآفرینی بانوان، که در پی رواج این مفهوم در کشور رخ داد، را نیز می‌توان مرتبط با گام‌های نخستینی دانست که خانم صابر برداشتند. این مختصر، البته تصویر کاملی از خدمات خانم صابر به دست نمی‌دهد اما امید است در کنار مطالب دوستان دیگر، به نشان دادن راه دشوار و طولانی که این خدمتگزار ملی طی کرده است کمک کند.

برای ایشان آرزوی موفقیت دارم.

بانویی با آثار ماندگار

* معصومه ابتکار

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده



خانم فیروزه صابر را به عنوان یک زن پرتلاش و فعال اجتماعی می‌شناسم. کسی که در عرصه‌های مختلف اجتماعی فعالیت‌های شاخص داشته است. به خصوص او را از پایه‌گذاران نهادهای کارآفرینی برای زنان می‌دانم که موفق عمل کرده و یادگارهای ماندنی در این مسیر پر فراز و نشیب باقی گذاشته است.

خانم صابر با نگاه علمی و اجتماع‌محور و با اتکا به ذهن خلاق و نوآوری توانسته است در زمینه‌های مختلف از جمله ایجاد تشکلهای تربیت نیروی انسانی و تسهیلگران کارآفرینی صفحات جدیدی را باز کند.

این بانو در همکاری با معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده نیز این ویژگی‌ها را مورد استفاده قرار داد و در مدت زمان مسئولیتش در کارگروه کارآفرینی و اشتغال ضمن هماهنگی بین‌بخشی، نهادهای غیردولتی را هم در عرصه کارآفرینی فعال کرد.

«طرح کسب و کار من» از طرح‌های کارآفرینی زنان با مدیریت وی و حمایت معاونت امور زنان و خانواده، توانست در بسیاری از نقاط کشور ضمن تربیت تسهیلگران با نگاه تخصصی، آموزش‌های موثری را به دختران و زنان علاقمند به کارآفرینی ارائه کند.

یکی از طرح‌های جالب این بانو که با مشارکت سازمان حفاظت محیط زیست در دولت یازدهم انجام شد، توسعه مشاغل سبز و کارآفرینی در حوزه مشاغل مختلف دوستدار محیط زیست بود که عرصه جدیدی را گشود و مورد استقبال فعالین محیط زیست قرار گرفت. این طرح به صورت موفق اول بار در لرستان اجرا شد.

خانم فیروزه صابر را به عنوان یک زن صبور می‌شناسم که به رغم مشکلات و فراز و نشیب‌های زیاد، در سخت‌ترین و دورافتاده‌ترین و محروم‌ترین نقاط کشور حضور یافت و برای آموزش و توان‌افزایی زنان روستایی و شهری آثار ماندگاری از خود برجای گذاشت. این صبوری و استقامت ایشان در جهت تربیت نسلی از زنان متخصص و کارآفرین و صبور و مقاوم در برابر سختی‌ها و شدايد بسیار ارزشمند و ستودنی است. انشا الله خداوند به ایشان عمری پربرکت و با سلامتی و سرفرازی عطا فرماید

برای فیروزه صابر؛ به پاس ۶ دهه مسئولیت‌پذیری

* شهیندخت مولاوردی

معاون پیشین رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده



گفتن از فیروزه صابر و نوشتن برای او، هم سهل است و هم ممتنع. به قول قدما او دوجنبین است؛ وجه بارز شخصیتش کنش‌گری، کوشندگی، تسهیلگری، تشکله‌گرایی، سازماندهی و ... است، بسان نگین فیروزه‌ای بر انگشتر جامعه مدنی ایران با خاصیت‌های جسمانی و روحی و روانی و معنوی فراوانش و وجه پنهان و نامرئی شخصیتش به اسم با مسمای او برمی‌گردد: «صبوری» که از او رهروی ساخته است که آهسته و پیوسته در حرکت است و در عمل کلیشه‌های جنسیتی بسیاری را دیگرگونه کرده است؛ شیرزنی که در کشاکش دهر سنگ‌زیرین آسیاب شده است که نمونه‌های آن در جامعه امروزی ما کم هم نیستند!

اگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی را چارچوبی اخلاقی برای هر فرد یا سازمان بدانیم که با حساسیت در مورد مسایل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیط زیستی رفتار نماید و توانایی بروز خود به عنوان یک عضو دارای حس همکاری، موثر و سازنده در گروه داشته باشد و اگر آن را یک شایستگی بدانیم که ما را قادر می‌سازد مراقب تلاش‌های کاری خود باشیم و در راه علائق دیگران و گروه‌هایی خدمت کنیم که خارج از حیطه نیازهای فردی، اهداف، و نگرانی‌های ما قرار دارند، دقیقاً می‌توان این تعریف را بر تجربه زیسته فیروزه صابر به عنوان یک شهروند مسئول و فعال منطبق کرد.

با شناخت قبلی از شخصیت فیروزه صابر و با تجربه‌ای که در عملیاتی کردن طرح ملی ترویج کارآفرینی زنان در دولت اصلاحات از او سراغ داشتم، در زمان راه‌اندازی کارگروه‌های تخصصی معاونت امور زنان و خانواده (به عنوان اتاق فکر و بازوهای مشورتی و با هدف مدیریت ظرفیتهای موجود)، دبیری کارگروه اشتغال و کارآفرینی زنان با محوریت دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی و زنان سرپرست خانوار را به ایشان پیشنهاد دادم، به رغم مشغله‌های کاری با گشاده‌رویی پذیرفت و در مدت همکاری و فعالیت با ارائه نظرات و پیشنهادهای سازنده، از جمله تشکیل کمیته مشترک با فراکسیون زنان مجلس دهم، بررسی موانع و چالش‌های کارآفرینی زنان در دوره پسابرجام، اکوسیستم کارآفرینی زنان، توسعه و ترویج کارآفرینی سبز و ... در کنارمان ایستاد و با عملگرایی در تحقق مدیریت نتیجه‌محور یاریمان

کرد، هرچند متأسفانه بسیاری از موارد پیشنهادی در آن زمان بنا به دلایل عدیده‌ای زمینه بروز و ظهور نیافت.

از دیگر سو، اقدام و اهتمام خانم صابر در راه‌اندازی و پایداری انجمن صنفی زنان مدیر کارآفرین، انجمن ملی کارآفرینی زنان و بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان به وضوح از باور و اعتقاد راسخ او به ضرورت توانمندسازی و توان‌افزایی زنان و ارتباط متقابل ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن با یکدیگر پرده برمی‌دارد؛ فرآیندی چندجانبه که در طی آن زنان توانایی تشکله‌سازی و سازماندهی خود را پیدا می‌کنند تا بتوانند اعتماد به نفس خویش را افزایش دهند، حق انتخاب آزادانه مستقل برای خود طلب کنند و منابعی را که به مبارزه با فرودستی ایشان و محو این فرودستی مدد می‌رساند، تحت کنترل بگیرند. از این منظر، توانمندی نیرویی قدرت‌بخش برای رسیدن به یک هدف است و نه اعمال قدرت بر دیگران.

این رویکرد به اهمیت افزایش قدرت برای زنان واقف است و سعی می‌کند که قدرت را کمتر به صورت برتری فردی بر فرد دیگر، و بیشتر از نظر توان زنان در جهت افزایش خوداتکایی و قدرت درونی شناسایی کند.

البته تمرکز او و همراهانش بیشتر بر بعد اقتصادی توانمندسازی زنان است،

اگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی را چارچوبی اخلاقی برای هر فرد یا سازمان بدانیم که با حساسیت در مورد مسایل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیط زیستی رفتار نماید و اگر آن را یک شایستگی بدانیم که ما را قادر می‌سازد مراقب تلاش‌های کاری خود باشیم و در راه علائق دیگران و گروه‌هایی خدمت کنیم که خارج از حیطه نیازهای فردی، اهداف و نگرانی‌های ما قرار دارند، دقیقاً می‌توان این تعریف را بر تجربه زیسته فیروزه صابر به عنوان یک شهروند مسئول و فعال منطبق کرد.

به عنوان یکی از دو چالش جدی فراروی زنان و جامعه ایرانی (در کنار توانمندی سیاسی)، وی سالهاست با وقوف بر این موانع و چالش‌ها به ارائه راه‌حل‌های عملی و واقع‌گرایانه در سطوح فردی، نهادی و سیستمی نیز تمرکز داشته است که حکایت از تسلط و اشراف او بر اقتضائات، ویژگی‌ها و نیازهای جامعه محلی خود دارد و این چنین است که جنس فعالیت‌هایش از بسیاری دیگر متمایز می‌گردد.

نمونه دیگر تلاشهای ارزنده خانم صابر، مشارکت در راه‌اندازی شبکه کمک (کارگروه مهار کرونا) است که حکایت از آن دارد هر جا خبر و اثری از درد و رنج انسان هاست، او آنجاست.

با نیم‌نگاهی به گذشته و حال وی به جرات می‌توان گفت فیروزه صابر در آستانه ۶۰ سالگی در جای درست ایستاده است؛ جایی که باید باشد و جایی که متعلق به اوست و به درستی انتخاب کرده است.

امروز فیروزه گوهری کمیاب و گرانبستا است که هر جا رود لاجرم قدر ببندد و در صدر نشیند ...

از همنشینی با او بسیار آموخته‌ام و عمری باشد درسهای بیشتری نیز خواهم آموخت.

شصتمین سالروز تولدش بر همه ما مبارک.



وجود سرمایه با ارزشی چون ایشان، مبارک است

* محمد ستاری فر

معاون رئیس جمهور در دوره اصلاحات



بسمه تعالی
به فیروزه خانمی با :

تخصص، بردباری، متانت، تواضع، توانمندی، پاکدستی، پرتلاش، برخوردار از آرزوها و آرمان های بلند برای سربلندی ایران، مجاهدی پرتلاش در راه اعتلای جایگاه زنان در عرصه ها، همراه و هم‌رزم با برادری شهید (هدی عزیز) در راه آرمان هایی از جنس آزادی، انسانیت، عدالت، برابری، عرصه های اقتصادی و اجتماعی، رشد، توسعه و ... باید تعظیم و تکریم داشت.

خدایا؛

صدعمر درازش ده

نازش ده

فخرش ده

تا فخر بود ما را

خواهر عزیزم ؛ سرکار خانم فیروزه صابر

تولدت مبارک – تولدت مبارک

بر ما ایرانیان، بر زنان ایرانی و نوجوانان ایرانی، وجود سرمایه با ارزشی همچون فیروزه خانم نیز مبارک باد.

فیروزه خانم عزیز، وجود بر ما مبارک است زیرا در زمان و مکانی در کنار همه جور قیودات آئینی، دینی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، قانونی نشان

دادی که می شود روشنائی داشت، می شود شمعی را برافروخت و می شود نورها را بر تاریکی و ناامیدی تابانید و رویش ها و توانایی ها، سربلندی ها، عزت نفس ها و کرامت های انسانی را برداشت کرد.

فیروزه خانم گرامی، نشان دادی که در کورسو و بسیار محدودیت ها هم می توان دغدغه سربلندی داشت، می توان امید داشت؛ می توان کاری کرد و می توان ثمره ای نیکو از جنس توانمندی، کرامت انسانی، سربلندی و آزادی برداشت کرد و در این راه صابر و استوار بود.

فیروزه خانم عزیز، شما با همراهان عزیزتان که هریک نیز سرمایه های باارزشی برای این مرز و بوم هستند، بسیاری از ناشدنی ها را انجام دادید و بسیار و بسیاری از کارها هنوز باقی مانده است زیرا در گستره سرزمینی و جمعیتی مام عزیزمان، ایران، در طی تاریخ پرفراز و نشیب خود، از خود گذشته تانکون، زنان از بسیاری منزلت های لازم که می بایست داشته باشند؛ محروم بوده و هستند. ایران در طی ۸۰ ساله برنامه های توسعه، گذارهایی از محرومیت زائی (سواد، بهداشت، مشارکت در امور، حق مالکیت ...) را داشته است. اما هنوز در جامعه نیمه باز و جوان ایران در زمان عصر انفجار اطلاعات و برابری حق فرصت و برابری حق انتخاب ها و دستیابی به عرصه های آزادی، هنوز محدودیت های به ناق و ناروا، ناسزاواری ها، ناشایستگی های زیادی را می توان دید که هنوز مانع پیشرفت زنان و ظرفیت های عظیم آنها برای عرصه های توسعه پایدار را در خود دارد.

هنوز می توان در این عصر مشاهده کرد که در گوشه و کنار این مام عزیز، زنان یعنی مادران ما، خواهران ما، همسران ما و فرزندان ما از حقوق لازم، شایسته و بایسته برخوردار نیستند. هنوز زنان مایملک مردان (شوهر، پدر، برادر) قرار دارند. هنوز مردان ما به ازای انتقال حق مالکیتی و پرداخت بهایی بس ناچیز و حقیر مالی در و سرمایه ای که قیمت ندارد، به نام زن را مالک می شوند.

هنوز در جامعه ایرانی، می توان اشکال گوناگونی از تقسیم بندی های جاهلانه ی بین زنان و مردان (برپائی یک جامعه و طبقه ای بین زن و مرد) را دید. تقسیم بندی ظالمانه ای که در خور آثار باز نشر در پردشدگی ها، انزواهای اجتماعی، محرومیت های اقتصادی و از خودبیگانگی های اجتماعی را دارا است.

با بهانه تفاوت های زیستی و ژنتیکی بین زنان و مردان، هنوز تفاوت های ظالمانه ای در عرصه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، قانونی بر زنان این مرز و بوم جاری و ساری بوده و هست. اگر شماها نباشید؛ این کژی راه و عمل می خواهد ادامه یابد. پس باشید، بمانید و پرتوان تا این کژی ها را به راه راست بکشانید زیرا نمی توان با بهانه تفاوت های زیستی و ژنتیکی، بنای ساختمانی از تفاوت ها، تبعیض ها، ظلم ها، نابرابری ها در پی ریزی نهادها و قانونمندی های نابرابر بین زنان و مردان داشت.

باید به مبارزه ، کار و تلاش ادامه داد که کشور ایران و زنان و مردان به ویژه نهاد حاکمیت و حکومت را بدانجا بکشانید که به این خرد، عقلانیت، باور و عمل برسند که در تمام انسانها (فارغ از تفاوت های ژنتیکی) مهارت های انسانی (آموزش، تخصص، تعهد، انسانیت، بردباری،، پشتکار و ...) که برای رشد و توسعه فردی، خانوادگی، جامعه، کشور و جهان از جنس بن سازه ها و بن مایه ها هستند ، همگی این بن سازه ها و بن مایه ها برای رشد و توسعه در نزد زمان، تاریخ، این دنیا و آن دنیا و در پیشگاه قادر متعال، حکیم، بخشنده، مهربان، عادل و ... اموری اکتسابی هستند، نه ژنتیکی. بسیاری از زنان می توانند این امور اکتسابی را به دست آورند و در پیرامون خود؛ جهان و مردان، فخر و برتری داشته باشند؛ پس نمی توان در این عصر و با این همه ظرفیت در زنان پذیرائی از هرگونه نظام کاستی متکی بر زن – مرد داشت. (امور اکتسابی از جنس برابری زن و مرد را طالب است).

هنوز در کشور ما و در خانواده بزرگ ایرانیان به این باور نرسیده ایم که زنان و مردان که هریک نیمی از ظرفیت های فکری، روحی، جسمی، کاری و ... کشور را دارا هستند؛ هردو دارای منافع متجانس و همگرا در عرصه های توسعه و حیات خود و کشور هستند. اعمال هرگونه محدودیت آشکار و پنهان، نوشته و نانوشته، مستقیم و غیرمستقیم بر ظرفیت زنان باید باور داشت که علاوه بر ظلم به زنان، ظلمی بزرگ در راه شکوفایی مردان و کشور است.

توسعه کشور نیازمند این است که ایرانیان آیا می توانند با خرد، عقلانیت، انصاف، برابری، عدالت، آزادی برای و بر روی هم سرمایه گذاری پیش برنده داشته باشند. سرمایه گذاری که سازنده بن سازه چرخه "توانمندی قدرت مردان – توانمندی قدرت زنان" است. علم و تجارب موفق توسعه بیان این حقیقت را درخود دارد که در سطوح خرد، همچون خانواده، سطح کلان: کشور و سطح کلان-کلان : جهان ، این چرخه است که می تواند کارساز بالندگی، تعالی، رشد و توسعه پایدار را در خود داشته باشد. این چرخه بن سازه در بسترهایی می تواند زایش و گشایش داشته باشد که محیط آکنده از احترام، برابری، آزادی، بسط فرصت ها و حق انتخاب ها باشد. در محیط هایی آکنده از تبعیض، نابرابری و جامعه کاستی زن – مرد، نمی توان نهال و ثمره ای نیکو از این چرخه بن سازه داشت . به همین جهت باید گفت چرخه بن سازه "توانمندی قدرت مردان – توانمندی قدرت زنان" هم پیش نیاز ، هم عامل توسعه و هم هدف توسعه باید قلمداد شود. بذرافشانی برای این چرخه و مهیا کردن بوستان برای کاشتن این بذر برای دستیابی به ثمره ای به نام این چرخه ، می تواند بنیان های ذهن ها ، فکرها و منافع ظالمانه و رانتی در پدیداری دو طبقه فرادستان (مردان) و فرودستان (زنان) را به لرزه درآورده و پایداری و مراقبت در صیانت از این بوستان، نوید دهنده

فیروزه خانم عزیز، وجودت بر ما
مبارک است زیرا در زمان و مکانی
در کنار همه جور قیودات آئینی،
دینی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی،
قانونی نشان دادی که می شود
روشنائی داشت، می شود شمعی را
برافروخت و می شود نورها را
بر تاریکی و ناامیدی تابانید و
رویش ها و توانایی ها، سربلندی ها،
عزت نفس ها و کرامت های انسانی
را برداشت کرد

برابری زنان و مردان را در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، کژی ها و برپایی بوستان برای شکوفایی ظرفیت های زنان داشته اید تا کشور ایران بتواند به چرخه امید، زندگی، برابری، آزادی ، عدالت، رشد و توسعه یعنی چرخه " توانمندی قدرت مردان – توانمندی قدرت زنان" برسد.

چون شما و همکارانتان با :

فکر، اندیشه، ذهن، روح، جسم، عمر، صبوری و متانت، پشتکار، تحمل نامالایمات، امیدوار در فضای ناامیدی، پاکدستی و ... صابر بودید و برای دستیابی به خوبی ها، برابری ها، بزرگی ها، فردی و جمعی و در نهادهایی همچون بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان در تلاش بوده و هستید، باید علاوه بر تبریک به شما؛ به خود تبریک داشته باشیم که چه سرمایه هایی باارزشی برای تعالی ما در فکر، اندیشه و عمل هستند. شما بزرگ هستید، خیلی بزرگ. بزرگی را به دست آوردید؛ این ماه بر ما و شما مبارک باد. به قول شکسپیر، انسان ها سه گروه هستند:

گروه اول؛ بزرگ زاده می شوند (اشراف و نجبا و...)

گروه دوم؛ بزرگی را بر خود می بندند (سیاسیون و...)

گروه سوم؛ بزرگی را به دست می آورند.

خوشا به حال شما که بزرگی را به دست آورده اید و در تلاشی برای بزرگ کردن زنان ایرانی و به تبع آن مردان ایرانی هستید.

پس درود خداوند بر شما و همکارانتان ارزشمندتان باد.

من ..! التوفیق

فیروزه صابر آنگونه که باید به جامعه معرفی نشده است

* زهرا شجاعی

مشاور رئیس جمهور و رئیس مرکز امور مشارکت زنان دوره اصلاحات



به نام خالق فیروزه ها

در تاریخ بشر همواره انسان های بزرگی آمدند که هر کدام در یک عرصه و حوزه درخشیدند یا به خاطر اثر نوپیدی که به جا گذاشتند یا کشفیات و اختراعاتی که انجام دادند یا خالق یک اثر هنری بدیع بودند یا در فداکاری و از خود گذشتگی سرآمد و نمونه شدند یا در ارائه راه حل های علمی به کمک بشر آمدند یا در تاسیس نهاد، سازمان یا نظامی نقش اساسی داشتند یا شجاعت و شهامت بی نظیری در بحبوحه و کشاکش زمان از خود نشان دادند یا اثر علمی گرانسنگی از خود به جای گذاشته اند یا در اصلاح جامعه خود و بلکه جامعه جهانی با ارائه نظریات موثر و سازنده نقش ایفا کردند و یا ...

اما همه این ها اغلب در دوران حیات خود مورد بی‌مهری غفلت و بی توجهی مردم آن زمان خود بودند مشکل هم عصری یا معاصر بودن از جمله حجاب هایی است که مانع شناخت دقیق و بهره‌مندی کامل و



قدردانی از انسانهای بزرگ شده است.

در یک بررسی اجمالی اکثر این افراد پس از حیات ظاهری و دنیوی و برخی حتی سالها بعد از آن شناخته شدند و به جامعه معرفی گردیدند و صد حیف و افسوس که به خاطر این تأخیر زمانی امکان معرفی و شناخت کامل و همه جانبه دیگر وجود نداشته است. نه مستندی، نه فیلمی، نه اتوبیوگرافی، نه خاطره‌نویسی و نه یادداشت روزانه و نه مصاحبه و گزارشی از این افراد موجود بوده است.

این خلاء فرهنگی در مورد زنان به علت غلبه فرهنگ مردسالارانه صدچندان است. مجال اندک این یادداشت فرصت شرح تفصیلی نمی‌دهد اما مراجعه به دانشنامه های زنان و کتاب‌های رجالی، شاهد صادقی بر فقر اطلاعاتی در حوزه معاریف و مشاهیر زنان است.

اقدامات شایسته‌ای که اخیرا از سوی برخی نهادهای فرهنگی و انجمن های علمی در جهت تدوین تاریخ شفاهی با محوریت زنان صورت می‌گیرد و بزرگداشت هایی که از سوی نهادهای مدنی و انجمن‌های علمی و فرهنگی صورت گرفته، قابل تقدیر است.

**در جریان فقدان تاب سوز برادر
اندیشمندش هدی، آنچنان صبوری
و استقامت از خود بروز داد و
با تدبیری حکیمانه اجازه
سوء استفاده به فرصت طلبان نداد
و در عین حال نقش زینبی خود را
در زنده نگه داشتن راه و نام برادر
و ارسال پیام او به جامعه به
خوبی ایفا کرد**

فیروزه صابر از جمله زنان معاصر ماست که به دلیل هم عصری آن گونه که باید به جامعه معرفی نشده است تواضع و عزت نفس و سلامت اخلاقی و بزرگ منشی او هم مزید بر علت شده است.

فیروزه را از سال‌های نه چندان دور در زمانی که مسئولیت امور زنان در دولت اصلاحات را داشتیم و او در حال تدوین پایان نامه کارشناسی ارشدش در زمینه راههای توسعه کارآفرینی زنان در ایران بود شناختم متانت و صبغه علمی او مرا جذب کرد و ارتباط ما برقرار شد.

واژه کارآفرینی در آن زمان واژه شناخته شده ای نبود اما به تدریج با فعالیتهای او در انجمن زنان کارآفرین و بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان و با تأکید بر نقش زنان، فضای جدیدی برای فعالیت های اجتماعی اقتصادی زنان به وجود آمد که امروزه شاهد توسعه و گسترش کمی و کیفی بانوان کارآفرین و تشکلات مربوط به آنان هستیم که با تأکید بر امر تحقیق و توسعه و شبکه سازی صورت گرفته است.

در یکی از ماموریت های خارجی در سفر به آفریقای جنوبی عضو هیئت همراه بود. نظم و انضباط، وقت‌شناسی، مراققت و همراهی، رعایت پروتکل های سیاسی به انضمام نقش موثر و سازنده او در این سفر بر علاقه و ارادت من به او افزود.

در جریان فقدان تاب سوز برادر اندیشمندش هدی، آنچنان صبوری و استقامت از خود بروز داد و با تدبیری حکیمانه اجازه سوء استفاده به فرصت طلبان نداد و در عین حال نقش زینبی خود را در زنده نگه داشتن راه و نام برادر و ارسال پیام او به جامعه به خوبی ایفا کرد.

فیروزه دقیق، مدیر، مدبر، جدی در کار، در دوستی و رفاقت صدیق، در فعالیت‌های اجتماعی پیشقدم، در راستای خیر عمومی، بی‌ادعا و بسیار مهربان است عمر طولانی و عریض همراه با موفقیت و سعادت و عاقبت به خیری برایش آرزومندم.

اسوه، الگو و نمونه

* الهه علافر

مدیرکل اشتغال زنان وزارت کار
و امور اجتماعی دوره اصلاحات



به نام او که بال داد ، خصلت پرواز داد

مقدمه را با بیان زیبایی فیروزه در رثای هدی گرانقدر آغاز می‌کنم. نوشتن از « فیروزه صابر » در ظاهری سهل و در عمل ممتنع است. ذهنم مرا به سمت سنگ فیروزه رهنمون ساخت . با رنگی به آرامش دریا ، به پاکی آسمان ، جاری رود ، بارش باران بهاری و نمادی از بهشت خدا. از فواید سنگ فیروزه آمده است که در آدمی احساس محبت، عشق، علم و هنر را ترقی و تعالی می بخشد. این گوهر ریشه در اعماق تاریخ دارد و در باور مردم، « سنگ زندگی» نامیده می‌شود. این گوهر همواره مورد احترام بوده است. در هوای آلوده و غبارآلود ، رنگ پریده و در هوای پاک و سالم ، این گوهر درخشان تر می‌شود. داشتن این گوهر ، اقبال به همراه می‌آورد و با عشق پایدار همراه است. فیروزه سنگ حقیقت است و فرد را ترغیب به بخشودگی میکند. برای عمل به حقیقت، دلسوزتر و با سخاوت بیشتر و گذشت فراوان و کنشگر اجتماعی باشیم. به همین دلیل است که فیروزه را سنگ « تمامیت و حقیقت » می‌دانند.

در اساطیر باستانی از فیروزه – این گوهر جاودانی – برای غلبه بر ترس و تسلط و مبارزه همراه ، حس پیروزی و آرامش درونی نام برده شده است. آیا زمانی که خداوند دختری این چنین را به خانواده داد و او را « فیروزه » نام نهادند میدانستند که او دختری با تمام خصوصیات انسانی والا و با تمام ویژگی های این گوهر پا به عرصه زندگی گذاشته است ؟ و چه نام با مسمايي برای او انتخاب شد.

در خانواده ی « صابر » پا به جهان هستی گذاشت تا بتواند تمام انرژی های مثبت اطراف را جذب نموده و نیرو و ارتعاشات منفی و آشفته را از پیرامون خود دور کند.

«صابری» بود که صبر و بردباری را در حد نهایت با خود همراه داشت و در زندگی در حدکمال از آن بهره برد. او بردبار و پرشکیب، صبور، محتمل و شکيبا بود.

بیش از دو دهه است که افتخار آشنایی با فیروزه را داشتیم ، همواره ستایشگر آرامش، شکيبایی بردباری، صداقت، راستگویی و مدیریت مبتنی بر صلاحیت و شایستگی اش بودم. همواره تلاشگر انتقال انرژی مثبت اش به تمام دوستان ، اطرافیان و همکارانش بودم .

او را چون اسوه ، الگو و نمونه ای از انسان وارسته، آزاده، باگذشت، باوجدان، نجیب و پای بند به ارزش های اخلاقی – که در جامعه مادی بسیار کم‌رنگ شد – شناختم و از او بسیار آموختم .

باشد که دهه های آینده شاکردانی همچون خودش را به جامعه تحویل دهد تا رهروی او و هدی باشند.

بانو فیروزه صابر، کارآفرین اجتماعی در عصر ما

* حسن طائی

معاون سابق اشتغال و کارآفرینی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی



ای نام تو بهترین سرآغاز

بیست سال پیش در یکی از روزهایی که بخت مان یار بود با خواهر و برادری آشنا شدم که جانی در دو قالب؛ دل انگیز و خرد شیفته و به همزیستی و همجوشی دل و خرد باورمند، صابر بودند و فیروزمندی و هدایتگری رسم و حرفه ایشان. دل را زادگاه خرد و خرد را در محیط اجتماعی و روابط انسانی آن هم در میان فرودستان و فراموش شدگان می‌پروراندند. آنچنان به بالندگی خرد به عنوان راه حلی برای جوامع انسانی باور داشتند که توانمندسازی جوانان و زنان بویژه در مناطق مستعد اما دورمانده را هدف و آرمان زندگی خویش قرار دادند. در این راه دانش و مهارت را بکارگرفته و تلاش و رنجی دراز دامن را تحمل و به رهروان و کاروانیان مسیر عشق یادآوری می‌کردند که کاستن عدد بینوایان و کاهش رنج فقیران و خدمت به هموعان نیازمند امتزاج چندشایستگی و چندوظیفگی است. البته هنر پاکدامن زیستن و بدون چشم داشت مادی برای اعتلای انسان و انسانیت تلاش کردن نیازمند گوش دادن، سخن گفتن، نوشتن، دیدن و دوبین، برنامه داشتن، توانایی اجرا، نظارت و هماهنگی و انسجام فکری و عملی در دنیای کنونی ماست، که ایشان اینگونه بودند.

مشى علمى و عملى ایشان در طول چهل سال تلاش، تربیت توانمندانی است که کنجکاوانه مى‌نگرند، موثر مى‌شنوند، دقیق صحبت مى‌کنند، درست مى‌نویسند، خوب درک مى‌کنند، ارزشمندانه به دست مى‌آورند، کارآمدانه تطبیق مى‌دهند و به صورت پیوسته مهارت‌ها و شایستگی های فردی خود را ارتقاء مى‌دهند تا شغل مولد با دستمزد قابل قبول بیابند و به خودشان، جامعه و اقتصاد سود برساند. خلاصه انسان هایی جامعه پذیر باشند و اشتغال پذیر، یادگیرنده باشند و نوآور، کارآفرین باشند و بهره ور.

مشى علمى و عملى ایشان برای ساختن مستعد آینده و انقلاب استعدادی در بین جوانان و زنان فرودست جامعه برای آماده‌سازی دنیای کار فردا مطابق با الگوهای جهانی و چارچوب های پذیرفته شده بین المللی بود. یعنی یک حرکت روبه جلو که نه فقط متمرکز بر مهارت‌ها، بلکه به سمت الگویی است که تأکید بر ویژگی‌ها، استعدادها و تغییر نگرش را با تأکید بر اهمیت مهارت آموزی و سازمان پذیری در هم آمیزند. یعنی داشتن سبذی از ویژگی‌ها، مهارت‌ها و دانشی که مشارکت‌کنندگان در بازار کار باید دارا باشند تا این اطمینان را به وجود آورند که در محل کار برای خود، کارفرما و اقتصاد موثر هستند. برای آنکه مستعدان آینده یک انقلاب استعدادی را به سرانجام رسانند نیاز است تا همه کارگزاران اقتصادی و بازیگران اجتماعی رویکرد خود به آموزش و پرورش، مهارت‌ها، استخدام ها و همکاری با یکدیگر را تغییر دهند. کسب‌وکارها باید توسعه استعداد و راهبرد نیروی کار شایسته را پیش‌رو و در مرکز رشد خود قرار دهند. شرکت‌ها دیگر نمی‌توانند مصرف‌کنندگان منفعل سرمایه انسانی آماده باشند. آنها به یک ذهنیت جدید به منظور تحقق نیازهای استعدادی خود و بهینه سازی اجتماعی نیاز دارند. کسب و کارهای نوین علاوه بر کمیت اشتغال به کیفیت آن و در نتیجه نه تنها به کار بیشتر، بلکه به کار بهتر نیز توجه دارند.

تلاش و هدف صابران، فیروزه و هدی در خانه پژوهش نواندیش و بنیاد توسعه و کارآفرینی زنان و جوانان برای پرورش مستعدان آینده کار شایسته بود. یعنی در جستجوی فرصت های برابر برای زنان و مردان به منظور دستیابی به کار مناسب و مولد بود؛ کاری که تنها منبع درآمد برای آنها نیست و شرایطی آزاد، ایمن، همراه با کرامت انسانی برای آنها به همراه دارد؛ و کاری که شامل مولفه هایی مانند حقوق بنیادین کار، حمایت از اشتغال کامل، حمایت از امنیت اجتماعی و حمایت از گفتگوهای اجتماعی است. ایشان در سایه قواعد و محیط بالنده کار شایسته، به پرورش و آماده سازی فرودستان مستعد می‌پرداختند و می‌پردازند؛ منتهی عمیقا باور دارند که برای زیستی شایسته و درخور برای آدمیان که توام با سلامتی و خرسندی و فیروزی است، نیاز خواهیم داشت تا به صورت تدریجی و سنجیده الگوهای آموزش و پرورش کنونی را مورد تجدید نظر قرار دهیم. قدر مسلم اینکه برای این مدیریت تحول، نیاز خواهیم داشت تا در برنامه های آموزشی و مهارت آموزی جسورانه‌تر عمل کرده و تغییرات لازم در قوانین و روابط کار و برنامه ریزی نیروی انسانی را ایجاد کنیم. خلاصه با کمک و حضور فعالانه همان فرودستان مستعد، در فرایند تحول از طرح درس تا اشتغال پذیری و کارآفرینی، متناسب با تحولات دنیای جدید اقدام کنیم.

در پایان برای هدی، برادری که خردمندانه هدایتگری می‌کرد به حضرت فردوسی تمسک می‌جوئیم که سرودند:

چو خواهی ستایش پس مرگ تو خرد باید ای نامور برگ تو
و برای خواهری که فیروزمندانه تلاش می‌کند و در میانه فصلی که طبیعت جامه پائیزی می‌پوشد پای به جهان هستی گذارده و اکنون در نیمه عمر خویش گذران می‌کند؛ می‌گوئیم که فیروزه خانم، راستی می‌دانی که پائیز منسوب به مهر و آبان و آذر است؟ آیا می‌دانی که اشتقاق مهربانی ترکیبی از مهر و آبان است؟ آیا می‌دانی که این مهربانی به آذر یعنی عشق می‌رسد؟ آیا می‌دانی که عشق و آتش برای رویش دوباره امید در بهاران، حیات آدمیان را در زمستان همچنان گرم و زنده نگه می‌دارد؟ تا دوباره رویش سبزه ها، ترانه سرایند و گل یاس بروید. گل یاس که شمیم مهربانی و عشق به آدمیان می‌بخشد، تقدیم تو باد.

دیر بمانی، سلامت باشی و شادی کنی



کسی که شور کارآفرینی را در دل من نهاد

* شریفه حق شناس

رئیس دفتر نمایندگی انجمن زنان کارآفرین کرمانشاه

اولین آشنایی من بطور اصولی با واژه کارآفرینی از طریق کارگاهی آموزشی بود که سال ۱۳۸۲ دفتر امور بانوان وزارت کشور برای مشاورین استانداردین گذاشت و مدرس آن خانم صابر عزیز بود.

چنان شعفی در من ایجاد شده بود که در ردیف اولین استانهای داوطلب تشکیل کارگاه برای مشاورین فرمانداران و نمایندگان امور زنان دستگاه های اجرایی شدم، حضور خانم صابر به همراه تیم ارزشمندان که شامل آقایان دکتر احمدپور داریانی، دکتر مرعشی، دکتر فرهنگی بودند در استان، غوغایی در دلم بپا کرد که هنوز هم پابرجاست.

در گام بعدی از ایشان قول برگزاری یک کارگاه دو روزه را برای دختران ترم آخر آموزشکده فنی گرفتیم. روی خوش فیروزه خانم چنین جسارتی را به انسان می داد هر وقت که می خواندیش حضور پیدا می کرد. خلاصه کارگاه بخوبی برگزار شد و خاطره خوبی هم از آن در ذهن دانشجویان بجای ماند حال من شیدا که بماند. کشاکش من و کارآفرینی ادامه پیدا کرد تا اواخر سال ۸۴ که جهاد دانشگاهی استان اقدام به آموزش کارآفرینی کرد در این بین از من نیز برای تدریس کارآفرینی دعوت به عمل آمد. باز هم فیروزه خانم را به یاری خواندم مثل همیشه، خیلی سریع پاورپوینت های آموزشی خودش را برابرم ارسال کرد.

می توان زن بود و ساخت

* سحر فروزان علاء

مدیر روابط عمومی اتاق بازرگانی، صنایع معادن و کشاورزی ایران



دانایی و توانایی صفاتی است که خداوند مهربان به آن خوانده شده است و چه خوشبخت کسانی که در میان ما به این دو صفت خدایی شناخته می شوند.

دانایی به تنهایی راهگشا است ولی وقتی با توانایی توامان می شود کارگشا شده و سبب ساختن و حرکت می شود.

سرکار خانم فیروزه صابر را سال ۱۳۸۴ برای نخستین بار در محل کارم به عنوان معاون مدیرعامل در امور توسعه سرمایه انسانی و آموزش دید و تعجب کردم.



با تغییر دولت، در سال ۸۵ انگیزه ادامه تحصیلم اعتقاد به این بود که زمان مدیریت ظلم است، و تحصیل به من جانی دوباره داد و از این فرصت برای توجه بیشتر به کارآفرینی استفاده کردم با انتخاب این موضوع برای پایان نامه ام؛ "بررسی راههای توسعه کارآفرینی از طریق آی سی تی" و دوباره ارتباط با خانم صابر و دکتر مرعشی.

ایام گذشت وچندین بار سفر اعضای انجمن زنان کارآفرین را به استان داشتیم و دیدارها تازه می شد تا اینکه سال ۹۴ باز با همان شور و اشتیاق از ایشان و خانم محتشمی پور برای تشکیل دو کارگاه در استان دعوت کردم ، این بار برای مدیران عامل کانون های فرهنگی اجتماعی زنان از کارآفرینی گفت و ضرورت نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی را در بین زنان و جوانان گوشزد کرد. وحاصل آن کارگاه ها ونشست های منطقه ای زنان کارآفرین، تشکیل انجمن زنان کارآفرین استان شد واخیرا تاسیس دفتر نمایندگی انجمن ملی زنان کارآفرین.

کمتر مدیری در این سطح دیده بودم حال آن که او یک زن بود! اول گفتم احتمالا به واسطه ارتباطات تشریف آورده اند ولی وقتی در یک جلسه صحبت های ایشان را شنیدم و تحسین جمع را در برابر سخنانشان دیدم، فکر کردم چه خوب که با ایشان آشنا شدم، چه خوب که در جامعه زنان، زنی اینقدر آگاه و با سواد دیدم چه خوب که ایشان همان قدر که دانا و تواناست، مهربان است. چقدر خواهر است . چه خوب مدیران را مدیریت می کند، تصمیم سازی می کند انگار رگ خواب همگان را می داند. سالها که فرصت معاشرت از نزدیک هر چند گاه به گاه با او و تعقیب از دور فعالیت ها، نوشتار و گفتار ایشان را داشتیم، هر بار در قلبم بیشتر تحسینشان کردم و چه خوشبختم که در ۲۴ سالگی ایشان را دیدم و دریافتم که می توان زن بود با اقتدار، می توان زن بود و مدیر، می توان زن بود با صراحت کلام، می توان زن بود با ایمان، می توان زن بود و ساخت، می توان زن بود و حمایت کرد، می توان زن بود و مبارزه کرد، می توان زن بود و پناه بود.

اینها وصف اغراق آمیز از فیروزه خانم صابر نیست بلکه بخشی از ویژگی هایی است که در ایشان شناختم وقتی در نشست های مختلف با موضوعات کارآفرینی، توسعه، توانمندسازی و ... با ایشان هم کلام شدم و چه شوق آفرین بود ترکیب گفتگوی ایشان با فخرالسادات جان محتشمی پور و نیز با بانو رخشان بنی اعتماد در جلسات مربوط به پروژه کارستان. دیدم چه خوب مدیریت می داند، فرصت ها را می سازد و جمع ها را جور می کند برای هم افزایی و وقتی هم که قرار باشد کوتاه نیاید و پافشاری کند چه استوار می شود. چه خوب نهیب می زند، احم می کند و تصمیم می گیرد و دلالت می کند. حتی وقتی خواهر می شود و بغض در چشم هایش حلقه می زند صدایش با صلابت است.

خانم فیروزه صابر جانم، همیشه در قلبم شما را ستوده ام و امیدوارم دختران و زنان بیشتری فرصت معاشرت با شما را داشته باشند. شما تراز معیار هستید. نمونه مثالی از انسان متعالی تولدتان مبارک ما است.....

بطور مستقل یا با کمک های دولتی در جلسات کمیسیون مقام زن شرکت می کردند اما معمولا جلسه مستقلی برگزار نمی شد. درینجه و نهمین اجلاس مقام زن در اسفند ۲۰۱۵، بنیاد توسعه کارآفرینی با هدایت و مدیریت خانم صابر و مشارکت برخی از اعضا یکی از بهترین برنامه های جانبی را در زمینه کارآفرینی زنان و دستاوردها و چالش های پیش رو در سازمان ملل برگزار کرد که مورد استقبال زیادی واقع شد. برنامه ریزی هماهنگ، ارایه حوزه ها و موضوعات متنوع، نحوه مطلوب ارایه، کار گروهی، احاطه و اشراف به حوزه تخصصی اشتغال و کارآفرینی زنان، تسلط به زبان انگلیسی ومهارت پنلیست ها و همه نشان از مدیریت کارآمد، موثر و انسانی ایشان داشت.

از آنجا که جلسات کمیسیون همزمان با عید نوروز برگزار می شود، این گروه درکنار ارایه تخصصی خود، در اقدامی مبتکرانه آیین نوروز و فرهنگ ایرانی را همراه با ترتیب دادن سفره هفت سین به نحو شایسته ای معرفی کردند. در زمان تصدی امور بین الملل، خانم صابر اغلب دعوت ما را برای شرکت در ملاقات با مهمانان خارجی شامل وزرای زن یا نمایندگان پارلمان ها، به عنوان نماینده ای از سازمانهای غیر دولتی اجابت می کردند و گزارشی از توانمندی ها و زمینه های کاری زنان در حوزه های فعالیت کار آفرینی و اشتغال ارائه می دادند. همچنین ساخت و تهیه فیلم مستند از بانوان توانمند کارآفرین به دو زبان از اقدامات ارزنده ایشان در ارایه توانمندی های زنان ایران بشمار می آید. سازمانهای غیر دولتی که خانم صابر موسس یا از موسسین آن بوده اند نمونه ی بسیار شایسته ای برای نقش آفرینی سازمانهای غیر دولتی در سطوح مختلف بوده است. در سطح خرد تلاشهای ایشان در توسعه کارآفرینی زنان و جوانان و ایجاد اشتغال و کمک های اضطراری در هنگام بحران و ... بسیار ارزشمند است که در اینجا مجالی به پرداختن به جزئیات آن نیست. اما تلاش های ایشان در سطح کلان در زمینه حفظ استقلال و نقش آفرینی سمن ها در سطح سیاست گذاری و چانه زنی با دولت بسیار موثر بوده است؛ از طرف دیگر تلاش ایشان برای شبکه سازی در میان سمن

برای خانم صابر؛ مدیری متعهد، خلاق و پر مهر

* فاطمه رحمتی

مدیرکل سابق اموربین الملل معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری



آشنایی نزدیک من با خانم صابر از زمان شروع پروژه ترویج فرهنگ کارآفرینی و توان افزایی زنان کارآفرینی در دفتر امور بانوان وزارت کشور در دوره دوم دولت خاتمی بازمی گردد.

شیوه مدیریت و اجرای پروژه و تاثیرات ماندگار آن بر حیات اقتصادی و اجتماعی زنان بخصوص در سطح استان های دور از مرکز، مورد تحسین مدیران و کارشناسان مربوطه بود.

در خلال دولت نهم و دهم در فعالیت های جامعه مدنی این آشنایی و دوستی تداوم داشت تا در دولت یازدهم با مسولیت سرپرستی اداره کل روابط بین الملل معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری دوستی و همکاری با خانم صابر در فاز جدیدی قرار گرفت.

از آنجا که ارائه دستاوردهای زنان ایران در عرصه بین المللی و آشنایی زنان ایران از جمله جامعه مدنی با دستاوردها و چالش های زنان جهان، شرح وظیفه دفتر امور بین الملل محسوب می شد؛ شرکت در جلسات کمیسیون مقام زن فرصتی برای تحقق بخشی از این وظیفه فراهم می آورد.

با توجه به تجربه چندین ساله حضور در نیویورک و شرکت در جلسات کمیسیون مقام زن، جهت شرکت مفید و موثر سمن ها در جلسات کمیسیون مقام زن، برگزاری جلسات جانبی توسط سازمانهای غیر دولتی تشویق و تسهیل شد. اگر چه سازمانهای غیر دولتی در سالهای قبل

علی رغم انواع مشکلات و چالش های پیش روی سمن ها در ایران که ممکن است هر گونه تلاش را سخت یا غیر ممکن کند، نهادهای تحت مدیریت و نظارت ایشان به علت عمل بر اساس اصول و موازین، حرفه ای و تخصصی بودن، شفافیت، پاسخگویی، استقلال و ... از محدود سازمانهای غیر دولتی و نه خیریه ای است که بیش از چند دهه بصورت مستقل و کارآمد فعالیت می کند

ها برای تاثیرگذاری بیشتر و هماهنگی و همکاری جهت ایفای نقش موثرتر در رفع معضلات جامعه تحسین برانگیز است. علی رغم انواع مشکلات و چالش های پیش روی سمن ها در ایران که ممکن است هر گونه تلاش را سخت یا غیر ممکن کند، نهادهای تحت مدیریت و نظارت ایشان به علت عمل بر اساس اصول و موازین، حرفه ای و تخصصی بودن، شفافیت، پاسخگویی، استقلال واز محدود سازمانهای غیر دولتی و نه خیریه ای است که بیش از چند دهه بصورت مستقل و کارآمد فعالیت می کند. برای ایشان در شصتیمین سال تولدشان، سلامتی آرزو می کنم و امیدوارم هر چه بیشتر شاهد به بار نشستن تلاشهای شان در عرصه الگو سازی و توانا سازی زنان باشیم.



زندگی نامه فیروزه صابر

فیروزه صابر در صبحگاه ۱۴ آبان ۱۳۳۹ چشم به جهان گشود. وی به گواه خانواده اش از همان کودکی پرانرژی، فعال، پرسشگر و همواره در بحران ها و چالش های زندگی قوی و استوار بود. فیروزه صابر فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی است که به بهانه موضوع پایان نامه خود، برای نخستین بار موضوع "کارآفرینی زنان در ایران" را مورد مطالعه قرار داد. وی در قالب "طرح ملی ترویج فرهنگ کارآفرینی و توان افزایی زنان کارآفرین" که در اوایل دهه ۸۰ در دفتر امور بانوان وزارت کشور وقت انجام شد، توانست اولین بانک اطلاعات زنان کارآفرین ایران را تهیه و همکاری تعدادی از آنان را برای اجرای طرح ملی مذکور جلب نماید. با ترغیب ایشان و همکاری مدیرکل امور بانوان وقت وزارت کشور، جمعی از زنان کارآفرین و صاحب کسب و کار به قصد اشاعه فرهنگ کارآفرینی در جامعه زنان و انتقال تجارب خود به فارغ التحصیلان دختر، قدم پیش نهادند تا اولین نهاد مدنی کارآفرینی را تشکیل دهند و به این ترتیب با استفاده از ظرفیت مدیریتی کارآفرینان، انجمن زنان مدیرکارآفرین و به فاصله کوتاهی پس از آن انجمن ملی زنان کارآفرین مجوز فعالیت گرفت.

اما افق بلند نگاه این محقق و معلم و مشاور کارآفرینی براساس نیاز جامعه او را به سمت ایجاد بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان سوق داد که از سال ۱۳۸۴ به عنوان مدیرعامل منتخب هیئت امنای بنیاد، فعالیت خود را آغاز نمود. این اما پایان کار صابر نبود. او که در راه الگوسازی برای جوانان خلاق بسیار فعال و پیشرو بود، در اوایل دهه نود نیز پس از برگزاری همایش فعالان اقتصادی و نیکوکاری که از طریق جامعه نیکوکاری ابرار در سال ۹۲ در اتاق



به نام خالق یکتا فیروزه عزیزم کوچکترین فرزند خانواده، صبحگاه ۱۴ آبان ساعت ۵ صبح به دنیا آمد. فیروزه از کودکی پر انرژی، فعال، پرسشگر، با اعتمادبه نفس، منظم، صبور و بردبار بود. در نهایت متعهد به خانواده، دوستان و اجتماع، بدون انتظار و دارای دلی به وسعت آقیانوس ها، به پاکی آبی دریاها و زیبایی سنگ های زیبای فیروزه. تولدت مبارک عزیزترینم.

فتانه

فیروزه جانم تولدت مبارک

بامهر و عشق فراوان- فرشته



«فیروزه خانم صابر»

معلم، استاد، مدیر و رهبر در دنیای کاری، آموزشی.

همراه، حمایت کننده، مسئولیت پذیر در محیط خانوادگی و دارای شخصیتی قاطع، مهربان، جدی و کاریزماتیک.

سپاس از زحمات و الطاف فیروزه خانم با حس مادرانه و خواهرانه. به امید جبران بخش کوچکی از زحمات شان در طی سالیان گذشته.

فریده، حنیف و شریف صابر

نماد انسان بودن و انسان زیستن

* هادی صابر

در آن زمان که پدر بود و مادر بود، حاصل عمرشان شش فرزند بود و آخرینشان فیروزه.

سه فروردین ۱۳۴۹ پدر عمرش به آخر رسید و به ایزد منان پیوست. در آن روزگاران که مرگ حرمت داشت و پیوستن انسان به خالقش معنای دگر، فیروزه ۸ ساله بود. که نه مرگ را می شناخت و نه سوختن در مرگ عزیزی. تنها می دانست بی پدر شده است. همین و بس.

از آن بهار سیاه تا به امروز من برایش هم پدر شدم هم برادر ماندم و حیرت انگیز آن که از همان اوان خریدش برایم دوست صاحب قدمی شد که دوستی اش طی این پنجاه و اندی سال همچنان مغتنم است و عزیز. برادر فیروزه بودن فخر من است و نقش من به عنوان پدر موجب ستایش بی پایان خالق که در دختری با قلبی پر از مهر و مهربانی را به من هدیه داده است اما واقعیت انکار ناپذیر آن است که من هرگز مرد زندگی این نازنین نبوده ام. مرد زندگی فیروزه از لحظه مرگ پدر، هدی، کوچکترین برادرم بود که از همان ۱۰ سالگی لیاقت مرد زندگی شدن را در چنته داشت و تا آخرین دم حیاتش سرسختی و استواری یک مرد تمام عیار را در زندگی فیروزه به نمایش گذارد و..... به یکباره و پرید و رفت. اما یقینا مشی و تأثیرگذاریش تا پایان حیات خواهر نازنینم باقی خواهد ماند.

القصة... زندگی نامه من و فیروزه کتابی را می طلبد تا حق مطلب را ادا کند که اکنون نه زمان آن است و نه لازم!

اما اگر در یک قطعه کوتاه بخواهم شخصیت و سرشت فیروزه را بیان کنم این چنین است: شگفتا من نمی دانم و نمی توانم که بگویم چرخ روزگار آن چنان با سرعت چرخید که من نتوانستم بفهمم فیروزه کی و چگونه به این مقام والا و به این جایگاه که لایق یک زن ایرانی است رسید؟ آنچه که فیروزه را ساخته و شان والایش را در جامعه شکل داده، اعتماد به نفس، شجاعت، صداقت و نیز ایمان راسخ و پایبندی اش به مبدئی است که او را آفریده و به او زندگی و حیات را هدیه داده است. نظم و تعهد جزء لاینفک در کل زندگی این انسان شریف است. مهر و مهر ورزیدن از صفات بارز نازنینم فیروزه است. نگاه مهربانش و برخورد انسان دوستانه اش هر دل سیاهی را نرم می کند و صاحبش از چشم در چشم شدن با فیروزه ناخواسته شرم می کند. نگاه زلال و چهره معصومش همراه با وقار و حشمت در وجنات و رفتار این زن ایرانی در برخوردهایش حرمت و احترام را در مخاطبانش برمی انگیزد. در کلامی گویاتر، سرشت و خمیرمایه فیروزه چنین است که هرکجا درد باشد او با دردمندان همراه می شود و دردشان را چاره می کند و هر کجا ظلم و جور یک دل شده اند تا مظلومی را سرکوب کنند، فیروزه با خشم درونش که همیشه کارساز بوده آن جاست تا حق خواه مظلومان باشد و دادشان را بستاند و هر کجا که گره ای در برزخ زندگی نیازمندی ناگشوده بر زمین مانده و در دشواری زمان دست و پا می زند، فیروزه برای گره گشایی آنجاست. در یک کلام، فیروزه خلق شده تا شکوه پایداری و مهر و سخاوت خالقش را به نمایش بگذارد.

در عجبم که چرخ گردون چگونه و با چه سرعتی چرخید که من ناباورانه به چشم خود دیدم که نازنینم ۶۰ ساله شد و من هنوز حیران این چرخش! روزگار باید شادمان باشد و بر خود ببالد که در گردش شصت ساله اش، زنی فاخر و محتشم، با چهره ای همیشه متبسم را در این دوران تاریک و عبوس در میان زشتی های فراوان ۶۰ ساله اش چون گوهری پروراند و شکوفا کرد تا همزمان با ۶۰ سالگی او بتواند نماد انسان بودن و انسان زیستن را در جامعه فریاد زند.

نازنینم، عمرت دراز باد، نیکی هایت افزون و خداوندگار مدد رسانت باشد من تو را دوست می دارم ... فراوان





زنان کارآفرین پیشگام در تحقق توسعه

* فیروزه صابر



جمعی از زنان کارآفرین و صاحب کسب و کار به قصد اشاعه فرهنگ کارآفرینی در جامعه زنان قدم پیش نهادند تا داوطلبانه با انباشت تجارب خود نهادی تشکیل دهند که مروج این تفکر شود.

این مسیر با هدف گذاری توسعه ظرفیت مدیریت زنان کارآفرین و صاحب کسب و کار و نیز ترغیب جوانان صاحب ایده های خلاق به سوی کارآفرینی و به نام انجمن زنان مدیر کارآفرین آغاز شد.

انجمن دامنه فعالیت خود را در سراسر ایران اعم از شهر و روستا معین نمود و بر همین اساس همواره در پی آن بوده که زنان صاحب کسب و کار و کارآفرین در تعامل با یکدیگر بتوانند ضمن افزایش توان و ظرفیت های علمی و تجربی خود پیوند سازمان یافته ای با عناصر مؤثر در محیط کارآفرینی از جمله دولت، تشکلهای حرفه ای و نهادهای عمومی پیدا کنند. مضاف به آنکه این همه تجارب را به نسلی که از این پس هم حضورش در بازار کار نیاز است و هم خود نیازمند کار، در مسیری سمت و سو دهند که با خلق ایده و ابتکار و نوآوری مانوس شوند و در فرایند کارآفرینی توان تبدیل ایده به عمل را کسب کنند. چه از این راه هم اشتغال رونق خواهد یافت و هم عناصر مولد و خلاق و کارآفرین رو به تزاید خواهند رفت.

حضور اثربخش و پرنقش در عصر پرشتاب امروز ویژگی هایی را می طلبد که تماماً در عناصر کارآفرین یافت می شود. او که اینک به نام موتور محرک توسعه اقتصادی و اجتماعی معروف شده است.

از این رو انجمن وظیفه خود میداند که نسبت به کشف و شناسایی الگوهای موفق کارآفرین و نیز کمک به پرورش ایده های خلاق در مسیر کارآفرینی کوشش کند. به این دلیل مشتاق است که همه زنان کارآفرین و صاحب کسب و کار در سطح ملی همراه و همگام، اهداف انجمن را تحقق بخشند. پیشاپیش حضور همه کارآفرینان و صاحبان کسب و کار را به انجمن خوش آمد می گوئیم



به اتفاق جهان می توان گرفت

* زهرا رهایی

رئیس سابق کمیته پژوهش انجمن زنان کارآفرین



ارزش زندگی هر فرد را می توان به میزان تامل در تجربه زیسته اش، ربط داد. بخشی از این ارزشمندی به درجه پرسشگری فرد برمی گردد و بخش دیگر به انسان هایی که در مسیر، همراهشان می شود و این فرصت را فراهم می آورند تا بینش، روش و منش جدیدی را تجربه کند.

به باور من؛ بعضی آدمها آمده اند تا با شیوه زیستن شان، بهانه برای ماندن و توقف کردن را از دیگران بگیرند. این ها همان هایی هستند که در بزنگاه های ناامیدی از تغییر وضع موجود، وادار می کنند برخیزی و طرحی نو دراندازی! داشتن چنین کوهراهایی در زندگی به خودی خود ارزشمند است اما کافی نیست چرا که "کجا رفتن" و "چگونه رفتن" هم مهم ست .

تجربه زیسته من در مواجهه با فیروزه صابر از همین "چگونه رفتن" آغاز شد یا بهتر بگویم او " چگونه با هم شدن" را برایم معنا کرد. در تاریخ ایران چه بسیار کسانی که در دوره ای از رخوت اجتماعی، در نقش یک رهبر یا مصلح اجتماعی ظهور کردند و جماعتی را به حرکت درآوردند. در این الگو و در بهترین حالت ، یک نفر می گوید و دیگران از جان و دل می شنوند و پیروی می کنند تا زودتر به مقصد برسند. این سطح از ارتباط حتی به گروه های کوچک تر اجتماعی هم تعمیم یافته تا جایی که گاهی برتابیدن از این

رابطه مراد و مریدی هرچند که با نیت خیر هم ایجاد شده باشد، ممکن نیست وهر نقدی به این شیوه یک ناهنجاری تلقی می شود.

آموزه معاشرت با فیروزه صابر، فهم نظام اندیشه ای بود که تنها رسیدن به مقصد را هدف ندانسته، بلکه رشد کردن در کنار هم را راجح تر از آن می داند تا جایی که حتی خوشبختی را در تعامل با دیگران و تاثیر متقابل بریکدیگر، معنا می کند. مهمترین کارکرد این نگرش، افزایش تاب آوری است. درک این نگاه باعث می شود تا در سختی ها که رسیدن به هدف دشوار به نظر می رسد، با نگاه به مسیری که پشت سر گذاشته شده و دستاوردهایی که از باهم بودن ها حاصل آمده، امید خود را ازدست ندهیم. فیروزه صابر به واقع یکی از مصادیق عینی این اندیشه ست به این معنا که توانسته این بینش را به یک روش و منش تبدیل کند و این رمز صبوری و ماندگاری او در عبور از ناملایمات و دشواری ها است.

در دوره ای که با او همراه بودم نکات بسیاری را یاد گرفتم نه این که او اهل نصیحت باشد که بسیار هم در این زمینه محتاط ست، بلکه مشاهده رفتارش و تامل در آن سرشار از آموزه ست. از او آموختم در هر مقطع زمانی و هر جمعی که قرار گرفتم، فارغ از هدف آن جمع و شعارها، ابتدا اشراف کافی به همراهانم داشته باشم. دقت و وسواس در انتخاب همراه باعث می شود تا در هر جمعی سرک نکشم و در توهیم "همه فن حریفی" نیفتم. به شخصه تا زمانی که به اهمیت این نکته پی نبردم در بسیاری از مواقع از انتخابهای او در رد یا پذیرش موقعیتهای، متعجب می شدم. بعدها که بیشتر به موانع کار تشکیلاتی در حوزه زنان پرداختم متوجه شدم این تمایل افراطی به حضور در جمع های گوناگون آفت جدی برای توسعه فردی و جمعی ست. در کنار او فهمیدم در ورود به هر جمع یا جماعتی، باید از نقشی که میخواهم و می توانم ایفا کنم آگاه باشم، قبل از این که دیگران نقشی برایم تعیین کنند. به خوبی فهمیدم که گرچه مهر و عاطفه ویژگی ستودنی زنان ست ولی همین خصیصه می تواند در هدایت تشکل زنان، به یک عامل بازدارنده تبدیل شود. تحمیل نقش هایی خارج از توان و تخصص افراد و پذیرش آنها به واسطه حس همدلی و عاطفی می تواند در بلندمدت اثرات مخربی بر بهره وری و اثر بخشی فعالیت ها داشته باشد. این درس را من زمانی از وی آموختم که تصمیم به ترک یک سمن داشتم. او آن روز به من گوشزد کرد که تعدد نقش ها باعث شده تا من درک درستی از حضور در یک تشکل را نداشته باشم.

فیروزه صابر بدون تردید استاد بلامنازع گوش دادن فعال است. در تمام طول صحبت حتی لحظه ای هم فکر نمیکنی حواش به چیزی غیر تو و حرفهایت باشد و همین در بلند مدت باعث می شود تا در کنارش شرم حضور پیدا کنی و دقت کافی به خرج دهی تا مطالب درست و دقیق ارایه شود.

این همه در کنار دغدغه مندی به توان افزایی زنان و دختران این مرز و بوم باعث می شود تا نتوانیم به راحتی از کنار این نام بگذریم. رویکرد او به توسعه با عملیت زنان نیز درخور توجه است. به باور او زنان در صورت برخورداری از اشتغال به سرنوشت خود می اندیشند و می توانند در فرایند آموزش و توانمندسازی قرار بگیرند. لذا نگاه خیرخواهانه جامعه که تنها به ساخت مدرسه، درمان بیماری و تحصیل معطوف می شود برای توسعه کافی نیست و بایستی با ترویج تفکر کسب و کار و کارآفرینی بخشی از سرمایه های خیرین به سمت تسهیل در ایجاد کسب و کار برای زنان و جوانان سوق داده شود.

بستر سازی برای ورود زنان به عرصه کسب و کار و فعالیت اجتماعی را مطالبه جدی کنشگران اجتماعی از دولت می داند با این همه هرگز از نقش خودآگاهی و تلاش زنان برای ارتقاء شایستگی هایشان و حضور در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غافل نمی شود.

او به اعجاز تشکیل نهاد واقف است و کارنامه اش شاهد خوبی بر این مدعا است. با این همه فیروزه صابر در نگاشتن تجربه های خود اهتمام چندانی ندارد گرچه اندیشه اش الهام بخش بسیاری از نوشته ها است. تشکلهای زنان در همه حوزه ها به خصوص کارآفرینی و کسب و کار نیازمند مبانی نظری دقیقی است که در کنار دانش ضمنی فعالان این حوزه به مدل های کاربردی تبدیل شود. امید آن که این خلاء با حضور نوشته های تخصصی او و سایر فعالان این حوزه برطرف گردد.



ای دوست بی تو از گردش ایام دلم بیزار است ...

* فرشته سلیمانی

رئیس دفتر نمایندگی انجمن در گلستان

سال ۱۳۸۱ بود که خانم فیروزه صابر به همراه جمعی از دوستان مشترکمان جهت پیشنهاد تشکیل و تأسیس انجمن زنان کارآفرین به سراغ من به عنوان کارآفرین فرهنگی به هنرستان غیر دولتی نماکارنگ نوین آمدند و من هم که شدیداً درگیر کارهای اجرایی خود بودم از ایشان استقبال کردم. اما در آن جلسه که هر کس سخنی می گفت گویی من در میان بزرگان جلسه گم شده بودم و دریافت کاملی از اهداف موردنظر ایشان نداشتم.

تا اینکه یک روز دیگر این بار با جمعی محدودتر دور هم جمع شدیم و بحث تشکیل انجمن و اساسنامه و اهداف و رسالت آن مطرح شد. پس از چند جلسه و در پی اولین سفر هیئت موسس که با بازدید از کارگاه و فعالیت های بانویی کارآفرین همراه بود، بیشتر با شخصیت خانم صابر با آن متانت ذاتی آشنا شدم که برای من مصداق بارز حبل المتین بود.

برایم جالب بود که می دیدم او چگونه همه ما را که تازه با هم آشنا شده بودیم به هم پیوند می داد و با پیدا کردن فصل مشترک بینمان پل می زد و ارتباط صمیمی ایجاد می کرد. و همین روش خاص و احترام و حفظ حرمت تک تک افراد با ویژگی های خاص خودشان باعث شد پیوندها محکم شود و در نهایت انجمن صنفی زنان مدیر کارآفرین شکل بگیرد و ما به زودی اعضای یک خانواده شویم و او هم رهبری و هدایت مجموعه را برای انجام فعالیت های فرهنگی آموزشی و ترویجی از جمله همایش های ملی سالانه، سفرهای فصلی و کارگاه ها و نشست های تخصصی به عهده بگیرد. خانم صابر در کارها و برنامه هایشان از جمله برنامه های انجمن بسیار منضبط و اخلاقی عمل می کردند. یادم هست چند سال پیش که از طرف بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان برای شرکت در کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد به نیویورک سفر کرده بودیم علیرغم برنامه قبلی اجازه برگزاری کارگاه توانمندسازی زنان در دپارتمان کارآفرینی دانشگاه ماساچوست را ندادند در اعتراض به این که به تعدادی از همسفران ویزا ن داده بودند و آنان از سفر بازمانده بودند. خانم صابر شرکت در این کارگاه را غیراخلاقی می دانستند و علی رغم اصراری که برانجام آن می شد، موافقت نکردند.

خانم صابر در عین اخلاقی بودن بسیار منظم و جدی هستند با این وجود در سفرها و در جمع های دوستانه و غیررسمی بسیار صمیمی و بذله گو هستند و از طرق مختلف از جمله دعوت به همخوانی و تک خوانی همراهان فضای شور و نشاط را فراهم می کنند والته خود با بازخوانی آهنگ ها و سرودهای انقلابی و ترانه های خاطره انگیز قدیمی در این زمینه هم پیشنهاد می دهند.



بانو صابر، خود خودش است

*مریم خاوازی

بازرس انجمن ملی زنان کارآفرین

بانو فیروزه صابر صمیمی را اولین بار در همایش فاوا انجمن زنان کارآفرین به سال هشتاد و هفت دیدم، در حالیکه درب ورودی سالن همایش با نگاه عمیقش، لبخند برلب، با دستان گرمش دست در دست مدعوین و با طنین صدای آرامش، خوش آمد گویی می کرد.

از همین جا آشنایی من با ایشان شکل گرفت که سبب عضویت و فعالیت در انجمن مان شد که در کنار او و هم آفرینان دیگر بیاموزم و بیاموزم و... فیروزه بانو همانطور که از نامش بر می آید، فیروزه درخشانی است که آفتاب و روشنایی را می طلبد و صابر است برای زایش طلوع خورشید.

شاکله اضلاع وجود او احترام به عقاید دیگران، سامان دهنده، همدلی، هم پیوندی، جمع گرایی، خرد ورزی و اثربخشی و نبوغ است که او را مصمم و با انرژی و اخلاق مدار در هر جایگاهی که هست هدایت می کند.

فیروزه بانو را بانویی کاریزماتیک می بینم که رهبری چنان رهبر در تیم خود تحول پدید می آورد و بر دل اثر می گذارد.

نقش او در نهاد سازی و شبکه سازی نمی توان نادیده گرفت و کم نیستند نهادها و انسان هایی که از او آموخته اند و قبولش دارند . از نظر من ، بانو صابر ثابت کرد که تنها عمل است که می ماند؛ عمل به گفتار و پندار و کردار.

آنچه در این سالها از ایشان دیدم همواره در دسترس بودن و پاسخگویی در زمان اعلام نیاز ما به مشاوره و یاری و هدایت بوده است . جوانان از کار کردن با او لذت می برند و او با همراهی آنان فرصت آفرینی می کند تا توانایی های بالقوه خود را بالفعل سازند.

در نهایت بانو صابر دوست داشتنی خود خودش است و می داند از زندگی چه می خواهد.

فیروزه بانو جانا

تو باش و بمان

که زمین با مهر و عشق می زاید و می روید و دوست می دارد.

دوست داریم

خانم صابر عزیز شصت سالگیت مبارک

* سروت عسگری رانکوهی

عضو کمیته پژوهش انجمن



نخستین بار نام فیروزه صابر روی آگهی اولین همایش انجمن زنان مدیر کارآفرین در یکی از روزنامه های دهه ۸۰ که در سالن اجتماعات تلاش برگزار می گردید، توجه مرا جلب کرد. به شوق دیدن او در آن همایش شرکت کردم. نگاهم دنبال خانم صابر بود.

از میان جمعیت حاضر در سالن، پرسان پرسان خود را به او رساندم. زن جوانی را با چهره خندان در برابر دیدم. خندان و در عین حال جدی که با صلابت گام بر می داشت و قاطع مشکلات موجود را بیان می کرد. این ویژگی های شخصیتی او توجه مرا جلب کرد و باعث شد که جذب انجمن زنان مدیر کارآفرین شوم. یادم می آید هر زمان که به انجمن می رفتم چشمم دنبال فیروزه صابر بود. از مصاحبت با او لذت می بردم. شفاف و بی پرده صحبت می کرد و در برابر نقد انعطاف داشت و به مرور زمان تلاش کرد که با تدبیر، رفتار و گفتارش را تغییر دهد و هدفمندتر عمل کند. در بیشتر سفرهای فصلی شرکت می کرد و در تلاش بود که در تعامل با نهادها برای انجمن اعتبار کسب کند. علی رغم جدی و قاطع بودن در پیگیری کارها، بسیار مهربان و شوخ طبع بود.

فروتنی و تواضع در رفتار و چهره اش نمایان بود و در برابر سختی های روزگار که به او و خانواده اش تحمیل شده بود به راستی صابر بود و در برابر آنها به گونه ای متفاوت چون سرو ایستاد.

خانم صابر عزیز شصت سالگیت مبارک. آرزو می کنم با شصت سال دوم زندگیت آن گونه مواجه شوی که آرزو داشتی.



چه ستودنی است تولد بانو

*خجسته حسینی پور

رئیس هیئت مدیره انجمن

حامیان کودکان کار و خیابان

خانم صابر گرمای

ابتدا زاد روز تولدتان را مبارک باد می گویم ، چه ستودنی است تولد بانویی که وجودش در راه اعتلای زنان و دختران این مرز و بوم کهن بسیار تاثیر گذار بوده است.

متأسفانه من توفیق نداشتم فرصت های بیشتری در کنار شما باشم و بیاموزم ولی در همان جلساتی که کنار شما حضور داشتم چند ویژگی از شخصیت و منش شما در نظرم بسیار پر رنگ بوده است؛ بیان شما در مسائل اجتماعی همیشه درست و منطقی همراه با آرامش و اقتدار لازم برای درک شنونده و مخاطبان بوده ، همواره مانا و پایدار باشید.

نمونه زنی مدیر، مدبر و پایبند به مسئولیت های اجتماعی

* فرحناز مرادی

بازرس انجمن زنان مدیر کارآفرین



کمی فکر کردم تا بتوانم در مورد نحوه آشنایی با دوست عزیز خانم صابر چند خطی بنویسم. زمان آشنایی من با ایشان بر می گردد به گذشته های دور، به دهه شصت، دورانی که در سازمان مدیریت صنعتی کسب دانش می کردم من جوانی بی پروا بودم نه اهل حجاب سفت و سخت نه اهل رعایت خط و خطوط مذهبی که در مرکز آموزشی گذاشته بودند. از آن دوران خاطره خوبی از چارچوب ها و تذکرات ندارم. پس از آن دوران برخورد مجدد ما در انجمن زنان کارآفرین در اوایل دهه نود بود . زمانی بود که من در جلسات هیئت مدیره انجمن شرکت می کردم و نگاه ایشان را به برنامه ریزی ، نظم، پیگیری و احساس مسئولیت حتی در یک نهاد مدنی می دیدم و به نوعی از همکاری با ایشان بسیار خرسند بودم. از همان اولین جلسه با ایشان حس کردم انسان چقدر تغییر می کند. خانم صابر نمونه ای از یک زن مدیر و مدبر و راهنمای بسیار خوب برای دختران و زنان و در پی ارائه خدمت در حوزه های مسئولیت اجتماعی بود. انسانی با کوله باری از تجربه که بی پروا دانش و تجربه خود را در اختیار افراد می گذارد انسانی بسیار با دانش و در عین حال بسیار متواضع. این تواضع و فروتنی نشان از شخصیت والای ایشان داشت. در کنار صراحت لهجه ای که داشتند همواره رعایت اصول و اخلاق اجتماعی و حفظ حرمت طرف مقابل را می کردند. رفته رفته که با ایشان بیشتر ارتباط داشتم همواره آرزو می کردم زنان و دختران زیادی بتوانند از نزدیک با ایشان در ارتباط باشند تا الگویی درخور برای خود بسازند. این شخص فردی بود که در نشست ها انگیزه حاضرین را برای ایفای نقش مسئولیت اجتماعی چند برابر می کرد. ایشان امروز یکی از چهره های شناخته شده فعال در نهادهای مدنی هستند و همواره در این حوزه برای من به عنوان یک الگو بوده اند. وقتی در جلسات شورای قوانین و مقررات سمن ها شرکت می کردم همواره به خودم می گفتم چقدر پیگیر و دغدغه مند هستند. نقش ایشان در شکل گیری بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان بر هیچکس پوشیده نیست و همچنین نقش ایشان در تأسیس انجمن زنان کارآفرین و همت عالی شان در ارائه راهبردهای مدیریتی برای حفظ این دو نهاد قابل تقدیر می باشد. بارها می خواستم از ایشان درخواست کنم که تجربیات خود را در زمینه فعالیت در نهادهای مدنی تبدیل به یک کتاب کند و در اختیار جامعه قرار دهد. امیدوارم ایشان همواره رهرو پر تلاش در نهادها باشند و انجمن زنان کارآفرین ، شبکه موسسات نیکوکاری و بنیاد توسعه کارآفرینی و سایر نهادهای مدنی از تلاش های بی شائبه ایشان بهره مند بمانند.



فخرالسادات محتشمی پور:

فیروزه صابر در عرصه علم و عمل، الگو، معلم و راهنمای بزرگی است

فخرالسادات محتشمی پور، دانش آموخته تاریخ، فعال مدنی، عضوموسس انجمن ملی زنان کارآفرین، انجمن زنان مدیر کارآفرین و انجمن زنان پژوهشگر تاریخ با بیش از ۲۰ سال سابقه فعالیت علمی و فرهنگی و نیز عضو موسس و مشاور چند نهاد مدنی دیگر از جمله موسسه فرهنگی اجتماعی یاس، حامی کارآفرینی زنان با سابقه مدیریت امور زنان وزارت کشور، رئیس هیئت مدیره پیشین انجمن زنان مدیر کارآفرین و دبیر اجرایی برخی همایش های ملی انجمن در حال حاضر مشاور هیئت مدیره و مسئول هماهنگی امور روابط عمومی انجمن است. وی سابقه آشنایی دیرینه با فیروزه صابر و انجام پروژه های مشترک از جمله تاسیس انجمن ملی زنان کارآفرین و انجمن زنان مدیر کارآفرین را با ایشان دارد. با وی در مورد بانو صابر به گفتگو نشستیم:

لطفا بفرمایید اولین بار در چه سالی و چگونه با خانم صابر آشنا شدید؟

آشنایی من با فیروزه صابر برمی گردد به سال های اول دهه هشتاد. یعنی دومین دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی و زمانی که من مشاور وزیر کشور اصلاحات و مدیرکل امور بانوان بودم.

آن سال ها حضور فزاینده دختران در دانشگاه ها توجه همگان را جلب کرده بود و مسئولین نگران فارغ التحصیلانی بودند که به زودی شغل هایی درخور شأن خویش را مطالبه می کردند. در روز معارفه من، وزیر کشور خواسته ای را مطرح کرد که با مأموریت های پیشین دفتر امور بانوان متفاوت بود؛ چاره اندیشی برای اشتغال فارغ التحصیلان دختر در استان ها!

من که سودای بهبود وضعیت زنان میهنم را در سر داشتم از همان هنگام دغدغه ای جدید یافتم و بسیار به آن اندیشه نموده و برای یافتن راه، با صاحب نظران مشورت می کردم. تا این که روزی یکی از همکاران دفتر که سابقه آشنایی با خانم صابر را در سازمان مدیریت صنعتی داشت، راه را به من نمایاند و از کارآفرینی زنان سخن گفت که برای اولین بار آن را می شنیدم و از بانویی که برای اولین بار به کارآفرینی زنان در ایران اندیشیده و آن را به دلیل اهمیتش موضوع پایان نامه خود قرار داده است. نام فیروزه صابر را هم برای اولین بار می شنیدم و آنگاه که با وی تماس گرفتم و طرح موضوع کردم و قرار دیدار و گفتگو گذاشتم دلم روشن بود که راه درستی را یافته ام. همان اولین دیدار که برای من حکم کارگاه آموزشی فشرده ای داشت، منجر به توافق

بر سر اجرای طرحی برای ترویج فرهنگ کارآفرینی و توان افزایی زنان شد و آنگاه که مدیر پرتوان و با اراده موسسه پژوهش نواندیش، طرح شسته رفته ی پیشنهادی را روی میز من در طبقه دوازدهم وزارت کشور گذاشت، اطمینان داشتم که بودجه آن توسط وزارت خانه متبوع علی رغم دغدغه ها و تأکیدات وزیرش تأمین نخواهد شد. پس مهلت خواستم تا کفش آهنین پوشیده برای تأمین اعتبار لازم اقدام کنم. بهترین جا به عنوان نقطه امید و اتکا مرکز امور مشارکت زنان بود که سابقه آشنایی قدیم با زهرا شجاعی، اولین زن مشاور رئیس جمهور و رئیس آن مرکز از یک سو و سابقه همکاری ۴ ساله با ایشان به عنوان سرپرست روابط عمومی مرکز و مشاور امور جوانان از سوی دیگر کار را برای جلب حمایت و مشارکت تسهیل کرد و تنها مشکل دست اندازهای معمول اداری بود که روند کار را کند می کرد و تعجیل من برای آغاز پروژه قبل از تأمین اعتبار لازم با روحیات مدیریتی مدیر پروژه ناسازگار بود. من از ایشان خواهش کردم پایلوت طرح را در کرج که آن زمان استان نشده بود اجرا کنند و اجرای موفق آن را به عنوان شهادی بر کارایی و اثرگذاری طرح ملی به رخ کشیدم و عاقبت سماجت های من و عقب نشینی صابرا نه فیروزه خانم از اصولش، به نفع مصالح زنان، ما را به معاضدت صمیمانه مرکز امور مشارکت زنان و انجام پروژه نزدیک کرد و در نهایت پس از یک سال و نیم تلاش مستمر این مدیر لایق همراه با تیم پرتوان و کارآمد علمی و اجرایی و نیز یاری همکاران صف و ستاد وزارت کشور بویژه مشاوران استانداران شاهد موفقیت پروژه ای بودیم که برائثر تعامل بخشی از دولت و بخش خصوصی حاصل آمد.

لطفا کمی از انجمن و نقش خانم صابر در شکل گیری و پایداری آن برایمان بگویید.

پاسخ سوال اول طولانی شد از این جهت که مقدمه پاسخ به این سوال بود. من در جایگاهی قرار داشتم که حمایت از نهادهای مدنی زنان و تقویت و توانمندسازی آن ها در دستور کارمان بود و از هر فرصتی برای این موضوع مهم بهره می بردیم. پس از اجرای موفق طرح که در سطح ملی کارگاه های آموزشی برای گروهی از فارغ التحصیلان دختر کلیه استان ها و گروهی از مدیران زن و نیز کارآفرینان استان ها تشکیل و منجر به فرهنگ سازی و نیز زمینه سازی برای فعالیت های زنان و دختران نوکارآفرین در سراسر کشور شد، به خانم صابر پیشنهاد کردم. برای نتیجه بخش تر شدن آن پروژه به تاسیس انجمن زنان کارآفرین همت گماریم. ایشان ابتدا با این منطق که دولت نباید



NGO تشکیل دهد و مداخله در کار مردم کند، با پیشنهاد من مخالفت کرد اما پس از شنیدن توضیحات که این اقدام دولتی نیست و ما خود کارآفرینان را ترغیب می کنیم و در کنارشان می مانیم و مشاوره می دهیم، پذیرفت و با جدیت برای محقق شدن این ایده تلاش کرد. فیروزه صابر با برخی زنان کارآفرین که در زمان تدوین پایان نامه اش شناسایی و با آنان مصاحبه کرده و در طرح ملی وزارت کشور نیز از آنان به عنوان الگو و مشاور و حتی مدرس کمک گرفته بود، صحبت کرد و در چندین جلسه پیاپی اهداف موردنظر به بحث گذاشته شد و وقت زیادی صرف شد تا همدلی و همگرایی لازم برای تشکیل یک نهاد مدنی با هدف ترویج کارآفرینی برای گروه مخاطب دختران

فارغ التحصیل شکل بگیرد. هرچند موقعیت اداری من در پیگیری بخش حقوقی و گرفتن مجوز و اقدامات مرتبط کمک کرد، اما نقش فیروزه صابر در ایجاد همگرایی میان کارآفرینان و تبیین اهداف و رسالت و مأموریت های انجمن بسیار موثر بود و البته یکایک اعضای موسس در ایجاد این تشکی، که آن زمان اولین و تنها نهاد مربوط به کارآفرینی در ایران بود و پایداری آن، نقش آفرینی کردند و عزم خود را برای انتقال تجاربشان بی مزد و منت به دختران فارغ التحصیل و دادن آموزش و مشاوره به آنان جزم کردند و به این ترتیب الگوی شایسته ای برای اعضای بعدی انجمن شدند که خبر عمومی را به مصالح خود ترجیح داده و وقت و انرژی زیادی برای تحقق اهداف انجمن گذاشته و می گذارند.

ویژگی ها و نکات برجسته شخصیت خانم صابر را بفرمایید.

از زمانی که با فیروزه صابر آشنا شدم تاکنون، بدون اغراق گفته ام که ایشان برای من معلم و راهنما بوده اند. من حدود دو دهه پیش نه کارآفرین بودم و نه از کارآفرینی چیزی می دانستم و آشنایی با این بانو که به حق لقب مادر کارآفرینی در ایران را یافته، موجب شد که دانش لازم را در این زمینه پیدا کنم و حتی حساسیت ایشان برای تشخیص درست کارآفرین و تمایز آن از اشتغال و خوداشتغالی و ... به من و دیگر موسسین و اعضای انجمن تسری یافته است. هرکس اندک آشنایی با خانم صابر داشته باشد او را انسانی خودساخته معرفی می کند که ویژگی هایی مانند نظم، عزم و اراده، صلابت و قدرت و درعین حال تواضع و منانیت، مسئولیت پذیری، خستگی ناپذیری و تلاش و مداومت تا حصول نتیجه و رسیدن به هدف مورد نظر، پای بندی به اصول و ارزش های اخلاقی، همه جانبه نگر، آموزش پذیری و مناعت طبع، در او مشهود است. طبیعی است چنین انسانی بر معاشران و مصاحبانش حتما تأثیر مثبت خواهد داشت. و این که من نیز او را معلم خود می دانم بی وجه نیست. او هم در عرصه علم و هم عمل امتحانش را پس داده و در بسیاری موارد می تواند الگو، معلم و مرشد و راهنما باشد. البته من هم مانند خود خانم صابر همیشه از اغراق و مطلق انگاری و بت سازی حذر می کنم که اثرات و خطرات آن را دیده و چشیده ایم. اما در عین حال انکار واقعیت را هم سزا نمی دانم.

خاطره به یاد ماندنی از ایشان در ذهن دارید؟

در طول حدود دو دهه آشنایی و همکاری با فیروزه صابر آنقدر به ایشان احساس نزدیکی کرده ام و در مقاطعی حتی او را چون عضوی از خانواده حس کرده ام که روزهای پرخاطره یا او فراوان داشته باشم. خاطرات تلخ و شیرین اما در هر حال عبرت آموز. یکی از خاطرات به یادماندنی ام از فیروزه خانم مربوط است به زمانی که خبر درگذشت برادر ایشان در زندان به دلیل سهل انگاری در رسیدگی های پزشکی رسید در زمانی که وی در اعتراض به کشته شدن هاله سحابی اعتصاب غذا کرده و در شرایط بدی به سر می برد. در آن سال ها و روزها ما خانواده های زندانیان سیاسی واقعا خود را یک خانواده می دانستیم و ارتباط نزدیکی داشتیم. من سراسیمه خودم را به منزل ایشان رساندم که از جمعیت پر بود و در تمام طول راه به حال و وضع این دوست و معلم و همکار می اندیشیدم. نمی دانستم همان فیروزه صابر متین و باوقار و آرام را خواهم دید یا او هم مانند دیگر داغ دیدگان آشفته حال گریبان چاک می کند؟! وقتی او را دیدم که در بهت و حیرت فرورفته و با این حال عجیب در آن شرایط خاص هم مثل همیشه سعی در مدیریت آن بحران غیرقابل باور را دارد قلبم مالا مال از غم و اندوه شد. همیشه می گفت هدی برای من تنها برادر نیست. او دوست، همکار، مشاور و نیمه دیگر من است. حالا او پس از پدر و مادر، عزیزترین کسش را از دست داده بود و من فکر نمی کردم بتواند به زودی حال طبیعی خود را بازیابد و کارهایی را که بی وقفه انجام می داد، ادامه دهد. آن روز حال همه خراب بود. غریبه ها هم خون گریه می کردند اما فیروزه ی ما زینب وار خون دل می خورد و راست قامت ایستاده بود و دیگر بازماندگان را تسلا می داد و اوضاع بحرانی پیش آمده را مدیریت و رهبری می کرد. و من چقدر خود را در برابر او کوچک می دیدم. نکته قابل تأمل آن بود که پس از مراسم هفتم برادر، این خواهر رشید و دلاور با غم و اندوهی سترگ در دل و جان، به کارهای معمول خود بازگشت و به همه ما آموخت که زندگی جاری است و اینک باید راه و مرام عزیز از دست رفته را حراست و ترویج کرد با جدیت و توانی مضاعف. همین منش و شیوه زندگی منحصر به فرد بود که او را از دیگران متمایز و مهرش را بیش از پیش در دل ها می افکند

آزاده داننده، رئیس اسبق هیئت مدیره انجمن

ملی زنان کارآفرین:

امیدوارم ایشان نخواهند فعالیت های اجتماعی خود را کنار بگذارند



آزاده داننده، رئیس هیات مدیره شرکت فناوریان اطلاعات بهاران، عضو اسبق هیات مدیره سازمان نظام صنفی رایانه ای استان تهران، عضو اسبق شورای مرکزی سازمان نظام صنفی رایانه ای کشور و عضو انجمن زنان کارآفرین است که در کارنامه خود یک دوره ریاست هیئت مدیره انجمن ملی زنان کارآفرین را دارد. محیط کاری مجموعه ای که وی مدیریت می کند کاملاً زنانه و موفق است، از او خواستیم برای ما از فیروزه صابر بگویید:

سرکارخانم داننده اولین بار در چه سالی و چگونه با خانم صابر آشنا شدید؟

اولین بار که در سال های ۸۶ و ۸۷ برای عضویت در انجمن زنان کارآفرین وارد جلسه هیئت مدیره شدم خانم صابر را آنجا دیدم. ایشان از من خواستند خودم را معرفی کنم و این اولین آشنایی من با ایشان بود. کمی بعد از آن، سفر فصلی به شهر تبریز و ارومیه داشتیم که حدود ۲۰ نفر از اعضای انجمن در آن سفرها حضور داشتند و فرصت مناسبی بود تا با دیگر اعضای انجمن و فعالیت های آنها و دیدگاه های خانم صابر آشنا شده و از این طریق آشناییمان عمق بیشتری پیدا کرد.

لطفا کمی از انجمن و نقش خانم صابر در شکل گیری و پایداری آن برایمان بگویید.

درباره شکل گیری انجمن زنان کارآفرین، کار با پایان نامه خانم صابر در مورد کارآفرینی زنان شکل گرفت و بعد از آن جمع شدن چند پیشکسوت برای اینکه همایشی برگزار کنند در نهایت منجر شد به این که زمینه برای ایجاد یک تشکل کارآفرینی زنان مساعد شود.

نقش خانم صابر به عنوان فرد محوری این جریان بر همه واضح و روشن و در واقع مطالعات و پژوهش های ایشان دست مایه این فعالیت بود و



همکاری هایی که با افراد شاخص آن زمان داشتیم و نهایتا این همایش که برگزار کردند، هسته اصلی آن بر اساس نگرش اولیه خانم صابر در مورد اهمیت این موضوع و ضرورت تشکیل انجمن شکل گرفت. تشکل های اجتماعی معمولا با تلاش های هیئت موسس پایدار می ماند و اگر تلاش ها و پیگیری های خانم صابر نبود قطعا انجمن به عمر ۱۵ ساله خود نمی رسید. تلاش های ایشان و گروه موسس بود که موجب شد انجمن شناخته شود و در بین زنان کارآفرین جایگاهی پیدا کند.

ویژگی ها و نکات برجسته شخصیت خانم صابر را بفرمایید.

من خانم صابر را به عنوان یک کلیت می بینم اگر بخواهم از ویژگی های برجسته ایشان بگویم خانم صابر صراحت لهجه دارند و در ارتباطات و تعاملات شان این صراحت لهجه نکته برجسته است که برای این نوع کاری که ایشان انجام می دهند و با جمع کثیری از افراد در قالب انجمن تعامل دارند، صراحت لهجه به پایداری ارتباطات و تعاملات کمک می کند. داشتن شخصیت باثبات و ثابت قدم، ویژگی مناسبی است که باعث می شود افراد بتوانند ارتباطشان را با ایشان به خوبی برقرار کنند.

بانو صابر صفات برجسته فراوانی دارند. فردی اجتماعی هستند و روابط را به خوبی با آدمهایی با سوابق، تحصیلات، سنین و مشاغل مختلف می توانند تنظیم کنند و این ویژگی است که هر فردی ممکن است واجد آن نباشد و برای کسی که این نوع فعالیت را دارد این ویژگی ها نکات کلیدی هستند که می تواند موفقیت را تضمین کند.

ایشان به جهت تخصصی و کارشناسی می توانند افراد را طبقه بندی کنند و بسیاری از ویژگی هایی که در مقام یک کارشناس در این حوزه باید داشته باشند را ایشان دارند اما در کل توصیف خانم صابر خیلی سخت است.

در طول زمان آشنایی، از ایشان چه آموخته اید و اگر خاطره ای دارید برای ما بگویید.

قطعا در طول مدت آشنایی و همکاری با خانم صابر چیزهای زیادی از ایشان آموختم خاطره خیلی زیاد است و همه آنها به نظر من آموزنده است. همین نکاتی را که در خانم صابر اشاره کردم و ویژگی هایی که ایشان در ارتباطات اجتماعی شان دارند را بسیار آموختم و سعی کردم نکات را در روابط خودم تا جایی که می توانم استفاده کنم. کار صنفی و تشکلی انجام دادن آداب و فرهنگ خاص خودش را دارد و من خیلی از آنها را از کسانی که در انجمن با آنها در ارتباط بودم از جمله خانم صابر آموختم زمانی که وارد انجمن شدم تجربه زیادی در این گونه فعالیت ها نداشتم و از سال های اولیه به آنها نگاه می کردم و در ذهنم ثبت می کردم و سعی می کردم و آنها را یاد بگیرم و از این الگوهای رفتاری برای همکاری و حضور در انجمن و تعاملات صنفی خود استفاده کنم. بنابراین یک یا دو موضوع نیست که به آن اشاره کنم الگوی رفتارهای اجتماعی و تشکلی و بسیاری مطالب دیگر را در این مدتی که در انجمن فعالیت می کردم و در کنار این دوستان بودم، آموختم.

همه روزها و لحظاتی که در سفرها و جلسات در انجمن گذراندم خاطره است و ارزش خاطره ای دارند و این قدر اهمیت دارند که نمی شود یکی از آنها را برجسته کرد و گفت.

اگر نکته پایانی دارید بفرمایید.

به عنوان نکته آخر این که امیدوارم این مساله که خانم صابر به خاطر رسیدن به یک مقطع خاص سنی بخواهند فعالیت های خود را ترک بکنند اشتباه باشد. چون به نظر من در این سنین انسان می تواند فعالیت های اجتماعی و تجارب و دیدگاه های خود را به اشتراک بگذارد و لذتی که انسان در این نوع از تعاملات جهت دار اجتماعی می برد، در فعالیت های بیزینسی و کارشناسی ندارد. امیدوارم من اشتباه فهمیده باشم که خانم صابر به دلیل عبور از ۶۰ سالگی بخواهند فعالیت خودشان را کنار بگذارند و وقت بیشتری را برای حضور در فعالیت های اجتماعی سازمان یافته جهت دار و با هدف معین صرف کنند و همچنان اجازه بدهند این تجارب ارزشمند به اشتراک گذاشته شده و همگان از این تجارب استفاده کنند.



ماهرخ فلاحی، کارآفرین برتر و عضو موسس

انجمن زنان کارآفرین:

در طول هفتاد و هفت سال عمر خود نظیر ایشان را نیافته و ندیده ام

ماهرخ فلاحی، متولد سال ۱۳۲۲ و بازنشسته از مرکز آموزشی نایینیان کشور و اولین کسی است که خط بریل را برای نابینایان ایرانی قابل استفاده کرد. وی همچنین عضو موسس دو انجمن زنان مدیر کارآفرین و انجمن ملی زنان کارآفرین، رییس یک دوره هیئت مدیره انجمن زنان مدیر کارآفرین و عضو هیئت امنای بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان است. وی به دلیل علاقه به پرورش حیوانات با فروش منزل مسکونی خود در تهران و با موافقت همسر خود یک واحد پرورش گاو اصیل شیری از نژاد هلشتاین را به روش تمام صنعتی تاسیس نموده و با اجرای روش تلقیح مصنوعی تحولی عظیم در این صنعت بوجود آورد. فلاحی، یکی از زنان موفق کارآفرین است که علی رغم مشکلات فراوان توانست فعالیت خود را به همراه همسر و دو فرزندش گسترش داده و چندین سال به عنوان کارآفرین نمونه کشوری برگزیده شود. او در ادامه از سابقه آشنایی با خانم صابر و تاسیس انجمن زنان کارآفرین می گوید:

سرکار خانم فلاحی لطفا بفرمایید از چه سالی و چگونه با خانم صابر آشنا شدید؟

پاییز سال ۸۲ خانومی با صدایی دلچسب و گیرا با من تماس گرفتند و خود را فیروزه صابر معرفی کردند. ایشان با بررسی و بازدید از کارم از من خواستند در کارگاهی که در فرمانداری کرج برای فارغ التحصیلان دختر برگزار شده است شرکت کرده و از شروع کار خود و فعالیت ها و موفقیت هایم برای آنها توضیحاتی بدهم تا برای ایجاد اشتغال تشویق و ترغیب شوند. در اردیبهشت ماه ۸۳ اولین جشنواره کارآفرینی به نام شیخ بهایی در دانشگاه صنعتی اصفهان برگزار شد و با راهنمایی های دلسوزانه خانم صابر به عنوان کارآفرین برتر کشور در آن جشنواره انتخاب شدم. و این موارد در واقع داستان آغاز آشنایی من با بانو صابر بود.

لطفا کمی از انجمن زنان کارآفرین و نقش خانم صابر در ایجاد آن برای ما بگویید.

ایشان بانوانی را که مثل من فقط مشغول کارهای سخت بودند و نمی دانستند کارآفرین هستند را از سراسر کشور شناسایی و کشف نموده و انجمن زنان

کارآفرین را تاسیس نمودند.

مهربانی ها، راهنمایی ها و آرامش ایشان باعث شد که جمعی صمیمی و همدل گرد هم آمده و توانستند در ۳۲ استان کشور راهنما و راهگشای دختران و بانوان جوان کشور در یافتن کارها و مشاغل مورد علاقه و توانمندی هایشان باشند. در حال حاضر نیز حدود ۱۲۰ نفر همچنان صمیمانه و هم دل مشغول فعالیت هستند که می توان گفت این مساله بازتاب منش خاص و علاقمندی خانم صابر است.

اگر بخواهید به نکات برجسته شخصیت ایشان اشاره کنید چه می گوید؟

نکات بارز شخصیتی خانم صابر واقعا منحصر به فرد بوده و به راحتی نمی توان آن ها را در قالب جملات آورد. فقط می توانم خالصانه بگویم در طول هفتاد و هفت سال عمر خود نظیر ایشان را نیافته و ندیدم. آنچه از ایشان آموختم موجب پیشرفت در کار و کسب موفقیت های فراوان برای من شد و اینکه در سن حدود ۸۰ سالگی همچنان مشغول کار و فعالیت در این حوزه بسیار سخت و مردانه ام را مدیون انرژی ها و آموزه های خانم صابر هستم.

و کلام آخر

من هر آنچه از منش و رفتار ایشان به یاد دارم یک خاطره دوست داشتنی است و در این مختصر نمی گنجد فقط می توانم بگویم همدلی و همبستگی اعضای انجمن زنان کارآفرین و تمام تشکل هایی که ایشان موسس آنها بودند، بازتاب صفای باطن و صداقت خانم صابر است. برای ایشان عمری طولانی همراه با موفقیت و سربلندی آرزو دارم.



شیرین پارسی،

عضو موسس انجمن زنان کارآفرین:

به دوستی با خانم صابر افتخار می کنم

شیرین پارسی، بنیان گذار و مدیرعامل شرکت نو کاشت شالیکاران خزر، کشاورز نمونه کشوری از گیلان، پس از فارغ التحصیلی از رشته ادبیات فرانسه در پاریس در سال ۱۳۵۷ به تهران بازگشت، یک سال بعد به همراه همسرش ساکن گیلان شد و از سال ۱۳۷۵ تصمیم به اقامت دائم در روستای شاندرمن گرفت. او در سال ۱۳۸۴ کسب و کارشان را با عنوان «شرکت نوکشت شالیکاران خزر» به ثبت رساند و هویت حقوقی به این کسب و کار داد. شیرین پارسی در کنار کار کشاورزی و زندگی در روستا فعالیت های اجتماعی اش را ادامه داده است و به عنوان داوطلب با چندین انجمن صنفی از جمله انجمن زنان کارآفرین همکاری می کند. با وی در مورد خانم صابر به

گفتگو نشستیم:

سرکار خانم پارسی لطفا بفرمایید از چه سالی و چگونه با بانو صابر آشنا شدید؟

سال ۸۲، متعاقب طرح ملی ترویج فرهنگ کارآفرینی و توان افزایش زنان کارآفرین در اداره کل بانوان وزارت کشور که مسئول آن خانم محتشمی پور بود، زنان فعالی از کل کشور معرفی شدند که بنده از استان گیلان انتخاب شدم. پس از معرفی، ۵ دوره آموزشی دو روزه در استان گلستان برای ما برگزار شد که در آن کارگاه ها با خانم صابر برای اولین بار آشنا شدم و این برای من بسیار جذاب بود. در آن دوره ها بود که برای اولین بار با مفهوم کارآفرینی آشنا شدیم و متوجه شدیم که زنانی در کل کشور هستند که مانند ما با وجود مشکلات فراوان فعالیت می کنند.

لطفا برای ما از شکل گیری انجمن زنان کارآفرین و نقش خانم صابر در آن بگویید.

در جریان کارگاه ها و دوره های برگزار شده در قالب طرح شناسایی زنان کارآفرین، ضرورت تشکیل یک نهاد تخصصی از دل این کارگاه ها توسط عده ای احساس و ایده تشکیل هسته اولیه انجمن شکل گرفت و من نیز افتخار بودن در کنار دیگر عزیزان موسس انجمن زنان کارآفرین، با حمایت و همراهی خانم صابر و خانم محتشمی پور را داشتم. در واقع خانم صابر در راه تشکل سازی پیشرو بوده و شعله افکن نهادهایی مانند شبکه ملی موسسات خیریه، انجمن ملی زنان کارآفرین، انجمن زنان مدیر کارآفرین و نهادهای دیگر بودند و آنچه در این راه راهبرشان بوده امید و استقامت است. نکته بسیار تحسین برانگیز درمورد ایشان، کادرسازی است. انسان ها و جوانانی در کنار خانم صابر تربیت شدند که در راه خود استوار و با صلابت ایستاده اند. بسیاری از سازمان ها بعد از کنار کشیدن موسسین خود، از هم فرو پاشیدند، این در حالی است که در هیچ کدام از نهادهایی که خانم صابر چراغش را افروختند، شاهد چنین چیزی نیستیم.

ویژگی های بارز شخصیتی ایشان چیست؟

از ویژگی های شخصیتی ایشان می توانم به سلامت نفس فراوان، اصولی بودن، ارتباط با دیگران بدون کمترین حب و بغض، احترام به افراد و حفظ حریم آن افراد اشاره کنم. ایشان به آدمها از منظر توانمندی هایی که دارند نگاه می کنند و از این توانمندی ها برای به زیستن استفاده می کنند و از قضاوت کردن دیگران حذر می کنند.

نکته پایانی در مورد ایشان دارید بفرمایید.

مسئله مهمی که در ذهن خانم صابر بوده و ما فرایند رشد آن را شاهد هستیم، داستان تشکل گرایی است. یعنی باور به این نکته که در قامت جمع است که حرکتی می تواند ایجاد شده و معنا و سامان بگیرد. خانم صابر با این ذهنیت ایجاد تشکل ها و انجمن رو پیشنهاد دادند. ایشان با دور اندیشی به این نتیجه رسیدند که تشکل ها در کشور با توجه به شرایط موجود بدون تعامل با نهاد دولتی نمی تواند پیش برود و برای حفظ تک تک اعضای تشکل و انجمن تلاش کردند تا این حلقه پایدار بماند. بنابراین برای این کار برنامه ریزی های بلندمدت، کوتاه مدت و میان مدت داشتند و این تفکر مدیریتی و برنامه ریز در حقیقت قوام دهنده انجمن، پیش برنده و رفع کننده بسیاری از موانع بوده است.

و کلام آخر

از آشنایی با این بانوی بزرگوار بسیار خرسندم و به دوستی با ایشان افتخار می کنم.

گهواره های خستگی

از کشاکش رفت و آمدها

باز ایستاده اند

و خورشیدی از اعماق

کهکشان های خاکستری شده را روشن می کند ...



الفبای کارآفرینی را از او آموختم

* بنفشه صدیق

مدیرعامل اسبق انجمن ملی زنان کارآفرین



این درس اول کلاس اول مدرسه کارآفرینی استاد بزرگ من خانم فیروزه صابر بود.

از زمانی که او را می شناسم دغدغه کارآفرینی داشته است و این دغدغه را در دل دیگران هم ایجاد می کند.

فیروزه صابر شیمی نوربخش است که شمع دل های اطرافیان را روشن می کند.

آتش این شمع در دلها با آنکه کوچک است اما سوزان و همیشه روشن است. همه دلهای روشن در عرصه کارآفرینی زنان و جوانان، بازتابی از تصویر این شمع نور بخش است.

او دغدغه کارآفرینی را در ذهن ها انداخته است و این راه ادامه دارد ...

فیروزه صابر رسالت وجودی خود را انجام داده است.

آدمها در زندگی گاهی آنقدر شبیه الگوی بی نظیرت می شوند که تو می مانی و سوالی که بارها و بارها از خودت و حتی از دیگران می پرسی؛ آیا من او را جایی دیده ام؟

آری من او را در همان اولین نگاه شناختم.

او بی شک شبیه آدمی در زندگی ام بود که در قدرشناسی، وقت شناسی، اخلاق حرفه ای و نگاه و جهان بینی وسیعش به هنر، شبیه الگوی زندگی ام شد.

او هست اما الگوی زندگی ام در سفری ابدی به سر می برد!

اما هرچه بگویم از بانوی صبر و عشق، خانم صابر، کم گفته ام و اگر بخواهم از همه چیزهایی که از او آموخته ام یاد کنم، باید ساعت های فراوان در صفحات بیشمار بنویسم. دریغ که این مجال اندک، دست و قلم را کوتاه و زبان را برای وصف جهان ایشان قاصر کرده است.

خانم صابر عزیز! تنها دلم خواست بگویم؛ شما را دوست دارم نه به واسطه الگوی زندگی ام که هر عزیزی جایش در قلب انسان محفوظ است، من شما را دوست دارم برای قلب و روح بلندتان مانا باشید تا در کنارتان بسیار بمانیم.



زنی شبیه پدرم، الگوی زندگی ام

* راما وزیری

عضو هیئت مدیره انجمن زنان کارآفرین

جواهری بر انگشتر نهادهای مدنی

* زهرا نقوی

عضو روابط عمومی انجمن زنان کارآفرین



آن تشویق می کنند. صداقت، شفافیت و گشاده دستی در انتقال تجربیات، اطلاعات و فرصت ها به همه ی اعضای نهاد (بدون ایجاد هر گونه تبعیض و یا تشکیل گروه های محفلی و خاص که بعضا در ساختارهای نانوشته بعضی از سازمانهای مردم نهاد به چشم می خورد) به ایجاد اعتمادی مبدل می شود که تاثیر مثبت و سازنده ای را در هر نهاد مدنی ایجاد می کند.

چند وجهی بودن، سعه صدر، خوب گوش کردن و شنیدن و پاسخ دادن دقیق، مهارتی که گاهی با بزرگ شدنمان فراموش می شود، در خانم صابر مشهود است.

بسیاری از ما، در صحبت ها، متکلم وحده هستیم ولی فیروزه فرصت می دهد تا بگویی از هر آنچه که می خواهی، بدون ترس از قضاوت شدن، بدون نگرانی از پیش داوری های متداول و اطمینان از رازداری که اگر راضی نباشی، هیچ کلامی را به دیگران بازگو نمی کند.

شبکه سازی و ایجاد تعامل بین همه ذی نفعان و دست اندرکاران با تعریف مشخص و درست از وظایف هر یک از اعضای گروه، تعیین انتظارات و خروجی مشخص از اقدامات اعضای گروه، همه قابلیت هایی است که می تواند به بلوغ نهادها کمک کند و از بی شکلی، روزمرگی و بی برنامه گی، آنها را به سمت انسجام و سازماندهی هدایت کند. راه روشنی که فیروزه صابر بدان عمل و در آموزش ها مانند چراغی پر نور نمایان می کند تا خوب ببینی، یاد بگیری و اجرا کنی.

روی گشاده، ظاهری مرتب و آراسته، پای بندی به اصول اخلاقی و انسانی، صداقت، فروتنی، وقت شناسی و بسیاری از نکات مثبت در زیر این چهره آرام و ریز نقش چون کوهی استوار و محکم وجود دارد. او براستی فیروزه ای است بر انگشتر نهادهای مدنی فعال در حوزه اجتماعی و فرهنگی.

درد بر مادر و پدری که او را پرورش داد و با آرزوی صحت و سلامتی و توفیق روزافزون برای فیروزه ای که توانست چنین خوش بدرخشد و نورافشانی کند.

در سفر زندگی، هر یک از ما، تجارب و تاثیرات متفاوتی از برخورد با افراد و شخصیت هایی داریم که در موقعیت های مختلف با ایشان مواجه شده ایم. افرادی که در مقاطع مختلف زندگی همراه ما بوده اند. بعضی از ایشان، تاثیر شگرفی بر ما داشته و بعضی ها چون نسیمی از کنارمان گذشته اند. شاید بسیاری از ما، آنقدر خوش شانس نباشیم که با افرادی نشست و برخاست کنیم که اثرات ناشی از آن برخوردها، شناخت ها و تجارب مشترک زندگی مان را تغییر داده تا آخر عمر در خاطرمان حک شود.

من اما این شانس را داشته ام و یکی از این شخصیت های ناب و تاثیرگذار در زندگی ام خانم فیروزه صابر است. بانویی دارای سجایای اخلاقی فراوان که حرف و عمل یکسانی دارد. به گونه ای با دیگران رفتار می کند که دوست دارد دیگران نیز در شرایط مشابه با او، آن گونه رفتار کنند. بر اساس همان اصل وجدانی که در رفتار، کلام و نوشتار مولای متقین حضرت علی (ع) نمود یافته است. رفتاری درست با دیگر هموعان و همچنین سدی در برابر غرور و خودخواهی ها و رفتارهای نابجای انسانی که در دنیای امروز به شکلی فزاینده در برخوردهای اجتماعی به چشم می خورد.

فعالان و نهادهای مدنی متعددی در ایران وجود دارند ولی آنچه این اشخاص و نهادها را به سمت اثربخشی بیشتر و ماندگاری پیش می برد، نحوه ارتباطات، جلب مشارکت، همکاری صمیمی، مستمر و عقلانی اعضای این نهادها است که همیشه مورد تاکید خانم صابر بوده است. تلاش در زمینه ظرفیت سازی، جانشین پروری، شایسته سالاری و دادن فرصت های برابر به دیگران، وجهی دیگر از شخصیت بارز اوست که در طی بیش از یک دهه همراهی با ایشان در انجمن زنان کارآفرین، بنیاد توسعه کارآفرینی، شبکه ملی موسسات نیکوکاری و خیریه و اینک شبکه کمک، شاهد آن بودم و طی این مدت از ایشان بسیار آموختم.

از عضو موسس، مدیرعامل، عضو هیات مدیره بودن تا تبدیل شدن به عضو ساده آن نهادها، فرآیندی است که اصرار بر آن داشتند و ما را نیز به



مادر کارآفرینی ایران

* زهره بهارلو

عضو کارگروه محیط زیست و

کشاورزی انجمن زنان کارآفرین

تلفن زنگ خورد، از پشت خط صدایی گرم پس از سلام و احوالپرسی؛ خود را اینگونه معرفی کرد: فیروزه صابر هستم و می خواهم در مورد کار و فعالیت شما صحبت کنم. آدرس را گرفتند و ما منتظر ایشان از صبح تدارک دیدیم برای دیدارشان. شماره من را از وزارت کشاورزی گرفته بودند به عنوان زن کشاورز و مدیر نمونه مزرعه. از تهران به داراب آمدند. ما آماده پذیرایی ایشان در منزل بودیم. به منزل ما آمدند بعد از کمی صحبت و صرف چای از من خواستند به محل کار برویم. به مزرعه رفتیم؛ آنجا از شروع کارم و همه آن چیزی که مرا به کشاورزی که شغل همسر از دست رفته ام بود، سوق داده بود و آنچه بر من گذشته بود سخن گفتم و ایشان با آرامش گوش دادند. مهرشان عمیقا به دلم نشست.

با همه مصاحبه کنندگان فرق داشتند. بسیار با حوصله و با تیزبینی خاص به حرف هایم و همه جواب کارم دقت داشتند.

بعد از صحبت های آن روز بر خلاف اصرارم، به طرف شیراز حرکت کردند. یادام است چند بار هم تلفنی با هم صحبت کردیم. تا مدتی بعد کتابشان را برایم فرستادند. زنان و کارآفرینی که حاصل پایان نامه ایشان بود. تا آن زمان نمی دانستم کارآفرین هستم.

این شروع آشنایی من با خانم فیروزه صابر، مادر کارآفرینی ایران بود.

کسی که تمام این سال ها از ایشان آموخته ام.



صابر تکلیفش با خود، زندگی و خواسته هایش مشخص است

* آسیه علی نژاد

مسئول کمیته آموزش و مشاوره انجمن زنان کارآفرین



کمتر کسی است که واژه کارآفرینی و کارآفرینی زنان را شنیده و نام فیروزه صابر به گوشش نخورده باشد. بر ما پوشیده نیست که نقش او در توان افزایی زنان، شبکه سازی و کمک به رشد سازمانهای مردم نهاد بی بدیل است.

من به عنوان همکار، دوست و شاگرد، از فیروزه صابر بیشتر از هر چیز صداقت دیده ام. صداقت و صراحت در منش، رفتار، گفتار، در رویارویی با خودش که به نظرم سخت ترین است.

او تکلیفش با خودش، زندگی اش و خواسته هایش مشخص است. انسانی است به معنای واقعی که رعایت حقوق انسانها را بدون قضاوت و داوری آنان می کند و در کنار مهربانی اش بسیار بسیار سخت گیر است به دلیل پای بندی به اصول و ارزش هایش.

کار کردن و همراهی با فیروزه جان صابر بسیار سخت است اما من در کنارش بسیار آموخته ام و این ملقمه صداقت، صراحت، مهربانی و سخت گیری مرا نیز چون دیگر دوستان و همکارانش تراش داده و تاثیر فراوان داشته است.

تمام آنچه از او می آموزی در کنار سختی ها اشیاقاقت را برای شاگردی افزون می کند.

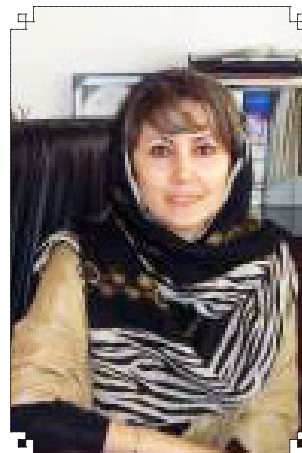
خدا را شاکرم که در مسیر فعالیت اجتماعی ام با انسانی آشنا شدم که قطعا وجودش زیستن در این کره خاکی را بهتر و معنادارتر می کند.

اولین الگو

مرسده نادری

عضو سابق هیأت مدیره انجمن

ملی زنان کارآفرین



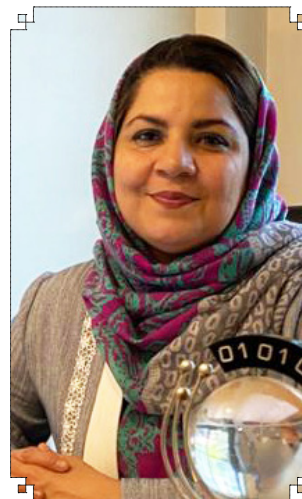
باور نمی کنم ده سال از آشنایی ما گذشته باشد. انگار همین دیروز بود که من با دنیایی از بی تجربگی و ناآشنایی از فعالیتهای انجمن هایی چون انجمن زنان کار آفرین، موفق به آشنایی نزدیک با خانم صابر عزیزم شدم. شانس بزرگی داشتم که به عنوان اولین الگوی پیش رویم ایشان را دیدم. فردی در نهایت عشق و صداقت به جامعه خود و در عین حال بسیار حرفه ای. اصولی که این بانوی بزرگ به آنها پابند بود و هست، برایم بسیار جذاب بودند و این نگاه حرفه ای و به دور از حاشیه و تعارفات آموزه ای بزرگ در ادامه مسیر زندگی من شد. خداوند را شکر می کنم که افرادی مانند ایشان هنوز در جامعه هستند و امید را در دلها زنده نگه می دارند. زادروز و تولدشان را تبریک میگویم و صمیمانه برایشان بهترین ها را آرزو می کنم.

بانوی نستوه محفل زنان کارآفرین ایران زمین!

* فریبا یار احمدی

عضو هیأت مدیره انجمن زنان

کارآفرین



خانم صابر نازنین، شما همواره به عنوان فردی پرتلاش، خستگی ناپذیر و سرشار از اندیشه ها و ادبیات جسورانه، شیوا و منطقی در کنار زنان و دختران ایران زمین ایستاده اید و از شما بسیار آموخته ایم. آرزومندم که فرصت یاد گرفتن از شما و همراه بودن تان برای من و بانوان کشورم همیشگی باشد. کار آسانی نیست که یک نفر با وجود دانش و اشراف کامل بر مسائل روز و جامعه با صبر و حوصله گوش شنوایی باشد برای دیگران و شما به عنوان یک بانوی پیشرو در کنار حرف های بسیاری که برای گفتن دارید گوش های صبورتری هم برای شنیدن دارید.

خیلی خوشحالم که تجربه همکاری با شما را پیدا کردم و در همین فرصت های اندکی که تا به امروز برای دیدن تان داشتم کلام گیرا و رفتار نیکویتان چنان بر من اثر گذاشت که گویی سالیان سال شما را می شناسم. بدون شک یکی از افتخارات بزرگی که پس از حضورم در انجمن زنان کارآفرین نصیبم شد شانس آشنایی با شما بود.

فارغ از تمامی جفاهای زمانه، وجودتان و حضورتان در کنارمان هدیه ای است ارزشمند و گران بها که از این روزگار گرفته ایم! تولدتان بر ما مبارک!

به او خدا قوت می گویم

*کتایون سپهری

مدیر شتاب دهنده منش



حدود سال ۸۵ به نمایندگی از کانون عالی کارفرمایی در یک برنامه ی توانمندسازی زنان شرکت کردم که سازمان بین المللی کار در ایران برگزار می کرد. این سازمان تنها آژانس سازمان ملل است که به صورت سه جانبه گرایی با حضور نمایندگان دولت، کارگر و کارفرما تشکیل میشود و در مورد موضوعات مختلف حوزه ی کار صحبت می کند. شاید آشناترینش جلسات شورای عالی کار باشد که به صورت سه جانبه است و هر سال در مورد میزان افزایش دستمزد سال آینده تصمیم می گیرند. آن روز من با کلی ژست و قیافه ی کارفرمایی رفتم و در پنل نشستم که غیر از من و نماینده سازمان و دولت و کارگر، خانم دیگری هم به نمایندگی از ان جی او ها حضور داشت. نوبت من که شد شروع کردم به اظهار فضل اما خیلی زود فهمیدم که انگشت کوچک آن خانم نماینده ان جی او هم نمی شوم. و فهمیدم موضوع مهمتر از کارفرمایی کارآفرینی است. آن هم کارآفرینی زنان. دعا دعا می کردم در بخش سوال و جواب همه از او سوال کنند تا او با آن لحن زیبا پاسخ دهد و من بیشتر یاد بگیرم. پنل که تمام شد جلو رفتم و سلام کردم و به معرفی خود پرداختم و فهمیدم که فیروزه خانم صابر در کنار تمام محسناتی که دارد از جمله مطرح کردن موضوع کارآفرینی در ایران، انجمنی را تاسیس کرده به اسم انجمن زنان کارآفرین که من را هم دعوت به عضویت در آن کرد. این اسم جادویی برای من دو جنبه ی خیلی مهم داشت: انجمن و زنان. دو موضوع خیلی مورد علاقه ی من. و چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی، که من آن شب در زمان درست، در جای درست بودم و چه بانوی درستی را دیدم. آن موقع خانم صابر ۴۵ - ۴۶ ساله بود و من حدود ۳۸ سال داشتم و با خودم می گفتم: می شود وقتی من به آن سن برسم مثل خانم صابر باشم؟! حالا نزدیک به ۱۵ سال از آن زمان گذشته و ما روزهای عجیبی را در انجمن و بنیاد کنار هم گذرانیدیم دو دوره که من در کنار ایشان در سخت ترین روزهای ضدزن و ضدانجمنی این مملکت در هیأت مدیره بودم، وقتی نماینده ی انجمن در یک سازمان بین المللی بودم و وقتی در پروژه ها کنار او کار کردم به قدر سال ها از او مطالب خیلی عمیق متاثر از نگاهی چندبعدی آموختم و در جاهای زیادی از این آموخته ها استفاده کردم.

و اما یک خاطره: یک روز در یکی از سفرهای انجمن به سه تا از خانم ها گفتم شماها خیلی دیکتاتور هستید. یکی از آن سه نفر گفت خیر اصلا دیکتاتور نیستم (که در تولد ۶۰ سالگی خودش تعریف می کنم). دیگری گفت بله خیلی هم خویه که آدم دیکتاتور باشه. اما فیروزه جان ساعتی با من در اینباره صحبت کرد و گفت مصداق هایش رو بگو. کجا دیکتاتور بازی درآوردم. خب این که می گویی کجایش دیکتاتوران بود؟ دیگر چه کار کردم؟ به حرف هایم گوش کرد و بعد هم بعضی موارد را پذیرفت. خانم صابر داغ از دست دادن برادر نازنینش را، کسی که عزیز همه بود، چنان بی صدا تحمل کرد که فقط وقتی می گفت اتفاقا یک روز هدی در این رابطه چنین گفت یا آن کار را کرد و بعد غرق خاطراتش می شد، می فهمیدی در دل دردی دارد که درمان ندارد. فیروزه صابر همیشه پر از شگفتی است. یک روز گفت شرکت را فروخته ام، از هر بیزینسی خارج شدم، و می خواهم بنشینم در بنیاد و فقط کار انجمنی و مسوولیت اجتماعی ام را انجام بدهم!! بعد شبکه موسسات نیکوکاری و خیریه هم به انجمن اضافه شد و وقتش را بین این

دو نهاد مدنی تقسیم کرد و اینک در آستانه ۶۰ سالگی هم گفته دیگر هیچ کار اجرایی نمی پذیرم وقصد دارم فقط مشاوره دهم!!!
به او خدا قوت می گویم. فیروزه جان الهی که سال ها پرتوان و پرتلاش و پرانرژی به مسیرت ادامه بدهی و همیشه الگو باشی و نوآور و در راه توسعه ی زنان این کهن دیار بکوشی. فیروزه جان، تولدت مبارک باشد و مبارکمان باشی، چه خوب شد که دنیا آمدی و دنیا را جای خیلی بهتری کردی. سرت سبز و دلت خوش باد جاوید

همکاری با خانم صابر موهبت است

* شهرزاد حامدی

مدیرعامل شرکت فرم و فضا



آشنایی با خانم صابر موجب شد تا فعالیت اجتماعی را با جدیت و با نگاهی تازه ادامه دهم. افتخار آشنایی و همکاری با خانم صابر از آن شکل موهبت هایی است که می تواند در نوع نگاه و تفکر هر انسان دغدغه مندی تاثیر گذار باشد. در اولین سفری که با خانم صابر به منظور آشنایی با مناطق حاشیه نشین زاهدان و محله شیر آباد داشتم، آنقدر شیفته شخصیت و توانایی ایشان شدم که باعث شد تا فعالیت اجتماعی را با نگاهی تازه و جدیتی بیشتر ادامه دهم. واقعا از لحظه به لحظه در کنار ایشان بودن می توان آموخت. از هر کلامی که می گویند و در جای دیگر کلامی که نمی گویند تا توان تصمیم گیری طرف مقابل را بالا ببرند. تفکر شکل گیری و روند رشد خانه هدی برآستی یکی از بهترین و موفق ترین برنامه هایی است که می توان از آن برای ارتقاء سطح زندگی و توانمند سازی مناطق محروم الگو برداری کرد. خانه هنرهای زیبا که با هدف توانمند سازی کودکان و نوجوانان مناطق محروم از طریق ابزار هنر، شکل گرفته است، افتخار می کند که با همفکری و راهنمایی های ایشان، فعالیت خود را در شیر آباد و در همکاری با خانه هدی ادامه می دهد.

مانا باشی بانوی ایران زمین

* نفیسه عروجی

عضو کارگروه صنایع دستی و

گردشگری انجمن زنان کارآفرین



دانه ها فطرتا میدانند چگونه جوانه بزنند. آنها برای یک بلوغ به یک بیداری عشق نیاز دارند. به من فراتر از توانمندسازی آموختی، زمانی که توان افزایی را هدیه ام دادی. بانوی ایران، به تو با چشمان بسته هم می شود نگاه کرد. خورشیدی میمانی که با عشق دانه های این سرزمین را به بیداری می خواند. موسیقی بودنت را می آموزم و زندگی می کنم آن را برای دانه ها می خوانم تا تمام درختان سرو سرزمینمان برایت بخوانند.

مانا باشی بانوی ایران زمین



شخصیت مطلوب من

*فاطمه فیروزی
رئیس کارگروه صنعت و تجارت
انجمن زنان کارآفرین



سالهاست که از آشنایی من با خانم صابر می گذرد و درشرایط و موقعیت های مختلف، ایشان را ملاقات کرده ام. همیشه شخصیت ایشان مورد توجه و علاقه من بوده و همواره خیلی دقیق نظاره گر رفتار، کردار و گفتار ایشان بوده ام چون شخصیت مطلوب من بودند. شاید با هم گفتگوی زیادی نداشتیم اما در قلب و روح من تأثیرگذار بودند و تعادل، توازن و آگاهی را در وجود ایشان پیگیر بودم.

او انسانی است با اندیشه والا و فعالیت هایی تأثیرگذار که لحظه لحظه زندگی برایش دارای مفهوم است. فیروزه صابر سرشار از احساس و مهر است بدون ابراز آن به شکل معمول! آرامش، شادی و مهربانی برایشان آرزومندم.

عامل آشتی و پیوند دوباره من با ایران

* معصومه مجتبیوی

عضو هیئت مدیره انجمن زنان

مدیرکارآفرین



خانم صابر عزیز تولدتون مبارک

شما برای من مصداق بارز شعر قیصر امین پور هستید که می گوید:

من به چشم های بی قرار تو

قول می دهم

ریشه های ما به آب

و شاخه های ما به آفتاب می رسد.

ما دوباره سبز می شویم.

ما دوباره سبز می شویم.

شما عامل آشتی دوباره من با ایران هستید. بخش هایی از این اقلیم پهناور که مدتها بود از خاطر من رفته و در ذهنم فراموش شده بودند ، دوباره با ذهن و روحم پیوندی فراموش نشدنی یافتند و این مهم را مدیون شما هستم. اولین سفرم با شما و تعدادی از دوستان همراه به زاهدان محروم و مهجور، نقطه عطف زیبایی در این پیوند روحی مشترک بود که در سفرهای بیشتر کاملتر و پخته تر شد. دانش و تولید محتوای همه جانبه، مدیریت، نظم ، صمیمیت و اعتقاد راسخ به حرفی که می زنید و راهی که انتخاب کرده اید، از ویژگی های بارز شما است که محیط پیرامونتان را روشن و مسیر را در کنار شما هموار می کند. تمرکز شما بر محور بنیادی "توسعه جوامع محلی" همراه با تعلیم و توانمند سازی زنان و جوانان مناطق محروم کشور، مطمئناً زیر بنای محکم و موثری برای پیشرفت آتی سرزمین مان خواهد بود. چقدر ایران ما در شرایط فعلی به افرادی چون شما نیازمند است هر چند که نیروهای جوان و زنده ای که تربیت کرده اید، نوید بخش آینده ای روشن برای این مرز و بومند. همیشه مانا و سرافراز باشید.

خاطره اولین دیدار

* سیده فاطمه مقیمی

عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران



اگر بخواهم به یک خاطره کوچک از خانم فیروزه صابر اکتفا کنم باید به اولین دیدار برگردم.

به هرحال زندگی همه ی آدمها پر از خاطره است. و خاطره خوب همیشه در ذهن آدم باقی می ماند و همیشه از آن یاد می شود به عنوان یک یادگاری، یک شروع و به عنوان یک تالافز از ذهنیتی که درمورد یک شخص یا یک ارتباط دارد.

یادم میاد اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد بود که از انجمن زنان کارآفرینی تماسی داشتم که از من برای یک دیدار دعوت شد.

در آن زمان، دفتر انجمن در خیابان افریقا، در کوچه ای بسیار خاطره برانگیز و در خانه ویلایی زیبایی واقع شده بود. در آن ظهر خاطره انگیز اولین بار بود که خانم صابر عزیز را می دیدم. در این جلسه افرادی حضور داشتند که قصد پیوستن به انجمن را داشتند و در آن جمع من افتخار آشنایی با دوست بسیار عزیزم، خانم سروت رانکوهی را نیز داشتم. سخنان خانم صابر در خصوص توانمندسازی بانوان صاحب کسب وکار بسیار اثرگذار بود. دعوت، پذیرایی و نوع نگاه ایشان را بسیار مثبت و موثر دیدم و بلافاصله عضویت خود را اعلام کردم. همزمان با صرف ناهار در محیطی صمیمی و دوستانه در خصوص فعال سازی و کمک به رشد انجمن صحبت کردیم. با معرفی متولیان اولیه انجمن، قرار بر این شد که با کمک یکدیگر کمیته های کاری آن را راه اندازی کنیم.

من این یادواره را دارم که در سفرهای انجمن به استان های کشور از آذربایجان گرفته تا خوزستان، فارس و ... آشنایی ها و دوستی ها شکل گرفت. و اولین سفر به ساوه برای بازدید از کارخانه یکی از دوستان جوان عضو فعال انجمن بود.

من خانم صابر را به عنوان بنیانگذار انجمن زنان کارآفرین میشناسم و برای کارهای بزرگی که کرده، به ایشان اقتداء میکنم.

البته ایشان را دوردور از سازمان مدیریت صنعتی میشناختم که در آنجا هم کار های اجرایی و تدریس داشتند و برایم جای خوشوقتی بود که این آشنایی نزدیک در انجمن به وجود آمد.

این ها بخشی است از خاطرات خوب، اثر بخش و تأثیرگذار و به دنبال آن؛ ادامه ی جریان و فعال تر شدن انجمن ملی زنان کارآفرین که افتخار داشتم دو دوره عضو هیات مدیره و مدیرعامل آن باشم و تمام اینها تجربیاتی بود که با استفاده از آن ها در بقیه دوران فعالیت خود در بخشهای مربوط به امور زنان توانستم هم اثرگذار باشم و هم تأثیر بپذیرم. میتوانم بگویم خاطرات خوب بودن با خانم صابر ، چیزی نیست که بتوان به راحتی از آن گذر کرد و قطعاً میدانم که ایشان این اثرگذاری را در زندگی بسیاری از بانوان فعال این جامعه داشته است. کسیکه از نظر علمی بسیار متبحر و وبه لحاظ اجرایی کاملاً مسلط به انجام کارها بوده، هستند و قطعاً خواهند بود.

به عنوان یک زن پیشرو و به عنوان یکی از اعضای موسس تشکل های زنان فعال کارآفرین در کشور به ایشان افتخار می کنم.

آرزو دارم که همه عزیزان تولد ۱۴۰ سالگی ایشان را جشن بگیرند. چه زیباست که همیشه از کسانی یاد کنیم که با ما بودند، اکنون هستند و به پیشواز کسانی برویم که با ما خواهند ماند.

فیروزه صابر:

کارآفرینی، خلق ایده و ابتکار با توجه به شرایط موجود است

فیروزه صابر کارآفرین است. گرچه مدیریت کارخانه یا شرکتی تجاری را بر عهده ندارد. هر پروژه ای روی فرش اجتماعی، سیاسی، مدیریتی، فرهنگی و آموزشی خاصی به اجرا درمی آید که هر نقش ریز و درشت آن به دست کسی بافته می شود، یکی از نقش های فرهنگی-آموزشی کارآفرینی را فیروزه صابر می زند.

در موضوع کارآفرینی زنان نام شما به عنوان یک مربی و مدرس و فعال این حوزه دیده می شود. این عنوان چطور به دست آمده؟

در سال ۷۹ من، پایان نامه کارشناسی ارشد خودم را با عنوان راه های توسعه کارآفرینی زنان در ایران ارائه کردم. این رساله یک تحقیق کیفی بود که در آن ۲۰ مورد کارآفرینی زنان با «مصاحبه عمیق» شناسایی شده بود. یعنی تجربه آنها از شروع کار، چالش ها، موانع سر راه و ابتکارات و نوآوری های آنها مورد بررسی قرار گرفته بود و همین طور این موضوع که در دنیا در این حوزه چه کارهایی صورت گرفته و چه تجربه هایی وجود دارد که بتوان از آنها جمع بندی ای کرد و الگویی را ارائه داد.

شما در پژوهش خود، موانع کارآفرینی زنان را چه دیدید؟

موانع را می توان در ۳ گروه دسته بندی کرد:

۱- موانع فردی، که به مسائل مربوط به خانواده، همسر و فرزندان مربوط می شود و نیز کاستی های علمی زنان

۲- موانع سازمانی، که به موضوعاتی مثل تأمین منابع مالی، نیرویابی و بازاریابی بر می گردد

۳- موانع محیطی، بایدها و نبایدهایی را در مورد هنجارهای فرهنگی در ارتباط با زنان به ویژه در شهرهای کوچک، باز می گوید که مثلاً کدام رشته ها و حرفه ها مردانه و کدام زنانه اند. موانع محیطی، همچنین موانع حقوقی و قانونی را هم در بر می گیرد، مثلاً به دختران و زنان مجرد جواز کار داده نمی شد. این قانون در دوره اصلاحات فکر می کنم با تلاش مرکز مشارکت زنان اصلاح گردید. یا قانون مسافرت زن با اجازه همسر که برای زنان اهل کسب و کار می تواند مانعی به وجود آورد. یا این مسئله که زنان به اندازه مردان مالکیت خانه و ملک را ندارند و طبعاً برای گرفتن وام هم دست بازی ندارند. البته باید گفت که ما در قوانین شاهد مانعی که زنان را از فعالیت اقتصادی باز دارد، نیستیم اما می توانیم بگوییم قوانین ما تسهیل کننده نیستند.

زنانی که شما در موردشان تحقیق کرده بودید، با این موانع چگونه روبرو شدند؟

جالب همین است که آن ها هر کدام با ابتکارات خودشان از عهده مواجهه با این موانع برآمده اند.

موانع محیطی در دهه ۶۰ که جامعه سنتی تر بوده بیشتر قابل مشاهده است اما با پوست اندازی جامعه کمتر شده است.

از آن ۲۰ مورد ۷ نفرشان با باورهای سنتی همسران خود روبرو بودند ولی در پیگیری اهداف شغلی و حرفه ای خود، تدبیری کرده بوند که به خانواده آسیبی نرسد و همین موجب شده بود که به تدریج همسران نیز به



آنها ببیوندند.

می توانم از اولین زنی بگویم که در دهه ۶۰ در صنعت حمل و نقل وارد شد و با همه گونه موانع بر سر راه هم روبرو شد اما از عهده برآمد و موفق عمل کرد.

همسر ایشان مخالف تصمیم او برای فعالیت در حوزه حمل و نقل بود، ولی او با اصرار، همسر خود را به همکاری دعوت کرد. چون خودش مسئولیت و مدیریت کار را پذیرفته بود، بالطبع شوهرش می بایست زیر دست او کار کند، که این هم برای همسر او افت داشت. بنابراین برای این که از مانع تراشی همسر جلوگیری کند، او را به مشارکت فرا خواند و برای این که غرور مردانه سنتی او جریحه دار نشود و این موضوع دوباره به فضای مخالفت دامن نزند، مدیریت کار را به دو بخش، حمل و نقل داخلی و خارجی تقسیم کرد و مدیریت داخل را خود به عهده گرفت و حمل و نقل خارجی را به همسر سپرد و به این ترتیب مانع تراشی همسر را به حمایت و پشتیبانی بدل کرد و از یک تهدید، فرصت ساخت.

این خانم با مشکلات سازمانی هم روبرو بود، مثلاً به او وام نمی دادند، یا در بازار کار، کار به او واگذار نمی کردند. مثلاً در یکی از مراجعات، مسئول مربوطه حاضر نبوده روبروی او بنشیند میادا نگاهش در نگاه او بیفتد و در یک موردی وقتی به دلیل باورهای مذهبی با درخواست او به عنوان زنی که به طور نامتعارف وارد این عرصه شده، مخالفت می شود، مشکلات پاسخ می دهد: «خدیجه، همسر پیامبر در حوزه تجارت که حوزه ای مردانه به شمار می رفت فعال بوده و این همه نیز با حمایت های خودش به حرکت حضرت محمد (ص) یاری رسانده، خدیجه با ۴۰ شتر کار حمل و نقل را انجام می داده، امروز من با ۴۰ کامیون می خواهم همان کار را انجام دهم!»

خلاصه مسئول مذهبی ذی ربط را با هنجار و ادبیات خودش، کاملاً هم منطقی، خلع سلاح و حمایت او را جلب کرده است. می خواهم بگویم سنجش شرایط، انعطاف و ابتکار در میان محدودیت ها، این زنان را دارای تبحر و مهارت هایی کرد که توانستند از موانع عبور کنند.

بعد از ارائه پایان نامه عملاً چه کارهایی در زمینه پژوهش خود انجام دادید؟

با چند نفر از دوستان و سرمایه ای اندک شرکتی تأسیس کردیم که بتوانیم پروژه های تحقیقاتی ذی ربط را انجام دهیم. در سال ۷۸ در وزارت کشور برنامه ای به نام طرح ملی ترویج و توانمندسازی زنان کارآفرین ایران تهیه شده بود که در ۲۸ استان کشور موضوع را پیگیری کند. قرار بود این طرح در سه سطح اجرا شود: ۱- دختران فارغ التحصیل ۲- زنان کارآفرینی که از امکانات کافی برخوردار نبودند ۳- مسئولین امور زنان در دستگاههای دولتی که دانش و توانایی لازم برای تشویق و ترغیب کارآفرینی زنان را داشته باشند.



این زمینه ای بود که ما می توانستیم در آن فعالیت مناسبی داشته باشیم. تحقیقاتی در مورد موانع کسب و کار زنان انجام شد، سلسله ای از سمینارها و ۱۷۶ کارگاه آموزشی برگزار گردید و ۵ فیلم مستند هم ساخته شد و حاصل این اقدامات نیز در چار چوب طرح برای تأثیر و تحول در سیاست گذاری ها، در اختیار وزرای مرتبط قرار داده شد. وزارت کشور توجه داشت که برنامه ها باید در سطح استانها اجرا شوند تا پروژه به ثمر برسد و این نیز بدون درگیر شدن خود زنان برای بسترسازی لازم ممکن نبود. به همین دلیل تعدادی از زنان فعال (۱۰ نفر) تصمیم به ایجاد تشکلی برای زنان کارآفرین گرفتند تا بتوانند به آموزش و انتقال تجربه و ایجاد شبکه ارتباطی میان خود، کارآفرینان و دولت، مراکز آموزشی و دانشگاه ها، رسانه ها و نهادهای مدنی بپردازند. آن ها هم از وزارت کشور و هم وزارت کار درخواست مجوز کردند. وزارت کار زودتر پاسخ داد و به این ترتیب انجمن زنان مدیر کارآفرین تأسیس شد. اما بعداً که وزارت کشور هم برای تشکل درخواست شده زنان جواب مثبت ارائه کرد، ترجیح داده شد که انجمن دومی هم با نام انجمن ملی زنان کارآفرین ایجاد شود که البته موسسین و بعضی از اعضای این دو انجمن با هم مشترکند.

چقدر این دو نهاد را کارآمد می بینید؟

این نهادها نوپا هستند و طبیعتاً مشکلات و نارسایی های همه نهادهای نوپا را دارند. با توجه به این که زنانی از اصناف و حرفه های مختلف، با تیپ ها و باورهای متفاوت و جغرافیا و فرهنگ متنوع، حتی انگیزه های متفاوت در این دو انجمن حضور دارند و توانسته اند این دو انجمن را بدون وابستگی به دولت، به طور خودگردان و با حق عضویت های خودشان اداره کنند، باید به طور نسبی اینها را نهادهای موفق نامید به خصوص که کار گروهی، آن هم در میان زنان ما، پدیده جوانی است.

به نظر شما این اقدامات توانسته برای کارآفرینی زنان تابو شکنی کند؟

زمینه برای نقش آفرینی اقتصادی-اجتماعی بخش خصوصی بیشتر شده و همین طور خویش فرمائی نسل جدید و دختران بیشتر به چشم می آید. بنابراین این فضا سازی و الگو دهی ها می تواند مؤثرتر باشند. از ۳۰۰ نفری که ما آموزش دادیم، ۲۰ درصد برای فعالیت مراجعه کردند و این آمار خوبی بود. ما زنانی داشتیم که با سرمایه ای اندک کار را آغاز کرده و موفق شده اند.

جوامعی مثل جامعه ما گاهی مفید می دانند از تجربه کشورهای توسعه یافته در بعضی حوزه ها بهره گیری کنند. اما این تجربه ها و آموزه ها هر جا بومی نشدند، به ثمر نرسیدند، آیا برای تجربه کارآفرینی بومی سازی شد؟

در سطح دانش افزایی و آموزش مهارت های ارتباطی و کارهای گروهی

کارآفرینی اما، خلق ایده و ابتکار با توجه به شرایط موجود و محدودیت امکانات و منابع، پذیرش ریسک و بازکردن راه های جدید در حوزه های گوناگون است و البته تعریفی نسبی دارد و در هر مکان و زمان ممکن است متفاوت باشد و به هر حال در کارآفرینی هم اشتغال زایی می شود. کارآفرینی به انتقال تکنولوژی، توسعه چرخه اقتصادی، توسعه منابع انسانی، چگونگی توزیع در آمد نظر دارد

و طرح الگوهای ایرانی، خوب کار شده، اشکال آنجا است که آموزش ها و مهارت ها عملیاتی نمی شوند. یعنی بسترسازی در زمینه های قانونی، حقوقی، تأمین منابع مالی و تسهیلات وام دهی، مسائل بیمه و ... آن طور که باید صورت نگرفته، البته در دوره اصلاحات، وزارت کار در این قضیه ورود کرد، وزارت علوم حمایت کرد، در دانشگاه تهران رشته کارآفرینی ایجاد کردند. با این حال می توان گفت، اقدامات در مجموع در حد ضروری سیستماتیک نبود و بیشتر افراد حامی و بانگیزه حرکتی به وجود می آوردند. در دولت احمدی نژاد هم وزارت کار و آقای جهرمی وزیر کار با ارائه طرح کسب و کارهای زود بازده، خواست خود متولی کارآفرینی شود.

کارآفرینی اصلاً یعنی چه؟

ممکن است کسانی کارآفرینی را با اشتغال زایی اشتباه بگیرند. اشتغال زایی کار دولت است که با سیاست گذاری و استفاده بهینه از امکانات و منابع تلاش کنند فرصت های شغلی مختلف در بخش های دولتی و خصوصی برای مردم بسازند و نرخ بیکاری را پایین بیاورد. کارآفرینی اما، خلق ایده و ابتکار با توجه به شرایط موجود و محدودیت امکانات و منابع، پذیرش ریسک و بازکردن راه های جدید در حوزه های گوناگون است و البته تعریفی نسبی دارد و در هر مکان و زمان ممکن است متفاوت باشد و به هر حال در کارآفرینی هم اشتغال زایی می شود. کارآفرینی به انتقال تکنولوژی، توسعه چرخه اقتصادی، توسعه منابع انسانی، چگونگی توزیع درآمد نظر دارد. می توان از آن به عنوان موتور محرک اقتصادی و اجتماعی یاد کرد که شهامت و نوآوری را ترویج می کند و قدرت پیشتازی به افراد می بخشد. کارآفرینی دغدغه توسعه دارد و در جامعه تأثیرات اجتماعی- فرهنگی می گذارد که نتیجه فرآیندش انباشت سرمایه اجتماعی است.

در حال حاضر فرصت ها و تهدیدهای کارآفرینی کدامند؟

بی ثباتی و ناامنی سیاسی، اقتصادی، خطرپذیری و ریسک را برای کار بالا برده، وام دهی و بازپرداخت وام ها را مشکل کرده و این مهمترین تهدید کارآفرینی است، اما حضور پررنگ زنان در عرصه های مختلف که مشکلات محیطی و فرهنگی را به طور مؤثری کاهش می دهد، همچنین نرخ بالای آموزش عالی زنان حتی در روستاها بزرگترین فرصت برای توسعه کارآفرینی زنان به حساب می آید.

در مجموع فضای کلی و ظرفیت جامعه مساعد است. انشاءالله اراده و مدیریت برای سامان دهی این ظرفیت باشد.

* مصاحبه فیروزه صابر با مدرسه کارآفرینی خورشید (۱۲ آبان ۹۲)

تولدی دیگر ... دلنوشته ای از دوستان قدیمی برای فیروزه صابر

هنگامی که می خواهیم حقیقتی را روایت کنیم ، به هویت سامان یافته، هدفمند و مرحله مند برمی خوریم و مرور چنین روایتی در طول یک زمان بلند از نظر محتوایی که ایجاد کرده و با امتداد به سوی بی نهایت کاری سترگ است.

"فیروزه" ، کارش را از تلاش برای فهم حقیقت از باطل و سره از ناسره و چگونگی تشخیص حق آغاز کرد و در این مسیر همواره تلاش کرد که هم حق را به خوبی و کامل فهم کند و هم برای دیگران و در رابطه با دیگران چنین عمل کند.

در طول دوران آشنایی چند دهه با او مکرر مشاهده کردیم که او در هر کاری در مرحله نخست تلاش فاختری برای هر امری چه کوچک، چه بزرگ، چه جزئی و چه کلی برای نیل به حقیقت به عمل می آورد و چون به حقانیت آن واقف می گردد یکپارچه ایمان می شود.

و آنگاه مرحله دوم را آغاز می نماید، او همواره هدفمند، عازم و رو به جلو، سیر پیشرفت را برای تحقق امری که وجدان کرده دنبال می کند و در این مسیر مکث و توقفی وجود ندارد و در این مسیر پیوسته رو به جلو حرکت می کند. شاید برای اطرافیان او کار مشکل و با موانع همراه باشد، ولی نشاط و روحیه مصمم و اراده قوی او دیگران را وادار به پذیرش و همراهی می نماید و او به استمرار حرکت تداوم می بخشد.

مرحله سوم سیره عملی "فیروزه" تطبیق آنچه که انجام می دهد با موازین منتخب اوست. اهداف او معطوف به خیر عمومی است، علی رغم تشکیلاتی بودن و باور به سازمان دهی و داشتن برنامه، در چارچوب تشکیلات و سازمان اهداف خود را محدود نمی کند، بلکه نگاه بلند، رو به آینده و معطوف به گسترش هر چه بیشتر خیرعمومی دارد.

مرحله چهارم در امتداد سیره رفتاری و عملی هدفمند اوست و آن بازگشت و رجوع مدام و اتصال به آرمان و اهدافی است که در سپهر فکری برگزیده او صورت می گیرد . فعالیت ها و برنامه های قبل را مرتب مورد بازنگری، اصلاح و بهبود قرار می دهد

دستآورد مرحله چهارم جانمایی آینده نگری و شروع مرحله پنجم است که مشاهده نوعی زیادتی و برکت در نتایج کار و دستاوردهای فعالیتهای آینده پرداز او محسوس است. وقتی کاری به انجام می رسد نتایج غیرقابل پیش بینی، فوق تصور و بیش از انتظار دریافت می شود و این از برکات نتایج آمیختگی هویتی فاخر و عمل به خیرعمومی است که کار را به هویتی ممتاز و ماندگار تبدیل می نماید.

مرحله ششم هر کاری در مرور عمر پرخیز و برکت ایشان را می توان در مفهوم صبورى جستجو کرد، این صفتی است که از او نوعی رفتار هویت بخش، سامان ده و راهبری مرحله مند را به نمایش می گذارد که با آگاهی از انتهای مسیر دیگران را به پایمردی و درستی هدف نوید می دهد. در این هویت اراده راسخ ،نوآفرینی و خلاقیت کاملاً مشهود است و در این مسیر، پدید آوردن دستاوردهای نو و ناظر به نیازهای روز جامعه از ویژگی ها و مختصات این مرحله است. لاجرم این هویتی که برخاسته از این مسیر پر چالش است می تواند موفقیت این مرحله و آینده ای که کاملاً اهداف، راه و مراحلش سامان یافته تر از قبل و معطوف به خیر عمومی می باشد را نوید دهد.



در این ایام "فیروزه" در آستانه ورود به سپهر و تولدی دیگر است، با هویت نو پدید ، عازم برای طی مسیری نو و آینده پرداز.

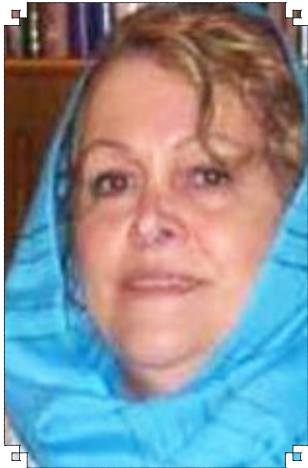
ما و جامعه گوهری داریم، که نمادی از زن ایرانی شیفته خداوند، هدفمند، سامان یافته و سالک بی تزلزل منزل به منزل کاروان هستی است، و می رود آینده شکوفایی را برای خود، جامعه ایرانی و آیندگان رقم زند، از خود کتابی فاخر، راهنمایی برای عمل دیگران، روایتی پندآموز را تدوین و تکمیل نموده و مطابق آن حرکت آینده پرداز را تبیین نماید.

این آن پند بلندی است که همه ما ایرانیان بدان نیازمندیم. نوعی رؤیا برای خود، ایرانی سرافراز، سربلند و شیفته خداوند. "فیروزه" نه تنها خود چنین می کند که در مسیر این چنینی ها را هم به جامعه معرفی می نماید.

هر کس پیشتازی را پذیرفت و چنین سخت کوش و پرتلاش طی مسیر نمود اغلب در لابه لای حوادث و روزمرگی ها کمتر دیده می شود. او پدید آورنده نوعی روایت زیبا، درس آموز برای جامعه ایرانی است.

در نهایت آنکه اگر بخوایم بگونه ای دیگر او را تبیین نماییم، می توان گفت "فیروزه" به همراه راست قامت قهرمان "هدی"، زوج کریمی هستند که هر چند "هدی" رفت و به وصال حضرت حق رسید، "فیروزه" همچنان بی قرار طی مسیر می نماید تا نماد و الگویی برای زنان و مردان ایرانی باشد. خداوند او را حافظ و نگهبان باشد و ما این تولدی دیگر را به جامعه ایرانی تبریک گفته و تلاش می نماییم همراه و یاور او باشیم.

دوستان قدیمی و همراه تو



فیروزه‌ای که من می شناسم

* فاطمه فرهنگ خواه
بنیانگذار گروه احیا

هر جامعه‌ای به تناسب کهن الگوهایش، فرهنگی خاص و متفاوت می‌سازد. ایران سرزمینی است که با الهه‌های مونث چون "سپندارمذ" ایزد بانوی زمین که نشان از باروری و زایش داشت، "آناهیتا"، ایزد بانوی باران، رودها و آبهای جهان، "میترا" الهه مهر و دوستی و... شناخته می‌شد. هم چنین صفاتی چون مادری، دانایی، تقوا، بردباری، راستگویی، پاکي و ... را در زنان این سرزمین تشویق و نهادینه کرده است.

اگر زمان را بهترین داور برای قضاوت از عملکرد افراد بدانیم به گواه آثاری که فیروزه ازخود برجای گذاشته است می‌توان او را یکی از زنان تاثیر گذار و ماندگار امروزین کشور ایران دانست. او که کوچکترین فرزند از شش فرزند والدین خود است، از ابتدای انقلاب راهی متفاوت از آنان را برگزید و تاکنون آن را ادامه داده است. باید اذعان کنم که نوشتن از فیروزه و برای فیروزه بسیار دشوار است، زیرا هم او را می‌شناسم وهم نه! او همواره الگویی ارائه می‌دهد ازتجدد، آگاهی اجتماعی-سیاسی که باید با سنت، مذهب و فرهنگ جامعه به طور متوازن همراه شود تا به تعادل و آرامش جامعه کمک کند. فیروزه سر ستیز با سنت ندارد و با آن مدارا می‌کند. او مذهب را به عنوان یک نماد فرهنگی جامعه و جزئی از این سنت به رسمیت می‌شناسد. او بدون اغراق تعادل و تعامل را برهروگونه تندروی ترجیح می‌دهد.

حدود سی سال است که او را در موقعیت های گوناگون دیده ام، گاه به عنوان سخنران، گاه به عنوان مدرس کارگاه، گاه هم‌رمز و همراه. او زندان سال ۱۳۸۰ را با متانت خاص خودش گذراند و بعد در مقام فامیل زندانی سیاسی (برادرش هدی) درجلسات مشترک خانواده‌ها شرکت می‌کرد. او همواره فعال و با نظرات مفید خود جمع را به تصمیم گیری‌های مناسب‌تر رهنمود می‌شد. او هم یک فعال مدنی اجتماعی است و هم کنشگر حوزه زنان. او تاکنون در تاسیس و هدایت نهادهای مدنی، آموزشی بسیار نقش داشته است. وی همچنین مقالات و نوشته های بسیاری در راستای فعالیت‌هایش تحریر کرده است. او شخصیتی آرام، متین، مسئولیت پذیر، متعهد و عمیق دارد. او زنی است که ارتباطات اجتماعی وسیعی دارد، خوش فکر و مبتکر است. فیروزه بی مدعا کار کرده و تاثیرگذار شده است. با اینکه درعرصه های مختلف کار کرده ولی از ارزش های اخلاقی و انسانی غافل نبوده است. او شناخت موقعیت ها و صداقت درکار را فراموش نمی‌کند. او شخصیتی است که برای آغاز هر فعالیتی دست به انتخاب می‌زند و وارد هر بازی‌ای نمی‌شود. فیروزه چشم اندازی از مبارزه، پیروزی و عشق به وطن و مردم ایران را برای ما به تصویر می‌کشد. او اسطوره نیست ولی الگویی مناسب برای زنان کشور ایران است تا بدانند که با وجود همه موانع، باز راهی برای کاستن ازمشکلات اجتماعی خصوصا در مورد زنان می‌توان گشود. او را می‌توان چون زینب پیام آور راه برادر شهیدش هدی صابری دانست و در نهایت او را به الهه‌ای از کار و تلاش، عشق و تعهد برای ایران زمین تعبیرکرد.

به امید ایران سرفراز



فیروزه نور چشم ماست

*مینو مرتاضی لنگرودی

فیروزه صابر در مقام کنشگر مدنی چهره ای آشنا برای جامعه مدنی ایران است. سبک و سیاق زندگی خود ساخته فیروزه بر مدار اراده خود بنیاد و رویکرد اخلاقی در کنشگری مدنی و سیاسی بنا شده است. زحمات بسیار و عمری که فیروزه در جهت توانمند سازی زنان بویژه حاشیه نشینان صرف کرده سبب شده او را مادر کار آفرینی زنان در ایران بنامند. توانمند سازی در اصل به معنای خلق قدرت از دل بی قدرتی و ساخت انسان قدرتمند از انبوه بی قدرتان به حاشیه رانده شده است. زیرا قدرت هرگز در خلاء شکل نمی‌گیرد و استعدادی فردی و ذاتی نیست؛ بلکه قدرت مفهومی مشارکتی است که در بستر مناسبات انسانی پدیدار می‌شود. قدرت ناشی از توان یابی و توانمندی قدرتی ناب و خالص است که با قدرت موروثی فرق می‌کند. این قدرت قابلیت گسترش و جابجا یی دارد. توانمندسازی از طریق آموزش و کارآفرینی بواسطه امکان و فرصتی که برای انسان ها جهت ساخت و ساماندهی زندگی خویش می‌سازد بخش وسیعی از شهروندان را از شکل توده در هم ریخته و سر در گم جدا و متمایز ساخته و به سوژه های مطالبه گر و خود آگاه تبدیل می‌کند. اگر مدیران کارآفرین فاقد رویکرد اخلاقی باشند و هدف از توانمند سازی در محدوده اقتصاد باقی بماند؛ آنگاه به جای ساخت سوژه مطالبه گر خودآگاه، به ساخت و تکثیر انسان بیگانه از خود در قبال اقتصاد و معیشت مشغول خواهند شد. دقیقا در اینجااست که رویکرد اخلاقی فیروزه صابر به مقوله توانمند سازی و کار آفرینی، او را در جایگاه متفاوتی قرار می‌دهد. اخلاق مراقبت و حس ناب و پرشور دوست داشتن همنوع که در جان فیروزه جریان دارد او را قادر ساخته تا جان و روان انسان های به حاشیه رانده شده و محروم از فرصت برابر جهت برخورداری از منابع مادی و معنوی جامعه را چون جان خود دوست بدارد و محترم بشمارد. بقول ارسطو: «من دیگر» را در وجود همنوع تشخیص دهد. توانمند سازی محرومین و بی قدرتان در اصل به جریان انداختن حس پرشور احترام و شان انسانی در وجود کسانی است که به دلیل فقر از خود انسانی شان بیگانه گشته اند. گفتنمان توانمند سازی به مدد اخلاق و رفتار مدنی به محکم سازی پایه ها و بنیان های جامعه مدنی مشغول می‌شود . به این ترتیب جامعه مدنی بطور غیر مستقیم از طریق حرکت در سطوح و لایه های زیرین جامعه با افزایش توانمندی شهروندان علاوه بر اینکه اقتدار جامعه مدنی را افزایش می‌دهد. که توانمندی اجتماعی اقتصادی شهروندان را به توانمندی و توسعه سیاسی پیوند می‌زند. فیروزه صابر به دقایق کار سترگی که می‌کند آگاه است و عاشقانه با آرمان های والایش زندگی می‌کند.

عمرش با عزت و سلامت متبرک باد

که خورشید روشنی بخش و نور چشم ماست

حضور پر محتوا و تسکین بخش

* مریم رسولیان

رییس انجمن روانپزشکی ایران

بزرگداشت افراد مؤثر به بهانه‌های گوناگون، اگر با مرور تجربه‌های زیسته‌ی او همراه شود، آموزنده و نقشه راه آینده خواهد شد. نوشتن به بهانه شصتمین سالگرد تولد کسی که خود همواره با برگزاری بزرگداشت، در پی قدردانی، حفظ یاد و خاطره‌ی افراد تأثیرگذار در سرنوشت مردم این مرز و بوم بوده است، فرصتی ارزنده است. علی‌الخصوص که گفتننی بسیار است. تلخ و شیرین‌های زیادی را با او تجربه کرده‌ای، همراهی در سفرهای کاری و تفریحی، حضوردر مراسم شادی و غم، سوگ عزیزان و مشارکت در برگزاری جمع‌های خانوادگی، همفکری و دوستانه و... خلاصه رفیقی که همه جا می‌تواند در کنارت باشد و می‌توانی در کنارش باشی. کم ارزشی ندارد این حضور پر محتوا و تسکین‌بخش.

دنیا سرای انعکاس است و انجمن زنان کارآفرین به پاس همه‌ی قدردانی‌ها قدر او را ارج می‌نهد و در آیینهِ تجارب خود بازتابی از وجود و حضور فیروزه صابر را به نمایش می‌گذارد.

تجربه زیسته‌ی فیروزه صابر

گام برداشتن در مسیرباورها و آرمان‌ها، همراهی با روزمرگی‌های زندگی و لذت بردن از این روزمرگی‌ها، برقراری ارتباط با جماعت‌های گوناگون، توجه به جنبه‌های مثبت در هر شرایط و درس آموزی از تجربه‌های تلخ، توان خندیدن به اشتباهات خود و پذیرش آنها؛ همه و همه ویژگی‌های یک انسان خودشکופا است، که فیروزه دارد.

آشنایی عمیق من با فیرزه از اسفند ۷۹ بعد از دستگیری گروهی ملی مذهبی‌ها در منزل مرحوم محمد بسته‌نگار و خانم طاهره طالقانی شروع شد. به دلیل درد مشترک، حیطه کاری مشترک و دوستی‌های مشترک و صد البته منش فیروزه، این آشنایی تا کنون ادامه و عمیق و عمیق‌تر شد.

ویژگی‌های شخصیتی

ویژگی‌های شخصیتی، مهربانی، مردم داری، روابط اجتماعی گسترده، پیگیری، نظم و برنامه‌ریزی و مثبت اندیشی، مجموعه خصوصياتی است که از او یک انسان دوست داشتنی و قابل قبول ساخته است. از دل هر مشکل نکته آموزنده و نکته شاد کننده‌ای بیرون می‌آورد. نه این که اضطراب و نگرانی و تشویش را تجربه نمی‌کند بلکه او هم مثل دیگران در فراز و نشیب‌های زندگی همه این احساسات منفی را تجربه کرده و در درون خود حمل می‌کند، اما اجازه بروز خام و عریان به این احساسات نداده و با مدیریت بالغانه و درس‌آموزی، همه این موارد را تبدیل به رفتار سازنده‌ای در زندگی خود یا دیگران می‌کند.

تفکیک نقش‌ها:

فیروزه عزیز مصداق بارز فعال اجتماعی و کارهای غیرانتفاعی است، در هر سمتی نفع جامعه و افراد الویت او بوده و همواره و اگر جایی به ناچار وارد فعالیت سیاسی شده، از بعد نیاز اجتماعی و انسانی بوده است. حفظ مرزها و نقش‌ها، از ویژگی دیگر اوست که با توانایی ویژه‌ای قادر است که موقعیت‌ها ویا نقش‌های متعددی را برای خود تعریف کند و از تداخل این نقش‌ها به خوبی جلوگیری کند. در زیست مردم نهاد خود از هرگونه موضع‌گیری سیاسی پرهیز کرده و فعالیت اجتماعی را به خوبی از زندگی سیاسی خود جدا کرده است. در مشاغل غیرانتفاعی یا مردم نهاد، فعالیت حرفه‌ای کارمندان را کاملا از اهداف فعالیت غیرانتفاعی منفک کرده و نه



تنها انتظار کار غیرانتفاعی از همکاران خود ندارد، بلکه به آسایش و رفاه آنان بسیار توجه می‌کند. هنر تفکیک نقش‌ها در زندگی شخصی و حرفه‌ای او یکی از اصولی است که نقش اساسی در پیشبرد کارها دارد.

رویکرد حل مسئله:

در مشکلات کاری، شخصی خانوادگی، ضمن ابراز هیجانات منفی و واکنش‌های عاطفی در این مرحله توقف نکرده و وارد رویکرد حل مسئله می‌شود. حاشیه‌ها را دور زده و وارد راه حل‌ها می‌شود. به سادگی تمرکز خود را از کارهایی که توان تغییر آن را ندارد برداشته و بر کارهایی که امکان تأثیرگذاری دارد، متمرکز می‌کند.

عشق به زندگی:

نامالایمات و سختی‌های زندگی شخصی و حرفه‌ای، هرگز او را از دیدن زیبایی‌ها محروم نکرد. پذیرش مشکلات و سازگاری با آنان و بازگشت دوباره به مسیر زندگی و مصمم‌تر شدن برای ساختن دوباره و دوباره، نشان عشق او به زندگی است. همه لحظات زندگی را به تنهایی یا با دیگری می‌زید.

توان مدیریت

قدرت راهبری:

نگاه بلند مدت، نوع‌دوستانه و سرنوشت‌ساز ، قدرت به کارگیری نیروها و مدیریت تنش‌های بین‌فردی و سازمانی جایگاه مدیریتی او را تقویت می‌کند. توجه به سطوح مختلف نیازهای دیگران، تلاش منطقی برای حل مشکلات دیگران در محیط کار، مسیر کار را هموار می‌سازد.

مدیری که با پیگیری و ممارست، اهداف خود را دنبال می‌کند و ناهمواری‌ها را می‌پذیرد، سرسختانه برای رفع موانع و ناهمواری‌ها تلاش می‌کند و در نهایت از ادامه مسیر منصرف نمی‌شود.

مدیریت وکشف استعدادها :

توجه به خصوصیات رفتاری و ویژگی‌های شخصیتی تک تک همکاران و پذیرش این ویژگی‌ها، کشف استعدادهای نهفته همکاران ، همراه با تقویت نقاط قوت همکاران جوان، فراهم کردن بستر رشد جوانان و واگذاری مسئولیت به جوانان از دیگر نقاط بارز رفتار مدیریتی او است.



* بهروز طبرانی

پایدار و استوار

توانسته اند راه پیشین را ادامه دهند با مشی غیر تولیدی و مصرفی حاکم برجامعه مبارزه کنند. به راه های جدید که گرهی از گرهِ های انبوه جامعه باز کند و باری از روی دوش انبوه گرفتاران و مردم جامعه بردارد می اندیشند و تلاش خود را برآن قرار داده اند که نه منتقد صرف وضعیت نابسامان محصول تصمیم گیران نابخرد باشند و نه وضعیت به غایت ناعادلانه، غیر انسانی و ضد بشری را دست مایه و بهانه بی عملی خویش سازند.

این گروه بر خلاف گروه اکثریت که به سادگی اعتقادات و باور های خود را زیر سوال می برند و ابتدا به آهستگی و بعد از چندی به سرعت پشت پا به همه اعتقادات و ارزش هایی می زنند که خود زمانی عامل و مروج آنها بوده اند و دیگران را نیز به آنها تشویق می کردند، با جو زمانه همراه نمی شوند و با مشاهده این کژپها در راه خویش استوار و مصمم تر از پیش، گام به جلو بر می دارند.

فیروزه صابر که من از اواخر دهه ۱۳۵۰ با وی آشنا شده ام از این دسته اخیر است. من گرچه از ابتدای دهه ۱۳۵۰ با مرحوم هدی آشنا شدم و بعد از چندی نیز ارتباط ما عمیق شد ولی با خانواده هدی چندان آشنا نبودم. دیدارها و رفت و آمدهای ما در خارج از خانه بود و به همین دلیل از خانواده او و از جمله خواهر کوچکترش فیروزه نیز آشنایی و شناختی نداشتم.

بعد از انقلاب ۵۷ و ازدواج هدی، دیدار های ما بیشتر خانوادگی شد و من نیز با خانواده او بیشتر آشنا شدم. از همان زمان قرابت زیادی میان افکار، رفتار و عادت های وی و هدی کاملاً به چشم می خورد. او هم مثل هدی منظم، پرکار، دقیق و پایبند به اصول و مبانی اعتقادی بود. اسیر فضای پیرامون نبود و به اصطلاح عامیانه، جو زده نمی شد.

در سال ۱۳۷۷ جمعی که من و هدی هم در آن حضور داشتیم تصمیم به راه اندازی یک نهاد تحقیقی خصوصی گرفت. این تصمیم را با چند نفر دیگر از جمله مرحوم مهندس سبحانی نیز در میان گذاشتیم. در میان هشت عضو موسس آن نهاد که " شرکت پژوهش نواندیش " نام گرفت یک خانم هم حضور داشت که اتفاقاً همو به مدیریت شرکت برگزیده شد و تا سالها امور آن را در دست داشت.

در آن دوران کما بیش ده ساله، فیروزه صابرکه بعد از بیش از دو دهه فعالیت اداری بازنشسته شده بود، در کنار زندگی شخصی و پرداختن به دغدغه های فکری و اجتماعی خود، هم و غم خود را به حل مشکلات اجتماعی معطوف داشت. او با شناختی که از جامعه خویش داشت با پیش گرفتن حیطه ای جدید که در آن دوران هم برای خود او و هم در جامعه ما امر نسبتاً نوبی محسوب می شد، گام در مسیر کارآفرینی گذاشت. در کنار مدیریت در شرکت پژوهش نواندیش، او مستقلاً با قبول و اجرای پروژه های متعدد کارآفرینی در این زمینه مشغول شد. صابر به همین موضوع نیز بسنده نکرد و علاوه بر اجرای پروژه های مزبور با گردآوری زنان کارآفرین و تاسیس انجمن زنان کار آفرین و نیز انجمن زنان مدیر کارآفرین و تالشهایی دیگر در سایر زمینه ها دست زد. آگاهی از تلاش های فیروزه صابر در این چهار دهه که تا حدودی در جریان فعالیت هایش قرار گرفته ام من را به این باور می رساند که او در تلاش است تا به فرمان خداوند در آیه شریفه ای که در صدر مطلب آورده شد عمل کند.

عمل او مصداق آن توصیه های الهی است: سربار دیگران نبودن و استقامت در مسیر خدایی وصبوری در مقابل مشکلات و ستم های زمانه، همچنان که شاهد بودیم در جریان درگذشت جانشوز برادر چگونه مقاوم واستوار حسرت گفتن یک آه را هم بر دل مسببان آن گذاشت.

قرار گرفتن در زمره کسانی که خداوند فرموده است : یامر بالعدل: همان کسانی که یک دم از تلاش برای برطرف کردن ستم وپیداد خاموش نمی شوند ودر تلاش برای حل بنیادین مشکلات مردم و زدودن فقر از دامن مردم جامعه خود هستند همچنان که شاهد بودیم و هستیم با پی گیری کارهای هدی در زاهدان که آنها را به بهترین شکل به ثمر رساند. این روش و این حفظ اصول و مبانی و عمل به اعتقاد نزد فیروزه صابر فقط و تنها در عرصه فعالیت های اجتماعی به چشم نمی خورد، بلکه او به رغم جو زمانه همواره تلاش کرده است تا اعتقادات خود را نه چون بسیاری صرفاً در حیطه حرف و سخن بلکه در عرصه عمل و رفتار و عادات فردی محکم و پایدار حفظ کند.



* فاطمه گوارایی

پاک و زلال؛ بسان آبی آسمان!

برای اولین بار نام او – فیروزه صابر – را زمانی که نیاز به مواجهه با تجربه مدیریت دیوانی داشتیم شنیدم و بعدتر که از نزدیک دیدمش به راستی او را زنی توانمند در عرصه کاری خود یافتم.

فیروزه صابر، فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی از جایی دیگر نتوانست در موقعیت رسمی خود را تعریف کند. پس با استعفاء از موقعیت رسمی دولتی، با دانش و تجربه ای که اندوخته بود به دریای جامعه پا نهاد و تلاش کرد همه آن پتانسیل را برای حوزه مدنی به کار گیرد.

خانه پژوهش نواندیش آغاز فعالیت و تلاش غیر رسمی او بود. از خانه نواندیش تا انجمن زنان کارآفرین در سال ۸۳ و بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان در سال ۸۴ تا دبیرکارگروه اشتغال و کارآفرینی در معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در زمان دوره نخست دولت روحانی و تا امروز که مدیر عامل شبکه ملی موسسات نیکوکاری و ... است، در همه اینها، به دنبال کشف و پرورش و باروری استعدادهای خلاق کارآفرین، ترویج تفکر خلاق، فعالیت مولد، الگو سازی از زنان کارآفرین و در نهایت ظرفیت سازی و شبکه سازی برای همگرایی سازمان های مردم نهاد، فراهم آوردن بستر توانمندسازی زنان از طریق کارآفرینی، آموزش و افزایش مشارکت آنان در سطوح مختلف تصمیم گیری اجتماعی و نیز تلاش و تعامل میان مردم و سازمان های مدنی و نیز نهادهای مدنی و مسئولین از سوی دیگر می باشد و دقیقاً به همین دلیل است که به او لقب مادرکارآفرین را اعطاء کرده اند. به رغم آن که حوزه کار و فعالیت فیروزه، جامعه مدنی و اجتماع است و به رغم آن که او تنها به تلاش برای خلق فرصت برای زنان کارآفرین می اندیشد و تلاش می کند تا توان خود را در خدمت نهادهای که جامعه هدف خود را اقشار محروم از امکانات قرارداده، بگذارد، اما هیچگاه از اعمال محدودیت به دور نبوده است.

البته باید اذعان داشت فیروزه از مجموعه صفات و ویژگی هایی برخوردار است که او را در این رشته از فعالیت ها متمایز و برجسته ساخته است. تخصص و توانایی علمی، جدیت، پشتکار و پیگیری امور، منطقی و اصولی بودن در کار و فعالیت، اهمیت به کار گروهی و جمعی، سلامت اخلاقی و ... از او یک فعال و مدافع سرسخت جامعه مدنی و یک الگوی حرکتی ساخته است. قطعاً دختران و زنان بسیاری در این راه با سرمشق قرار دادن شیوه زیست و فعالیت او در تلاش برای پیمودن راهی هستند که او از جمله آغازگران آن بوده است.

فیروزه جان تولد شصت سالگی ات مبارک !

به امید سالهای پر بارتر برای شما و برای جامعه مدنی جوان و نوپای ایران



فیروزه صابر، کنشگر پروژه‌ی آدمیت

* کمال رضوی

۱. فیروزه صابر نماد انسان فعال تلاشگر پرکار، جمع کننده و میداندار مدنی، مصر بر اخلاق و منش کار حرفه‌ای، تفکیک‌گر ساخت کارشناسی از کنشگری سیاسی، بامرام در روابط بین‌فردی و دلسوز برای جامعه و مردم است. تلاشگر پرکار است، بی وقفه کار می‌کند، از وقت بیشترین بهره را می‌برد و اهل اتلاف و کم‌فروشی در مسئولیت نیست. مظهر همبستگی و تقویت پیوندها در دوران یکه‌تازی اسب تفرّد است. به همکاری نهاده‌ها و افراد می‌اندیشد و برای آن وقت گذاشته و منشاء شکل‌گیری همکاری‌های چندگانه شده است. شبکه ملی موسسات خیریه و نیکوکاری و شبکه کمک با جهد و تلاش او قوام یافت. میداندار پیوند میان گره‌های اجتماعی بوده است. در فعالیت حرفه‌ای برای خود اصول و قواعد اخلاقی دارد و بر آن پایبند است. وفق همین منش کاری است که از درآمیختن ساحت‌های کارشناسی با کنشگری مدنی – سیاسی پرهیز می‌کند و مراقب است که امتزاج کار با سیاست موجب آسیب دیدن هر دو نشود. هر که مراوده‌ی فردی با فیروزه خانم داشته بر مرام و معرفت او صحنه می‌گذارد، اهل تخصیص و کارگشایی است، اگر گرهی به دستش باز شود دریغ نمی‌کند. نگران جامعه و مردم است و یادآور منش پهلوانانه هدی صابر در مواجهه با رنج‌ها و آلام جامعه. در همان روزهای آغازین بحران کرونا، دست‌اندار «کمک» شد تا یاریگر فرودست‌ترین اقشار جامعه باشد و برای پیشبرد این کار، اعتبار به میدان آورد و مجذانه کوشید.

۲. آشنایی من با فیروزه خانم پس از شهادت آقاهدی صابر بود. فقدان هدی صابر اندوه سنگینی برای همه‌ی شاگردان بود. اما حضور فیروزه صابر قوت قلب و تسکین‌دهنده‌ی این رنج بزرگ برای همه‌ی شاگردان بوده و هست. از بسیاری جهات فیروزه صابر یادآور ویژگی‌های منشی هدی صابر است. در جهات بسیاری هم کنشگری متمایز است؛ کنشگری که به تعبیر هدی صابر فعال پروژه‌ی آدمیت ایرانی است. از بی‌امکانی، امکان می‌سازد و در کار پیوند و هم‌افزایی تلاش‌های خرد، برای کارهای بزرگ است. ندای آدمیت‌خواهی هدی صابر و «انسانم آرزوست» او در انسان‌هایی نظیر فیروزه صابر ما به ازای عملی یافته است. این فراز سخن هدی صابر در توضیح تولی‌گری خدا («هُوَیَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ») فراخوان کنشگری فعالانی چون فیروزه صابر است: «ما آدمیت خودمان را از یاد بردیم، از یادمان برده‌اند. آدم خیلی اسم معناداری است. آدم اول، به‌رغم هیبوط، به این کره‌ی ارض آمده تا پروژه اجرا کند. اگر خودتان را ادامه‌ی آدم می‌بینید، اگر باربر کف بازار هستید، اگر می‌خواهید حل مسئله کنید نه صرفاً روشنفکری، اگر می‌خواهید پروژه‌ها و پروژه‌های به کپک فساد رسیده را اصلاح کنید، این کتاب، این نبی، این هم من! من به این اعتبار که شما می‌خواهید اصلاح‌گر روند تحولات و حوادث باشید و انسان‌ها و جوامع را به فطرت آغازین خود بازگردانید و انحراف‌معیارها را رفع کنید، متولی این پروژه خواهم شد.»

۳. جامعه‌ی ایرانی نیازمند انسان‌هایی از جنس فیروزه صابر است. انسان‌هایی که نقطه‌ی پیوند حوزه‌ی مدنی – اجتماعی و حوزه‌ی سیاست‌گذاری باشند. در این مدل کنشگری اجتماعی، امداد به فقرا نفی نمی‌شود، اما اصل، توانمندسازی است؛ مهارت‌آموزی به فرودستان برای خروج از چرخه‌ی فقر. این مدل کنشگری اجتماعی نمی‌تواند نسبت به حوزه‌ی سیاست‌گذاری دولتی بیگانه باشد، با آن درگیر می‌شود، کلنجار می‌رود و تعامل می‌کند تا راهی برای توانمندی جامعه بسازد. در دورانی که اضمحلال سرمایه‌ی سیاسی، پیدایش ائتلاف‌های سیاسی را با بحران مواجه کرده، آفرینش‌گری برای تجمیع نیروهای اجتماعی و ایجاد ائتلاف‌ها و اتحادهای مدنی برای حل بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی، حرکتی بوده است در راستای احیای جامعه و تقویت همبستگی و پرهیز از فروغلتیدن به دام فردگرایی. فیروزه صابر کنشگر این عرصه بوده است و این نقش بزرگی است که ایفای آن نیازمند انباشتی از سرمایه‌ی اجتماعی و تجارب اندوخته‌ی مدنی است. برای فیروزه صابر که الهام‌بخش کوشش و میانداری در مسیر دشوار توسعه‌ی ایران است، آرزوی سلامتی و خستگی‌ناپذیری دارم.



مشارکت اجتماعی در بستر نهادهای مدنی

* فیروزه صابر



جامعه مدنی، مجموع سازمان ها و نهادهایی است که حوزه ای از روابط اجتماعی را با "هویت خودجوش و داوطلبانه و بدون دخالت مستقیم دولت" تشکیل می دهد.

در این بستر مشارکت و اجتماعی شدن افراد جامعه به صورت گروهی ارتقا می یابد. به تعبیری دیگر تمرینی برای جمع گرایی توام با آگاهی و هموارسازی مسیر دموکراسی است.

استنباط مرحوم طالقانی از مسئله شورا که گونه ای از نهادهای مدنی است در همین راستا بود. وی فرمان شورا در قرآن را در کلیه امور اجرایی و برای شخصیت دهی به مردم، احترام گذاری و مشارکت آنان در مسئولیت ها، همنشینی با پیامبر و کمک به عدالت اجتماعی می دانست.

بررسی روند شکل گیری و توسعه سازمان های مردم نهاد نشان می دهد که مسیر تکاملی آنها سه مرحله را دربردارد:

مرحله نخست: تمرکز بر خدمات امدادسانی و کمک به رفاه اجتماعی به صورت مستقیم به نیازمندان و مستمندان

مرحله دوم: شکل گیری نهادهای غیررسمی مستقل محلی و با هدف تامین نیازها و امکانات جوامع محلی ازجمله مساجد، تکایا، هیأت های مذهبی، قهوه خانه ها، صندوق های قرض الحسنه محلی

مرحله سوم: شکل گیری سازمان های رسمی و توسعه نظام های پایدار حول ماموریت و اهداف خاص ازجمله انجمن ها، اتحادیه ها، نظام های صنفی و سازمان های غیردولتی (NGO)

در این مسیر نهادهای مدنی در "حد واسط بین دولت و جامعه" ایفای نقش می کنند و به میزان درک و باور سیاسی و اجتماعی دولت به هویت بخشی نهادهای مدنی در پیشبرد توسعه محلی و ملی و نیز قابلیت و اثربخشی خود، نقش و کارکرد اجتماعی بیشتری پیدا خواهند کرد.

نشانه های این هویت و نقش در تجربه های به جا مانده در زمان ها و مکان های گوناگون و بس متفاوت در فرهنگ ها به خوبی نمایان است:

• در انقلاب مشروطه تشکل های مدنی در کنار نهادهای سنتی

بس تاثیرگذار بودند و حتی زمینه برای شکل گیری نهادهای رسمی را فراهم ساخت به طوری که نخستین اتحادیه کارگری در ایران در سال ۱۲۸۵ شکل گرفت.

• در سال ۱۹۰۹ برای نخستین بار نهادهای اجتماعی در آمریکا بعنوان کنگره ملی برای پیشبرد حقوق سیاه پوستان اعلام حضور کرد و تا امروز نیز از فعال ترین نهادها در عرصه های سیاسی و حقوق مدنی است که شاخص ترین اثر آن لغو برده داری بوده است.

• در سال ۱۹۷۱ در کنیا با کاشت ۷ نهال توسط یک زن افریقایی با سامانی جدید جنبش کمربند سبز پدید آمد و منجر به کاشت سی میلیون درخت توسط زنان افریقایی شد. این حرکت علاوه بر ایجاد اشتغال و درآمدزایی برای خانواده های آنان، موجب افزایش بهره وری خاک و تامین ذخایر آبی شد و نیز سبب شد تا زنان با مشارکت در این جنبش، استقلال بیشتری در زمینه های اجتماعی و اقتصادی کسب کنند.

در ایران با آنکه نهادهای مردمی غیررسمی از دیرباز حضوری وسیع در امور خیرخواهانه و بشردوستانه داشته اند و از دهه هفتاد برخی در قامت رسمی شکل گرفتند اما عمر چندانی از به رسمیت شناسایی آنان در محیط قانونی نمی گذرد، به طوری که آئین نامه اجرایی تاسیس و فعالیت سازمان های غیردولتی در سال ۱۳۸۱ تدوین و در سال ۱۳۸۴ به تصویب رسید. مضاف بر آن تعدد مراکز صدور مجوز تاسیس نهادهای مدنی و رویه و روال های گوناگون نظارتی ضمن نابسامانی در مدیریت اجرای قوانین موجود، فضا را برای ورود به این عرصه محدود می کند.

در عین حال وجود موثر بسیاری از سازمان های مردم نهاد که در سالیان اخیر خوش درخشیده اند می توانند الگوهای موثر و قابل اعتماد و اتکائی برای ترغیب و تشویق علاقمندان به حضور در عرصه فعالیت های اجتماعی داوطلبانه شوند. این سرمایه های اجتماعی علیرغم نگاه های سنگین امنیتی توانسته اند با عزم و پشتکار خود در کاهش بسیاری از معضلات و آسیب های اجتماعی و البته در جوامعی محدود نقش موثری ایفا کنند.

اقبال به نهادهای مدنی با بازشدن روزنه ای کوچک در این دوره جدید، برای جامعه مدنی امیدوارکننده و نویدبخش است و فرصتی است برای توسعه

**اقبال به نهادهای مدنی با
بازشدن روزنه ای کوچک در این
دوره جدید، برای جامعه مدنی
امیدوارکننده و نویدبخش است
و فرصتی است برای توسعه و
تعالی کارآفرینان اجتماعی و ورود
داوطلبانه نهادهای نوپا به
این عرصه**

و تعالی کارآفرینان اجتماعی و ورود داوطلبانه نهادهای نوپا به این عرصه. اما جدیت بخشیدن و هموارسازی این راه سه ضرورت را با خود به همراه دارد:

۱. حرفه ای گرایی سازمان های مردم نهاد ازطریق توسعه ظرفیت های کارشناسی و مدیریتی و توان افزایی در مسیر کسب هویت سازمانی قابل اتکا بعنوان واسط دولت و جامعه

۲. فراهم ساختن بستر قانونی امن برای تثبیت و تحکیم موقعیت اجتماعی سازمان های مردم نهاد از سوی دولت و حذف مداخله مراجع و مراکز غیر مرتبط

۳. انتقال تدریجی بخشی از فعالیت های دولتی به جامعه مدنی و فرصت سازی برای مدیریت مستقل آن فعالیت ها توسط نهادهای مدنی
عنایت به نهادهای مدنی توسط دولت "هم باور می خواهد"، "هم عزم و عمل می طلبد" و "هم رهایی از تصاحب انحصاری امکانات در اختیار".

جاذبه های همگرایی

* فیروزه صابر

بحران ها و شوک های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، فعالان هر حوزه را با شرایطی مواجه می کند که انتظارات پیرامونی از آنان بیشتر و خود نیز متأثر از شرایط، احساس مسئولیت سنگین تری به ویژه در موضع گیری و اثرگذاری می کنند.

در این میان نهادهای مدنی حوزه اجتماعی، شرایط به مراتب دشوارتری در ایران دارند، ازجمله در هم تنیدگی مشکل سیاسی و اجتماعی در برخی موارد و در نتیجه سخت شدن موضع گیری و نگرانی از برچسب های سیاسی، تفاوت دیدگاه و عقیده و سلیقه در اعضای یک نهاد اجتماعی (در نهادهای سیاسی نزدیکی های فکری لزوما بیشتر است)

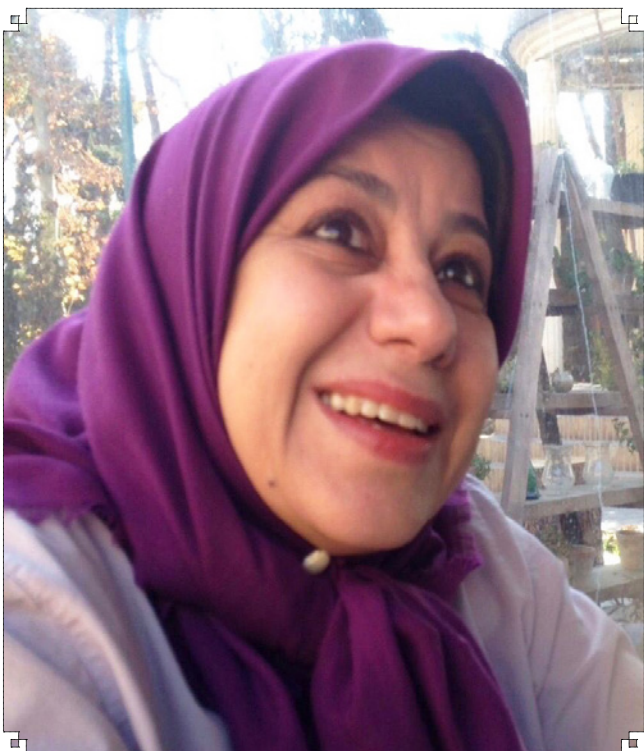
بازدارندگی های ناشی از مشکلات امنیتی ضعیف بودن دانش انباشته نسبت به دو حوزه دیگر

در چنین موقعیتی فعالان اجتماعی به دلایل فوق یا منفعل خواهند بود یا فردی عکس العمل نشان می دهند و یا در مواردی که به ندرت می باشد، به صورت گروهی برای موضع گیری اثر بخش ائتلاف می کنند. در این میان رگه های تناقض هم همواره مشاهده می شود. شرایط هرچه بحرانی تر می شود، صف بندی های جدیدی بین اعضای تشکل ها بر حسب ویژگی های فردی و نیز موارد اشاره شده فوق ایجاد می شود. در حدی که اختلافات موجب بروز شکاف و حتی اهداف و ماموریت سازمانی آن ها فراموش می شود.

تحمل ها اندک و به تدریج فاصله ها بیشتر و با حذف خود و یا حذف دیگری نهادها آسیب پذیر می شوند. شرایط بحرانی امروز ایران، این مهم را تشدید می کند. به همین دلیل «رفتارهای فردگرایانه» و گاها احساسی و بدون پشتوانه اندیشه و دانش و تحلیل و با اتکا به گستره فضاهای ژورنالیستی مجازی و انتظارات حداقلی، رخ نمایان می کند و پس از بروز، حتی با رویکرد مسئولانه و انگیزه های خیر خواهانه، نتایج پایداری ندارد و نه تنها تغییردهنده نیست بلکه زمینه های سرخوردگی و زدگی از جامعه را به دلیل تمرکز بر حلقه فردیت و انتظار تایید همیشگی فراهم می آورد. گرد آمدن در نهاد مدنی با رویکرد اجتماعی به منظور تحقق اهداف و ماموریت مشخصی است؛ قرار نیست اعضا در همه جهات و زمینه های فکری و عقیدتی؛ هم سویی داشته باشند. قرار است که فصل مشترکشان همان اهداف و ماموریت نهادشان باشد.

قرار نیست که همه آرزوها و تمایلات اعضا در یک نهاد اجتماعی جمع شود و قرار نیست که اعضا را آنطور که ما هستیم گزینش کنیم؛ قرار است حول هدف مشترک هرکس را همانطور که هست بپذیریم. در این حالت نگرانی آن است که تشکل های اجتماعی به جای توسعه توانمندی های خویش و کارآمدی با تفرق و انشعاب گسسته شوند. اما آنچه مهم است آن است که اعضا قبل از بحران به هم سوئی خود در مسیر تحقق نهاد مشترک شان اندیشه و عمل کنند. چه بهره مندی از فرصت های هم اندیشی و تولید محتوا و دست یابی به باورهای جمعی کمک خواهد کرد تا در بحران ها نهادهای مدنی هم ظرفیت اثربخشی داشته باشند و هم مردم به اتکای آنان بتوانند مطالبات اجتماعی خود را سامان یافته به دست آورند.

تمرکز و تدقیق جمعی در موضوعات اجتماعی مبتلابه جامعه ایران همچون فقر، فساد (اخلاقی و مالی)، بیبکاری، پدیده های حاشیه نشینی، اعتیاد، کودکان کار، زنان آسیب دیده، سطح پایین رفاه اجتماعی، خدشه دار شدن اعتماد



**بهره مندی از فرصت های هم
اندیشی و تولید محتوا و دست یابی
به باورهای جمعی کمک خواهد
کرد تا در بحران ها نهادهای مدنی
هم ظرفیت اثربخشی داشته باشند
و هم مردم به اتکای آنان بتوانند
مطالبات اجتماعی خود را سامان
یافته به دست آورند**

اجتماعی و سرمایه های اجتماعی، مطالبات حقوق شهروندی از دولت، شفافیت، ساختارهای اجتماعی بازدارنده توسعه اجتماعی و بی کفایتی نظام مدیریتی، موضوعاتی است که سازمان های غیردولتی و تشکل های اجتماعی باید به آن بپردازند. این موارد معلول کم رنگی و بلکه بی رنگی عدالت اجتماعی در جامعه است و این بی عدالتی است که بحران ها را تشدید می کند.

وقت آن است که هم اندیشی ها را با هدف شناخت جمعی، تحلیل جمعی و در پس آن عمل جمعی برای این موضوعات دربابیم. یکی از مهم ترین وظایف سازمان های غیردولتی طرح مطالبات مردم از دولت و نهادهای حاکمیتی است. شکل گیری شبکه ها نیز برای همین منظور است تا با هم سوئی با یکدیگر بتوان قدرت اجتماعی این ضلع توسعه را افزون کرد. وقت آن است که موضوعات را جدی تر بگیریم و با اعتقاد به همگرایی، ظرفیت حضور اجتماعی و اثربخشی تشکل های خود و فراتر از آن شبکه های تخصصی را به طور جمعی ارتقا بخشیم. پس می طلبد که وقت کیفی برای گفت و گوی با هم و عمل مشترک در مسیر رو به پیش بگذاریم. در این حالت در بحران ها صبورانه تر همدیگر را می پذیریم، عمیق تر همدیگر را و شرایط را درک می کنیم، آگاهانه تر با هم توافق می کنیم و بدان پای بند می شویم، انگیزه مندتر و پراحساس تر دست یکدیگر را برای عهد با هم می فشاریم و مدیرانه تر آنها را به عمل مشترک اثر بخش تبدیل می کنیم
یافتن آب به عشق است نه به سعی اما پس از سعی (علی شریعتی)



فیروزه صابر خستگی‌ناپذیر است

*** سید جعفر مرعشی**

رئیس هیئت مدیره بنیاد توسعه کارآفرینی زنان وجوانان



همکاری با سرکار خانم فیروزه صابر به سال های آغازین دهه ۱۳۷۰ در سازمان مدیریت صنعتی برمی گردد. دوره جدیدی با عنوان «مدیریت استراتژیک» با مشارکت استادان ایرانی مقیم داخل و خارج و همچنین استادان خارجی، به صورت شبانه روزی و منفک از کار به مدت ۴ هفته با فشردگی بسیار شکل یافته بود. موفقیت این دوره در گرو تلاش شبانه روزی عوامل پشتیبان آموزش و خستگی ناپذیری، نشاط و جدیت خانم صابر در مسئولیت مجری دوره بود. این تجربه که با موفقیت چشمگیری در سطح جامعه مدیران کسب و کارها و همچنین سازمان های ستادی ملی تداوم یافت، زمینه ساز اقبال به دوره «مدیریت اجرایی» با مجوز شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، فناوری و آموزش عالی، شد.

دوره «مدیریت اجرایی» با پذیرش ۱۲۰ دانشجو که همگی از مدیران بنگاه ها و سازمان ها بودند، نیازمند پشتیبانی شبانه روزی و وقفه ناپذیر مجریان گوناگون این دوره بود که با ایفای نقش محوری مدیر آموزش سازمان همراه بوده و تداوم آن در گرو پیوند معنادار با دانشجویان و استادان بود. خانم فیروزه صابر همچون یک مادر نگران که رضایت فرزندان خود را پی می گیرد، به مسائل دانشجویان و استادان رسیدگی می کردند. این دانشجویان که هرکدام، خود مدیر بنگاه ها و سازمان هایی بودند که بعضی از آنها چند صد و در مواردی چند هزار نفر کارکنان خود را مدیریت می نمودند، بارها بیان می کردند، ما ادبیات مدیریت را در عمل، در مرکز آموزش سازمان مدیریت صنعتی مشاهده می کنیم و در نتیجه باور ما به این آموزه ها افزون می شود.

در تداوم این تلاش ها، خانم صابر به عنوان دانشجوی دوره «مدیریت اجرایی» پذیرفته شدند و پس از طی دروس به هنگام انتخاب «پایان نامه» مرا مورد مشورت قرار دادند. به ایشان پیشنهاد کردم موضوع «کارآفرینی زنان در ایران» را انتخاب نمایند. خوشبختانه با راهنمایی جناب آقای آذرهوش و مشاوره اینجانب، حدود ۲۵ نفر از زنان کارآفرین کشورمان مورد شناسایی و مصاحبه های عمیق قرار گرفتند که بعدها، این پایان نامه به شکل کتاب چاپ شد. به نظر اینجانب، این مطلب، نقطه عطفی در تداوم شخصیت

حرفه ای خانم فیروزه صابر محسوب می شود.

سال های پایانی حضور خانم صابر در سازمان مدیریت صنعتی به عنوان مدیر بخش پژوهش سپری شد. سال ها تجربه مدیریت پشتیبانی آموزش و آشنایی با مسائل مدیران بنگاه ها و سازمان ها و پژوهش در مورد «زنان کارآفرین» ظرفیت شایسته ای را در ایشان برای ایفای نقش مدیر بخش پژوهش فراهم ساخته بود.

پس از این دوران، خانم صابر با برخورداری از تجربه های پیشین فعالیت های پژوهشی خود را با رویکرد جامعه محور ادامه دادند. در اوائل سال های دهه ۸۰، موضوع پرورش مفاهیم و ادبیات کارآفرینی زنان و جوانان در دستور کار قرار گرفت. تعدادی از مدیران بخش خصوصی در حوزه های بنگاه داری و مشاوره مدیریت عهده دار تأسیس نهادهی با عنوان «بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان» به صورت کاملاً غیردولتی و غیرانتفاعی شدند. خانم فیروزه صابر در جمع مؤسسان این بنیاد حضور فعال داشتند و با توجه به تداوم مطالعات و ارتباطات با زنان کارآفرین، پذیرای عضویت هیات مدیره و همچنین مدیرعامل این نهاد شدند.

ما می دانستیم که بنیاد باید در تبیین مفاهیم و موضوعات کارآفرینی زنان و جوانان ایفای نقش نماید. در آن مقطع، ادبیات کارآفرینی به طور عام و کارآفرینی زنان و جوانان به طور خاص در کشورمان مورد توجه قرار نگرفته بود؛ در نظام سیاستگذاری و مدیریت کلان و بخش های اقتصادی کشور این موضوعات بسیار غریب بود. خانم صابر، تلاش وسیعی نمودند که با برپائی جلسات، طوفان فکری با زنان کارآفرین و نوکارآفرینان به یک سلسله دغدغه های مشترک و سرفصل های لازم برای توجه و تمرکز بر آنها دست یابند.

با ایفای نقش مدیرعاملی بنیاد، خانم صابر به صورت شبانه روزی، سه استان کشور را کانون تمرکز خود و همکاران جوان و پرتلاش بنیاد قرار دادند: استان خراسان جنوبی، استان سیستان و بلوچستان و استان خوزستان قلمرو حضور پررنگ بنیاد شدند.

طرح هایی که با نقش آفرینی و پیگیری های ایشان شکل گرفت و هرکدام شالوده ساز ادامه تلاش های بنیاد شد، فراوان هستند؛ از جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- برگزاری نشست های تخصصی فرصت های کسب و کار و کارآفرینی
- نشست های کارآفرینی اجتماعی
- طرح اتاق کارآفرینی مدارس قائن
- طرح توان افزایی زنان سرپرست خانوار با رویکرد خود اشتغالی و کسب و کار در منطقه آزاد اروند (خرمشهر و آبادان)
- طرح توانمندسازی زنان و نوجوانان حاشیه نشین شهر زاهدان
- طرح توسعه محیط کارآفرینی و کسب و کار مولد
- طرح بهبود کیفیت و شناسه تولید زعفران در خراسان جنوبی
- طرح توان افزایی جوانان مستعد سه شهر راور، گلباف و سیرجان در استان کرمان
- طرح توان افزایی زنان سرپرست خانوار با رویکرد خوداشتغالی و کسب و کار ویژه مددجویان خیریه آل یاسین
- طرح توان افزایی جوانان مستعد انجمن نابینایان کرمان
- طرح اتاق کارآفرینی هنرستان دخترانه امام سجاد محمدمشهر کرج
- طرح پژوهشی بررسی راه های جذب و نگهداشت سرمایه انسانی داوطلب در سازمان های مردم نهاد
- طرح توان افزایی زنان سرپرست خانوار با رویکرد خوداشتغالی و کسب وکار ویژه مددجویان بنیاد خیریه آیتی بیرجند
- طرح پژوهشی شناخت مزیت های پایدار و جدید اقتصادی در استان کرمان
- طرح توان افزایی جوانان و فارغ التحصیلان حوزه IT
- گسترش و تقویت نهادهای مدنی و بخش خصوصی بومی با رویکرد توان افزایی در شهرهای آبادان، خرمشهر و زاهدان
- کسب و کار خانوادگی
- طرح پژوهشی شناسایی فرصت ها و مزیت های اقتصادی منطقه آزاد اروند (آبادان و خرمشهر)
- طرح توان افزایی جوانان صاحب ایده آبادان و خرمشهر

- طرح اتاق کارآفرینی هنرستان پسرانه بانو ذکایی یزد
- طرح اتاق کارآفرینی هنرستان های دخترانه بیرجند
- طرح اتاق کارآفرینی هنرستان پسرانه علم و صنعت
- طرح اتاق کارآفرینی مدارس حاشیه نشین زاهدان در ۷ هنرستان
- طرح ترویج کسب و کار و کارآفرینی ویژه جوانان مناطق حاشیه زاهدان
- برگزاری کارگاه های آموزشی برای نهادهای مدنی

به این ترتیب می توان گفت تلاش های شبانه روزی خانم فیروزه صابر و همکاران جوان و پرتلاش ایشان، بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان را قادر نمود، فعالیت های خود را از طریق طرح های پژوهشی، ترویجی، آموزشی و مشاوره ای در پنج حوزه کارآفرینی و کسب و کار خانوادگی، کارآفرینی اجتماعی، نوکارآفرینی، اتاق کارآفرینی مدارس و فرصت های کارآفرینی در سطح کشور به ویژه مناطقی که دسترسی کمتر به منابع دارند، تثبیت نماید. به موازات این تلاش ها، خانم صابر با ایفای نقش در پیدایش، شکل دهی و تداوم حیات دو تشکل ملی به نام های «انجمن زنان مدیر کارآفرین» و «انجمن ملی زنان کارآفرین» و با همکاری دیگر اعضای این انجمن ها، موضوع «کارآفرینی زنان» و «جایگاه زنان کارآفرین» را در سطح ملی برجسته نمود.

تلاش های صورت پذیرفته در بنیاد در این دوران، زمینه کسب مقام مشورتی از سازمان ملل متحد در سال ۱۳۹۳ برای بنیاد فراهم ساخت. این موقعیت به بنیاد این امکان را می داد تا در فعالیت های مرتبط با حوزه تخصصی خود با دفتر سازمان ملل و دیگر اعضای رسمی این شورا همکاری نماید یا مورد مشورت قرار گیرد.

یکی دیگر از برنامه هایی که با پیگیری و تلاش خانم فیروزه صابر در بنیاد دنبال شد، همکاری در پروژه «کارستان» بوده است. در این پروژه که از سوی خانم رخشان بنی اعتماد و آقای مجتبی میرطهماسب به بنیاد پیشنهاد شد، طرح «مجموعه فیلم مستند کارآفرینان» بود. ایشان با همکاران پرتلاش بنیاد، پژوهش های لازم را در مورد تعدادی از زنان و مردان کارآفرین انجام دادند که بتواند دست مایه تولید فیلم های مستند از زندگی کارآفرینان شود. مخاطبین این سلسله فیلم ها به طور عام، عموم افراد از هر صنف و گروه اجتماعی و به طور خاص دانشجویان، فارغ التحصیلان، دانشگاهیان، صاحبان کسب و کار، مدیران، علاقمندان به حوزه های مدیریت و کارآفرینی، تشکل های حرفه ای، پژوهشگران و دانشگاهیان جامعه خودمان، کشورهای منطقه و دیگر کشورها بوده است. این مستندها به قرار زیراند :

- «پنبه تا آتش» در حوزه صنعت
- «طبرستانی ها» در حوزه صنعت
- «پازلی ها» در حوزه استارتآپ ها
- «شاعران زندگی» در حوزه کشاورزی
- «مادر زمین» در حوزه محیط زیست
- «بنیانگذار محک» در حوزه سلامت

دستاوردهای بنیاد با تلاش خانم فیروزه صابر و همکاران بانگیزه و پرتلاش ایشان به تدریج مورد اقبال دستگاه‌های سیاستگذار و اجرایی کشور قرار گرفت. از جمله می توان به طرح «اتاق کارآفرینی مدارس» اشاره کرد که باتوجه سازمان برنامه و بودجه و وزارت آموزش و پرورش در برنامه رسمی آموزش متوسطه کشور قرار گرفت. طرحی که برای آن سال ها وقت صرف شد و پس از اجرای موفق در قائن، بیرجند، کرج تا زاهدان مورد اقبال ملی قرار گرفت. طرحی که به دنبال آن بوده است تا روحیه کارآفرینی و کسب و کار را از نوجوانی در کودکان تقویت نماید.

تداوم تلاش های گذشته، ابعاد جدیدی برای بنیاد به نتیجه رساند. یکی از این تلاش های جدید «دوره های استعدادیابی بنیاد در خرمشهر و آبادان» بود؛ به ثمر نشستن «طرح صد ایده برتر» در این دو شهر که پس از پایان جنگ تحمیلی، کارآفرینان بومی خود را می باید پرورش می داد، نقش اثرگذاری ایفا نمود.

خانم صابر با اتکاء به تجربه های بنیاد و با پشتیبانی جامعه نیکوکاری ابرار، توانست زمینه شکل گیری «شبکه ملی مؤسسات خیریه و نیکوکاری» را فراهم نماید. انگیزه تشکیل این شبکه از دیدگاه خانم صابر این چنین بیان شده بود:



بسیاری از مؤسسات خیریه نیازهای درون سازمانی فراوانی را برای مدیریت کارهای کارشناسی خود با رویکرد کاهش آسیب های اجتماعی دارند، به همین دلیل نیاز به نهادهی در سطح ملی احساس کردیم تا این همگرایی حاصل شود. مأموریت این شبکه، توسعه ظرفیت و توانمندسازی اعضا، ارتقاء سطح تعامل و همکاری بین اعضا و یکپارچه سازی و تثبیت نقش و جایگاه مدنی اعضا است. احیا و توسعه نقش مشورتی دیگر اعضا و دیگر تشکل های مردم نهاد، ارائه مشاوره، پیشنهاد و طرح به ارگان ها و نهادهای در جهت ارتقاء سطح کمی و کیفی تشکل های مردم نهاد، کمک به بهره مندی اعضا از تجارب یکدیگر، کمک در اجرای طرح های توسعه اجتماعی کشور، کمک به ایجاد شفافیت در عملکرد مالی و اجرایی مؤسسات خیریه، نیکوکاری و است.

تلاش ارزشمند دیگری که خانم صابر در بنیاد دنبال نمودند، «توانمندسازی زنان سوزن دوز» در زاهدان که خود به دستاوردهای دیگری در این استان انجامید. یکی از این دستاوردها، تشکیل خانه «هنر، دانش، یاری» با مشارکت افراد بومی در استان سیستان و بلوچستان است. این نهاد با ابتکار خود و مشورت های بنیاد توانست از اقبال محلی برخوردار شود و رأسا تلاش های ارزشمندی را در این استان به ثمر رساند.

خانم صابر با همکاری کارشناسان پرانگیزه بنیاد زمینه « لزوم ارائه تسهیلات برای افراد مستعد مهارت آموخته و نیز تداوم مشاوره ها و نظارت تا شکوفایی و خودکفایی طرح های کسب و کار» را دنبال نمودند. در این زمینه انعقاد تفاهم نامه با « صندوق کارآفرینی امید » به منظور حمایت از طرح های جوانان آبادان و خرمشهر بود.

از جمله تلاش های دیگر ایشان، برگزاری «تورهای آموزشی و بازدید از کسب و کارها» برای حضور جوانان که از نزدیک با چالش ها و مراحل ایجاد کسب و کار آشنا شوند. این تورها، کمک به ابهام زدائی و همچنین کسب روحیه برای جوانان و نوکارآفرینان بوده است. بازدید از کارگاه های تولیدی، کارخانه ها، کسب و کارهای ایجاد شده توسط جوانان، مجموعه های گردشگری و فروشگاه های معتبر بوده است.

تلاش برای توسعه همکاری بین المللی از دیگر موضوعاتی بوده است که مورد توجه ایشان قرار داشت. تفاهم نامه همکاری میان بنیاد و مرکز آموزش و پژوهش زنان عرب (کوثر) در تونس از جمله مواردی است که می توان برشمرد.

طرح «ترویج و توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای سبز» ویژه دختران فارغ التحصیل دانشگاهی در استان لرستان با هدف کمک به ایجاد و توسعه کسب و کارهای سبز با رویکرد اشتغال زائی و توسعه بازار محصولات سبز، کمک به پایداری و ثبات جامعه هدف در جهت ترویج و اشاعه فرهنگ محافظت از محیط زیست و کمک به توسعه ظرفیت سازمان های مردم نهاد سبز در اجرای طرح های مشابه تدوین شده بود و زمینه اجرایی یافت. « توان افزایی سازمان های مردم نهاد با رویکرد کسب و کار و کارآفرینی» از جمله تلاش های دیگر بنیاد با پیگیری جدی ایشان بود. این طرح با هدف ارائه خدمات آموزشی و مشاوره به نمایندگان دو سازمان مردم نهاد از ۳۱ استان کشور به اجرا در آمد.

از دیگر فعالیت های ایشان در بنیاد، تلاش جهت بهبود محیط قانونی کسب و کار و کارآفرینی زنان، انجام طرح مطالعاتی «عوامل قانونی مؤثر در ایجاد و توسعه کارآفرینی و اشتغال زنان در ایران» بود.

تلاش های خانم صابر و همکاران پرانگیزه ایشان، زمینه های موفقیت دیگری را برای بنیاد فراهم ساخت:

«انجمن ترویج علم ایران» جایزه «ترویج علم» را به بنیاد اهداء نمود. هیأت داوران به دلیل «انجام فعالیت های ترویجی، علمی، مدنی و آموزشی در زمینه توسعه و ترویج تفکر خلاق در جامعه و همچنین ایجاد و تقویت فعالیت های مولد میان زنان و جوانان و ترویج دانش کارآفرینی میان عموم مردم» این جایزه را در سال ۱۳۹۶ به بنیاد هدیه کرد.

ناگفته های بسیار بیشتر از گفته هاست. بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان در پیدایش، شکل گیری، تداوم و بالندگی مرهون روحیه پرتلاش و بانگیزه و خستگی ناپذیر خانم فیروزه صابر است. برای ایشان، سلامت، پایداری و خدمات ارزنده تر به کشورمان آرزو می کنیم.



از او آموختم چور دیگر باید دید...

* ندا شمس



فیروزه صابر را اولین بار خرداد ماه ۱۳۸۸ در دفتر نواندیش دیدم، در اولین دیدار انرژی زیاد و برخورد صمیمانه اش نظرم را جلب کرد. به مرور که آشنایی مان عمیق تر شد خستگی ناپذیری و اراده در به انجام رسیدن کار از دیگر ویژگی هایی بود که در او دریافتم. با هم به زاهدان سفر کردیم و سال هاست با هم به سیستان و بلوچستان سفر می کنیم، در هر سفر بیشتر از او آموختم و رفتار و منش اش با جامعه محلی همیشه برایم الگو بوده و هست. وقتی مسئولیت پروژه آموزش مهارت های پایه زاهدان به جبر روزگار به وی واگذار شد با مدیریت دقیق و هوشمندانه خود امانتی را که در دست داشت به بهترین شکل پیش برد و هر دوشنبه گزارش پیشرفت کار را به هدی ارائه می داد.

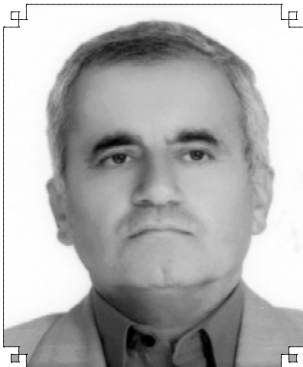
خرداد تلخ ۱۳۹۰ نظاره گر فیروزه صابر بودم، یک تنه پای عهد با برادرش ایستاد و علیرغم داغی که بر دل داشت از پا ننشست و ادامه داد و برای دادخواهی ظلمی که بر برادر رفته بود تصمیم به سرانجام رساندن یادگارهایش گرفت و به گونه ای متفاوت عمل کرد. وفای به عهد، انسان دوستی و احساس مسئولیت او، هم برای برادر بود و هم برای جامعه محلی ای که برسر قرار آمده بودند. بی وقفه تلاش کرد برای به ثمر نشاندن مسیر آغاز شده در زاهدان، برای فیروزه صابر عهد، تقدس دارد چه این عهد با برادر باشد چه با زن بلوچی در حاشیه شهر زاهدان، انسان بودن مهم است باید سر عهد ایستاد و انسان گونه و با رعایت انصاف با همه رفتار کرد.

در کنار فیروزه صابر هر روز و هر لحظه درس است باید آموخت و با جان و دل فهمید. به یاد دارم شب های زاهدان را که خسته از کار روزانه به هتل برمی گشتیم و فیروزه گویی جانی دیگر در کالبد دارد، آماده پیاده روی شبانه می شد و من باز فقط نظاره گر بودم که این انرژی از کجا می آید و تنها جوابی که برای آن یافتم "ایمان درونی به کیفیت بودن" بود.

فیروزه صابر با تاکید بر توانایی های زنان در حاشیه ترین حاشیه ها، با تاکید به جامعه محلی برای باور توانایی های خود، با تاکید بر هم افزایی در گروه، با تاکید بر پایدار شدن فعالیت های جمعی، اثری پایدار در توسعه جامعه محلی برجای گذاشت. باورهای وی درونی شده است و فقط نسخه ای برای دیگری نیست، عملکرد اوست که باورهایش را باورپذیرتر می کند و من تا همیشه از او خواهم آموخت. امروز در آستانه ۶۰سالگی اش پای عهدی دیگر در میان است، عهدی که با خود داشته و به تعبیر خودش، "پایبندی انسان به عهدی که با خودش داشته سخت تر است"، زادروزش خجسته و ورودش به فصل جدید زندگی میمون و مبارک و عمرش دراز و پرثمر باد.

فیروزه، فیروزه است

* نجمی هاشمی فشارکی



قدمت آشنائی من با خانواده صابر بیش از ۵۰ سال است، ابتدا با برادر بزرگتر (هادی) سپس برادر دوم (مهدی خدابامرز) و نهایتا هدی، که به خاطر اختلاف سن در اوایل انقلاب کمتر همدیگر را می دیدیم و سال های قبل از زندان و بخصوص در دورانی که مرحوم مهندس عزت اله سجابی سرحال و فعال بود این دیدارها بیشتر بود و مطمئنا در این مدت کم و بیش خارج از جلسات اداری و رسمی دیدارهای خانوادگی و فامیلی داشته ایم و به همین دلیل می توانم به جزئیات دلایل ارادتم را به این خانواده محترم بگویم که مجال دیگری می خواهد. آشنائی اصلی با فیروزه خانم به یک دوره مدیریت عالی استراتژیک (فکر کنم دوره ششم و اولین دوره به زبان انگلیسی بود) برمی گردد که در سال ۱۳۷۱ در زیباکنار گیلان بود و ایشان سرپرستی دوره را داشتند و بیش از صد نفر معاون وزیر، سردار، مدیرکل و حداقل مدیرعامل شرکت ها و تعداد زیادی استاد ایرانی و استاد خارجی طی چند هفته در کنار هم بصورت شبانه روزی به مفهوم واقعی توسط ایشان (به نمایندگی سازمان مدیریت صنعتی) اداره شدند که مفهوم مدیریت در رابطه با این گروه که هر یک ساز خودش را می زد و از لحاظ ادعا هم نگو و نهپرس! طی حداقل این مدت بخوبی نمایان بود. یکی دیگر از زمان هایی که پختگی، صبوری و مدیریت ایشان را دیدم در زمان تلخ از دست دادن هدی بود چه ظهر آن روز در بیمارستان مدرس و غروب در منزل

یکی دیگر از زمان هایی که پختگی،
صبوری و مدیریت ایشان را دیدم
در زمان تلخ از دست دادن هدی
بود چه ظهر آن روز در بیمارستان
مدرس و غروب در منزل و بعدا
بهشت زهرا و مسجد اعظم قلهک
که در اوج ناراحتی می بایستی از
تنش و هیجان حاضرین و بخصوص
دو پسر هدی مراقبت می کرد

و بعداً بهشت زهرا و مسجد اعظم قلهک که در اوج ناراحتی می بایستی از تنش و هیجان حاضرین و بخصوص دو پسر هدی مراقبت می کرد، آن رابطه ای که بین فیروزه و هدی بود نمی بایستی مجال رفتاری جز عزاداری و ذکر مصیبت باشد ولی من دیدم آن ایام چگونه مدیریت شد و از به وجود آمدن مشکلات بیشتر جلوگیری شد.

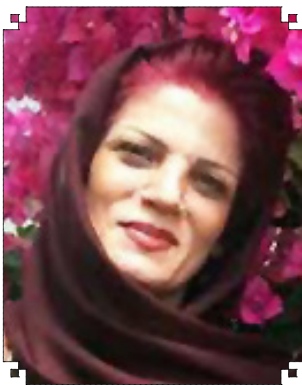
طولانی ترین دوران همکاری ما بر می گردد به "بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان" که تقریباً از ابتدا در خدمتشان بوده ام و سعی کرده ام در این دوران طولانی اگر کاری از دستم بر می آید انجام دهم، در تمامی این مدت شاهدیم که واقعا از جان و مال خود دریغ ندارد و تمامی ناملایمات و کج اندیشی ها را می پذیرد، تحمل و سعی در رفع آن دارد شاید در این راستا تعدادی زن سرپرست خانواده حاشیه نشین شهرهای سیستان و بلوچستان (بخصوص از طریق خانه های هدی)، جوانان خرمشهر و قائن و ... و نوجوانان شهر ری و گوشه این مملکت بهره ای ببرد که این فکر و روش کار قابل احترام و تقدیر است، خداوند توان و قدرت همیشگی ایشان را حفظ کند و کاری کند که ما هم در خدمتش باشیم.



برای کسی که مدیر، استاد و رفیق است

* ساناز قربانی

شاید این جمله کلیشه ای باشد اما حق مطلب در رابطه با حس شخصی من نسبت به خانم صابر را ادا می کند: "نوشتن و گفتن از خانم صابر که هم برای من مدیری مقتدر بوده هم رفیقی شفیق و هم استادی دلسوز سخت است"



بانویی که از ایشان بسیار آموختم و خواهم آموخت

* خدیجه یارعلی

کارآفرین استان خوزستان و مسئول کارگروه کارآفرینی اجتماعی
انجمن زنان کارآفرین

آشنایی من با خانم صابر تقریباً نزدیک به دو دهه پیش برمی گردد، و اولین ملاقات من با ایشان همراه با نگاهی دوستانه، مشتاق و لبخندی که هنوز هم همان طعم و معنا را برای من دارد بود. از ویژگی های بارز خانم صابر این است که جریان ساز و تحول سازند، خوب موج ایجاد می کنند و برای نهادینه کردن جریان های ایجاد شده خوب مدیریت و رهبری می کنند، با تمام وجود سعی می کنند تا با پیشنهادهای فکر شده سودآور دوطرفه در یکدیگر حال خوب ایجاد کنند و سرعت ایجاد روابط متقابل را بیشتر و بیشتر کنند. گفتن و تفکر سازنده، مسئولیت پذیری، تعهد، باور به مشارکت در خانم صابر نهادینه شده و این نکته ایست که در نگاه اول هر

به عنوان یکی از کارشناسان مجموعه ای که خانم صابر سال ها مدیر عامل آن بوده تجربیات متفاوتی را با او پشت سر گذاشتیم؛ در جلسات کاری خیلی جدی موضوعی را به من متذکر شده است، در پیاده روی های دوستانه از حال و احوال شخصی ام پرسیده است و در سالن انتظار فرودگاه برای رفتن به یک ماموریت کاری از خاطراتش برابم گفته است. گاهی برای او "ساناز عزیز" هستم مواقعی که قرار است کارم را نقد کند، گاهی "ساناز خانم" هستم مواقعی که می خواهد با من شوخی کند و گاهی "سانازجان" هستم مواقعی که می خواهد موضوع جدی را مطرح کند و همه این پسوندها پشت اسمم سال هاست که همچون اسم رمز مرا برای رویارویی با خانم صابر آماده می کند. روزهایی که مثل کلاف سردرگم هستم همچون مادری که حال فرزندش را متوجه می شود و نگرانش است و در عین حال نمی خواهد لوسش کند محکم به پشتم می زند، بازوهایم را فشار می دهد و با نگاهی می گوید ساناز خانم قوی باش و من با درد شیرینی که از ضربه دست های خانم صابر به پشتم می ریزد رو به راه می شوم این ضربه به من یادآوری می کند ما با هم دوستیم. از وقتی کارم را با خانم صابر شروع کرده ام و خانم صابر را شناخته ام در دو زمان خاص بیش از همیشه یادش کرده ام یکی لحظه تحویل سال وقتی حرف از حول حالنا الی احسن حال است که خانم صابر مصداق عینی احسن حال برای من است و دیگری اولین افطار ماه رمضان آنجا که نوای ربناي استاد شجریان پخش می شود و استاد می خواند رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أَقْدَامُنَا که خانم صابر یکی از ثابت قدم ترین انسان هایی که من در طول زندگی خود دیده ام و در پایان این شعر شفيعی کدکنی شاید بهتر بتواند حس من را توصیف کند و نیاز به زیاده گویی نیست.

می شناسمت. چشم های تو میزبان آفتاب صبح سبز باغ هاست
می شناسمت....

مخاطبی را به خود جذب می کند، به جرات می توان گفت خانم صابر یکی از زنان تاثیرگذار در تاریخ معاصر ایران هستند و همچون نامشان (فیروزه) می درخشند.

در مسیر حرفه ای و پروژه های توانمندسازی و توسعه کارآفرینی زنان و جوانان، توسعه جامعه محلی در استانهای مختلف افتخار همراهی با خانم صابر را داشتم و ایشان در فرآیند توسعه به ظرفیت سازی نهادهی محلی و منطقه ای باور و اصرار دارند. دو پروژه توانمندسازی دو شهر آبادان و خرمشهر از سال ۸۶ تاکنون شاهد تلاش های بی وقفه خانم صابر بودم، با عشق و امید و هدفمند گام برمی دارند و از زمان حضور در منطقه نهایت استفاده را برای راهبری فرآیند کار و همچنین تعامل و شبکه سازی نهادهی و بهره گیری از ظرفیت هایی در بخش دولتی، خصوصی و نهادهی برای ایجاد تغییر و تحول در منطقه بکار می بردند.

روحیه کار مشارکتی، تیم سازی و کارگروهي و اخلاق مداری از دیگر ویژگی های شاخص ایشان است، در کنار خانم صابر شوق و انگیزه یادگیری و تعامل در مخاطب دیده می شود. در دو شهر آبادان و خرمشهر حضور ایشان باعث دلگرمی و مشوقی برای ادامه راه و روح زیستن بود.

خانم صابر دقیقاً یک الگوی شخصیتی و حرفه ای در مسیر کارآفرینی زنان هستند. در پروژه های توسعه ای و توانمندسازی بیشتر تمرکز ایشان بر خروجی کار بوده و نتیجه محور می باشند. به دور از هرگونه هیجان کاذب و شواف، در پروژه ها و فعالیت هایی که با مدیریت خانم صابر هدایت می شود به جامعه هدف و توانمندی های جامعه محلی احترام گذاشته می شود و این نگاه و رویکرد باعث ایجاد روحیه مشارکت و شوق همکاری در بین تیم و گروه کاری می گردد. نگاه تحلیلی ایشان به مسائل پیرامون حوزه کارآفرینی زنان و جوانان همواره راهگشا و تاثیرگذار است.

خیلی وقتها برای داشتن انرژی مضاعف و انگیزه حرکت مجدد ذوق دیدار و گفتگو با خانم صابر در من جوشان می شود. بعنوان یک پایگاه مشورتی و تکیه گاه فکری می توان به ایشان اطمینان کرد. خیلی از ناملایمات و بی مهری ها در مسیر فعالیت اجتماعی و اقتصادی را می توان بدون دغدغه مطرح نمود و همیشه با استقبال گرم ایشان همراه خواهی بود.

در کنار خانم صابر، زنانگی و زن بودن می شود افتخار هر زنی و من آن زن هستم.



نقش فیروزه صابر در توان افزائی زنان در خرمشهر و آبادان

گزارش

* سازان قربانی

توانمندسازی و آموزش مهارت های کارآفرینی و کسب و کار در آبادان و خرمشهر
• تهیه بانک اطلاعاتی کارآفرینان و صاحبان کسب و کار در شهرهای آبادان و خرمشهر
و حدود ۳ سال به صورت مستمر و پس از آن در موارد نیاز در خرمشهر و آبادان حضور پیدا کرد.
در مدت حضور بنیاد در این دو شهر به کمک نیروهای بومی دلسوز، موسسه بهار خرمشهر و همراهی منطقه آزاد اروند اتفاقات مثبتی رقم خورد از جمله:
-تشکیل شبکه ای از فعالان بومی و جوانان توانمند خرمشهر و آبادان
-تغییر رویکرد موسسه بهار خرمشهر به عنوان موسسه بومی همراه از صرفا حمایتی به سمت توان افزائی
-کمک به ایجاد و توسعه بیش از ۱۵ کسب و کار جوانان در این دو شهر و اشتغال زائی برای بیش از ۵۰ نفر در این دو شهر
-کمک به برپایی نمایشگاه های محلی و ملی برای تولیدات زنان سرپرست خانوار

-برگزاری دوره آموزشی توانمندسازی نهادهای مدنی خرمشهر و آبادان یکی از طرح های این پروژه طرح توان افزائی زنان سرپرست خانوار با رویکرد خویش فرمائی بود که با ایده ها و مدیریت خانم صابر به صورت متفاوت و تاثیرگذار پیش رفت از جمله نکاتی که خانم صابر در این طرح بر آن تاکید داشت می توان موارد زیر را بر شمارد:

-تاکید بر رویکرد ایجاد کسب و کارهای هر چند خرد و خانگی توسط زنان سرپرست خانوار به جای رویکرد اشتغال زایی صرف توسط موسسات
-تاکید بر رویکرد مدیریت همزمان خانواده و کسب و کار
-تاکید روی ابعاد مختلف توان افزائی از جمله توان افزائی اقتصادی و اجتماعی زنان
-تاکید بر رویکرد توسعه مهارت های فردی در کنار مهارت های اجتماعی و کسب و کار
-ایجاد شبکه بین نهادهای دولتی، مدنی و خصوصی جامعه بومی جهت



حمایت از زنان سرپرست خانوار
-تاکید بر نیاز سنجی از زنان سرپرست خانوار طی نشست ها و مصاحبه ها فردی با این زنان
-پرهیز از رویکرد حمایت محور صرف به سمت قدرتمندسازی زنان لازم به ذکر است یکی از اتفاق های مهمی که به دلیل حساسیت های حرفه ای خانم صابر در این دو شهر اتفاق افتاد نهادینه سازی فعالیت های توان افزائی بود. خانم صابر معتقد بودند بنیاد برای همیشه نمی تواند در خرمشهر و آبادان بماند، باید با توانمند کردن نیروهای محلی فعالیت های توان افزائی به خصوص با رویکرد کسب و کار و کارآفرینی را نهادینه کند تا توسط خود نیروهای بومی پیگیری و اجرا شود.



برخوردی سازنده

درس آموزه های یکی از تسهیلگران طرح توان افزائی زنان سرپرست خانوار از همکاری با فیروزه صابر

به همراه تیم بنیاد و موسسه بهار خرمشهر به مناسبت عید فطر نمایشگاهی از توانمندی زنان سرپرست خانوار خرمشهر و آبادان ترتیب داده شد. قرار بود یکی از غرفه ها به یکی از زنان روستایی تعلق بگیرد که با تنور خود نان های خوشمزه محلی و عربی می پخت، روز نمایشگاه و چند ساعت مانده به برگزاری نمایشگاه وی با چند تا نان پخته آمد و گفت که برایش سخت است که با تنور در نمایشگاه حضور پیدا کند. خانم صابر با جدیت تمام با حضور وی در نمایشگاه مخالفت کرد و گفت او باید همانطور که قول داده با تنورش در نمایشگاه حضور پیدا کند زن پافشاری می کرد که نمی تواند و خانم صابر اصرار هم می کرد می تواند برای مشکلش که آوردن تنور گازی سیار است راه حلی پیدا کند تسهیلگران طرح به خانم صابر اصرار کردند که سختگیری نکنند و اجازه بدهد او با نان های آماده خود در نمایشگاه شرکت کند اما خانم صابر همچنان مخالفت می کرد و همه اطرافیان دلایل این همه مخالفت را نمی فهمیدند بالاخره با چاره اندیشی و انتی پیدا شد و زن توانست تنور خود را از روستا به محل نمایشگاه بیاورد و به قول معروف تنورش را آتش کند و دیری نگذشت که بوی نان در تمام محوطه پیچید غرفه این خانم یکی از پر بازدیدترین غرفه ها در تمام روزهای نمایشگاه بود و بیشترین فروش نیز متعلق به وی بود حتی در پایان نمایشگاه هم بنا بر رای مردمی بهترین غرفه شناخته شد در واقع پخت نان تازه سر تنور شور خاصی را به نمایشگاه بخشید . خانم صابر نکات درس آموز چندی را داشت:

- می توان برای هر مشکل و مساله ای راه حلی پیدا کرد
- باید سر قول و قرارها ایستاد

و از همه مهم تر در طرح های توسعه ای باید به عنوان تسهیل گر از احساساتی شدن و ترجم کردن به جامعه هدف پرهیز کرد و به سمت رویکرد توان افزائی و عاملیت بخشی به جامعه محلی پیش رفت.



مصاحبه با فاطمه جهان آرا
عضو هیات مدیره موسسه بهار خرمشهر

درخت هرچه بارش بیش سرخمش بیش



خانم فاطمه جهان آرا از فعالان شهر خرمشهر و از اعضای موسسه بهار خرمشهر است. موسسه بهار همواره در کنار بنیاد برای انجام طرح های توان افزائی بوده است به همین دلیل سراغ خانم جهان آرا رفتیم تا از تجربه همکاریشان با خانم فیروزه صابر بپرسیم.

-نحوه آشنایتون با بنیاد چگونه بود و اینکه چه شد که پروژه توان افزائی زنان و جوانان خرمشهر و آبادان را به خانم صابر و مجموعه ایشان سپردید؟

نحوه آشنایی من و مجموعه بهار خرمشهر با خانم صابر به سال ۸۴-۸۵ برمی گردد که خانم زمانی مدیر عامل موسسه بهار خرمشهر، خانم صابر و موسسه نو اندیش را که خانم صابر عضو هیات مدیره آن بود را به ما معرفی کردند بعدها خانم صابر بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان را تاسیس کردند، این بنیاد در کار کارآفرینی در مناطق سیستان و بلوچستان موفق بودند و بنابراین از ایشان و بنیادشان دعوت شد تا در خرمشهر هم کارآفرینی را در میان زنان سرپرست خانواده و گروه های مختلف سنی پیاده کنند. توانایی ایشان و بنیاد تحت نظرشان و بازخورد کارشان در مناطق دیگر موجب شد که به ایشان اعتماد کرده و کار کارآفرینی در خرمشهر و آبادان را به ایشان بسپاریم.

- دستاوردهای پروژه چه بوده است و خانم صابر چه نقشی در این دستاوردها داشتند؟

خرمشهر با توجه به شرایط خاصی که دارد راه اندازی کارآفرینی در آن پروسه بسیار سختی بوده وهست ولی خانم صابر عزیز و تیمشان با صبر و حوصله زیاد توانستند موفقیت هایی کسب کنند.

خانم صابر شخصی بسیار متواضع و با شخصیت است،درخت هر چه بارش بیش سرخمش بیش، خانم صابر عزیز و مهربان هر چه علم و دانششان بیشتر می شود تواضع و فروتنیشان بیشتر می شود. به معنی واقعی فامیلشان صابر و صبور هستند خدای مهربانم ایشان را برای جامعه زنان ایران و مردم مظلوم ایران نگهدار باشد.



زنی که دوست داشتم در آینده بشوم

*زهرا امرانی



خیلی جوان بودم، سال های آخر کارشناسی کامپیوتر، تصمیم گرفته بودم کار کنم و در پنج یا شش مدرسه دخترانه زبان در نقاط مختلف شهر تدریس می کردم. این استقلال را دوست داشتم و به آینده شغلی و مسیر پیش رو فکر می کردم.

احتمالا بعد از دانشگاه، در یکی از شرکت های نرم افزاری مشغول به کار می شدم و یا این که ادامه تحصیل می دادم. در آن سن، با چالش های زیادی رو به رو هستم.

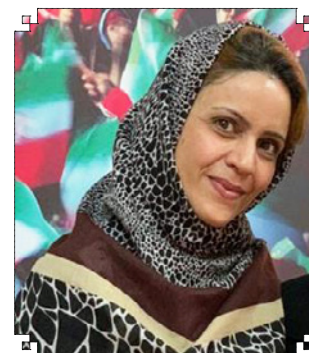
یک روز در مسیر کلاس، یک تماس تلفنی داشتم و دوستی که شرکت بزرگی داشت به فردی برای پشتیبانی از شبکه کامپیوتری اش نیاز داشت و می خواستند ببیند من آمادگی این کار را دارم. پیشنهادش با مسیری که برای خودم ترسیم کرده بودم متفاوت بود، اما پیشنهاد موقت بود، مسئول فعلی به دلایلی برای چند ماه گرفتار بود و آنها در این مدت به دنبال یک فرد جایگزین بودند. فکر کردم بد هم نیست، تجربه یک کار ثابت، صبح ها می روم شرکت و عصرها تدریس، تا پایان نامه تمام شود و به طور جدی به دنبال کار بگردم. و من بی خبر که به همین سادگی، مسیر زندگی حرفه ای ام رقم خورد.

بی خبر که این محدودیت های حاصل از زندگی در خاورمیانه، برای من چه فرصت درخشانی را رقم زده است. آن روزها، فیروزه صابر به تازگی یک شرکت مشاوره مدیریت به نام «خانه پژوهش نواندیش» را تأسیس کرده بود. آنها در حال اجرای طرح بزرگی در خصوص کارآفرینی زنان در ایران بودند. ساختمانی که دفتر نواندیش در آن واقع بود، پلمپ شده بود. فیروزه و همکارانش به اجبار ساکن دو اتاق از ساختمانی شدند که من کار پشتیبانی شبکه کامپیوتری اش را پذیرفته بودم. هر بار وارد اتاق های آنها می شدم، انگار به خانه رفته ام. محیطی صمیمی و دوستانه، افرادی خندان و حرفه ای که در حال اجرای یک طرح ملی بودند. نقشه ایران به دیوار بود، و تاریخ سفرها و قرارها را روی آن علامت می زدند. جلوی نقشه می ایستادم تا ببینم، این گروه کوچک دوست داشتنی، چه طرح های جدیدی در سر دارند. معاشرت های من به این اتاق کم کم بیشتر و بیشتر شد، فیروزه برای من الگوی زنی بود که دوست داشتم در آینده بشوم. مدیری توانمند و حرفه ای، مصمم و قوی که «نمی شود» برایش معنا نداشت. جذابیت شخصیت و رفتارش به قدری بود که بعد از مدتی من ساکن همیشگی آن خانه پر انرژی و شور شدم. با دیدن فیروزه، لازم نبود به مسیر حرفه ای ام فکر کنم، او نه تنها مسیر را ترسیم کرده بود، بلکه مدام راه را برای حرکت و رشد ما که کنارش بودیم هموار می کرد. هنوز هم همین کار را می کند.

در تمام این سال ها، بارها مرا با ظرفیت هایش بهت زده کرده است. آموختن

از او تمامی ندارد و این لذت مسیر را دوچندان می کند. آن زن قدرتمند که هر روز از شهری به شهر دیگر سفر می کرد و در کارگاه هایش از کارآفرینی و استقلال اقتصادی سخن می گفت و با سخنانش زنان را به وجد می آورد، حالا در آستانه شصت سالگی است. حالا هستند زنانی در جای جای ایران که فیروزه را به نام می شناسند، که آنها هم چون من حتما بارها فیروزه را تحسین کرده اند و متاثر از او سعی کرده اند آدم های بهتری باشند. آدم هایی بهتر برای خود و جامعه کوچکشان باشند.

می گویند تأثیرات اجتماعی طولانی مدت است و به زمان نیاز دارد. حالا دیگر زمانش رسیده که به برق چشمان زنان محلی شیرآباد، زنان خرمشهر و آبادان و بیرجند و چابهار، نگاه کنیم و بگوییم فیروزه، آرام و بی صدا گل کاشته است. حالا دختران جوان و زنانی را می بینی که فیروزه نه تنها الهام بخش که مشوقشان بوده است. برایشان وقت گذاشته، دستشان را گرفته و کمک کرده از جا برخیزند و یک مسیر حرفه ای برای خود رقم بزنند. من بخت، یار بودم که سال های زیادی را در کنار او بگذرانم، در موقعیت های مختلف، سخت و هموار، نظاره اش کنم، برای من در یک جمله فیروزه صابر، مصداق «اراده» است. بارها با او تجربه کرده ام که اگر بخواهی هر در بسته ای باز می شود و هر ناممکنی ممکن می شود.



مدیون محبت هایش هستم

*مهناز بهرامی

از من خواسته شده در مورد خانم صابر یادداشت کوتاهی بنویسم. هیچوقت انشای خوبی نداشتم! از دوران مدرسه نمره انشایم را با توجه به نمره های دیگرم که خوب بودند خوب می دادم که معلمم بخاطر یک درس انشا خیلی تغییر نکند!

حالا من در مورد خانم صابر عزیزم واقعا نمیدانم چه بنویسم؟ چگونه در چند خط بتوانم خوبی ها و اخلاق و رفتار و منش و انسانیت و صبر و استقامت و هزاران صفت خوبی که ایشون دارن رو بیان کنم؟

من از سال ۸۵ که برای مصاحبه پیش ایشون رفتم، با توجه به نداشتن تجربه کار، اصلا فکر نمی کردم مرا بپذیرند ولی چند روز بعد از مصاحبه با من تماس گرفته شد و بعنوان مسئول دفتر انجمن زنان کارآفرین و بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان پذیرفته شدم و با مدیریت خانم صابر کارم رو شروع کردم و طی مدت قریب به ۱۵ سال همکاری، همیشه و همیشه و همیشه ازشون یاد گرفتم. شاید بعضی وقت ها در مورد اشتباه انجام دادن کاری (بعلت نداشتن تجربه) به من گوشزد کرده باشند و شاید حتی اون لحظه ازشون دلگیر شده باشم ولی در اون مورد خاص و حتی مشا بهش، قطعاً اون اشتباه دوباره تکرار نشده ولی بارها هم برای خوب انجام دادن کاری یک باریکالی قشنگی بهم گفتن که واقعا برایم دلنشین و دلگرم کننده بوده و اشتیاقم رو برای بهتر و بهتر انجام دادن کار بیشتر کرده و هر کدوم از اون گوشدها و باریکالها برام تجربه شده و همچنان این تجربه ها و یادگیری ها ادامه دارد.

خانم صابر علاوه بر اینکه مدیر من بودند همیشه مثل یک خواهر بزرگتر یا بهتر بگم یک دوست مهربان مرا راهنمایی و از من حمایت کرده اند و من همیشه ایشون رو مدیر خودم و خودم رو مدیون محبت هاشون میدانم. من درمورد بیشتر مسائل زندگی (هم کاری و هم شخصی) با ایشون مشورت می کنم و از راهنمایی های ارزشمندشون استفاده کرده و می کنم. خیلی دوششون دارم خودشون هم میدونن و همیشه احترام خاصی براشون قائلم. امیدوارم که همیشه سلامت و پایدار باشند.

نوشتن از کسی که از او بسیار آموخته ای ...

*ناصر نوربخش

قرار شد از فیروزه صابر بنویسم، سخت بود نوشتن از فردی که از او بسیار آموخته ای اما نمی توانی بنویسی. من «تجربه زیسته ی حرفه ای» یا او داشته ام و سال ها در «بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان» «هم زیستی کاری» داشته ایم، آموخته های تجربه زیسته جنسش این است که بسیار می آموزی و این آموختن ها با روش «آموزش غیررسمی» منتقل می شود به گونه ای که بعدها به سختی می توانی به خاطر آوری که منشا این آموزش که و کجا بوده است. آموزش هایی که گاه به ناخودآگاه من منتقل شده و بر «رفتار حرفه ای» من اثر می گذارد و در آنجایی که آن رفتار حرفه ای را انجام می دهم و از «حرفه ای» و «کیفی بودن» رفتارم لذت می برم شاید بتوان در لحظه منشا آموزش آن رفتار را پیدا کرد. من «ناصر نوربخش» که گاه فیروزه صابر مرا با «سیده»، «آقای ناصر خان» و اخیرا در مواردی «ناصر جان» صدا می زند ضمن خرسندی از این همنشینی با او

فیروزه صابر از مدیریت راهبرانه اش به من بسیار آموزاند گرچه رگه هایی از مدیریت رئیس مابانه را هم داشت اما با راهنمایی، مربی گری، دادن فرصت برای یادگیری، سرنخ دادن، ظرفیت شناسی و... به توان دادن، ظرفیت شناسی و... به توان افزایشی ام کمک کرد

که از دل «دغدغه های اجتماعی» مشترک به دست آمد و حفظ شد، سعی کردم در این چند روز خود را در آن لحظه ها قرار دهم و این آموخته ها را از او به یاد آورم:

فیروزه صابر به من سلامت را آموزاند، سلامت در یک سازمان مردم نهاد و تعهدی که به همه ذی نفعانش دارد و از مصادیق آن می توانم به بارها و بارها دقتش در دریافت کمک های مردمی اشاره کنم که تا منشا و منبع کمک را مطمئن نمی شد ممکن نبود کمک ولو خیرخواهانه را برای سازمان مردم نهادی دریافت کند.



یکی از شیر زنان ایران زمین

*دُرّه سبحانی

با سلام

زادروز و تولد سرکار خانم فیروزه صابر عزیز را از صمیم قلب تبریک می گویم.....

یکی از شیر زنان ایران زمین که نور چراغ علم، دانش، هنر، کار و تلاش را در سخت ترین روزها و در تاریک ترین نقاط این مرز و بوم تاباند و دعای خیر هزاران نفر را نصیب خود کرد.....

با آرزوی بهترین و ناب ترین لحظات زندگی همراه با سلامتی و شادی برای شما دوست عزیزم



فیروزه صابر؛ انسان مدار تغییر، انسان تراز توسعه

* محمد جواد دردکشان



به نام رفیق یاریگر، منبع عشق و امید

برای انتشار خیر و بیان خوبی ها نباید دنبال بهانه بود. بی بهانه باید گفت، باید شنید، باید اندیشید و بدان عمل کرد تا از این طریق خیر و نیکی به لایه رفتارها و رویه های روزمره ما رسوخ کند و در فرهنگ جاری جامعه رخ بنمایاند. اما گاهی بهانه ها فرصت و رغبت بیشتری را برای گفت و شنود در میان دوستان فراهم می کند. به همین خاطر بهانه سالروز تولد فیروزه خانم صابر را فرصت طرح خیرها و خوبی هایی از ایشان می دانم که متأسفانه در کلیت جامعه کمزنگ شده است. خیر و خوبی هایی که شاید امروز جامعه بیش از پیش به آن نیاز دارد. و به همین دلیل است که باید به همین بهانه از آنها گفت، شنید و بدان ها اندیشید. تا حداقل برای من و افرادی که فرصت آشنایی مستقیم با ایشان را داشته اند، الگو باشند. از مجموع خیرها و خوبی ها چند نکته منشی ایشان را به اندازه فهم خودم با دوستان به اشتراک میگذارم.

اما قبل از طرح هر موضوعی علاقه دارم از صمیم قلب به پاس ۴۰ سال تلاش های بی وقفه، سالروز تولدشان را تبریک عرض کنم. آرزومند شادی و تندرستی ایشان هستم.

اولین نکته ای که پیرامون شخصیت و منش فیروزه خانم صابر می توان گفت تمرکز و پیگیری است. بسیار بر موضوعات کاری متمرکز و پیگیر است و امورات را مجدانه پیش می برد. رها کردن و از سر وانهادن که متأسفانه سکه رایج شده است و ایران را به سرزمین پروژه های ناتمام تبدیل کرده کمتر در منش او جا خوش کرده است.

نکته دیگر در رابطه با امید و وفای به عهد است. ایشان در عهدهی که با خود، خدا و مردم بسته، استوار باقی مانده است. برای توضیح بیشتر در رابطه با این نکته توجه شما را به مطلب کوتاهی جلب می کنم.

یکی از ویژگی های جوامع انسانی اینست که افراد متناسب با وضعیت جامعه و توان خود نقشی را عهده دار می شوند و به انحای مختلف به دیگران اعلام می دارند که سهم آنها در این زندگی اجتماعی چیست. از قضا چرخ جامعه با همین عهده داری نقش ها است که میچرخد. بر بحران ها فائق می آید و بن بست می شکند. این پذیرش نقش های اجتماعی در دل خود دو عنصر و پیام دارد. امید و عهد.

امید به اینکه با ایفای نقش، هم خود و هم جامعه از منافع آن بهره می برند. و عهد به اینکه آنجا که جامعه نیاز دارد حضوری موثرتر داشته باشد. فردی آتش نشان می شود و دیگری در بازار و گروهی معلم و گروهی طبیب و امید به گره گشایی و وفای به عهد با مردم.

این امر از بدیهیات شکل گیری و پایداری یک جامعه است. اما مدتی است در جامعه ی ما نه امید هست نه وفای به عهد. از اینرو نقش پذیری و برخورد مسئولانه با مشکلات جامعه لوٹ شده است.

متأسفانه مدتی است که بسیاری از فعالین سیاسی و مدنی از ایفای نقش هایی که خود در جامعه به عهده گرفته بودند عدول کرده اند. نقش خود را در عبور از بحران ها ایفا نمی کنند و به جای اندیشیدن و اقدام موثر سراسر گلایه مند شده اند و نهایتاً مویه می کنند. ولی دریغ از ایفای نقش؛ دم از ناامیدی میزنند و عهد خود را با مردم وا می نهند.

برای فهم قباحات این کار مثالی میزنم. بیایید تصور کنیم ساختمانی آتش بگیرد و آتش نشان ها بجای اقدام به خاموش کردن آتش، در کنار مادری که فرزندی در آتش دارد مویه کنند. یا طبیبی بعد از شنیدن اوضاع وخیم جسمی شما اشک بریزد. یا که مامور پلیس بعد از شنیدن خبر ربوده شدن کودکی افسرده شود و آدم ربایان را نفرین کند یا معلمی در سال کنکور شاگردان خود استرس بگیرد و به نظام آموزشی لعن بفرستد و اسفا که بسیاری از فعالین سیاسی و مدنی چنین می کنند.

وقتی به ایران می اندیشم و نگاهی به چند سال اخیر می اندازم، سخت می توان شعر بسیار انگیزه بخش سایه را با صدای بلند خواند که " ای ایران ای سرای امید - بر بامت سپیده دمید" ایران ما اما امروز در بن بست امید گرفتار آمده است. کسانی که قرار بود امید آفرین باشند، رفتند. کسانی که قرار بود بخشی از راه حل جامعه باشند در دام آه و فغان گرفتار آمده اند. کسانی که جایگاه راهبری برای خود قائل بودند و مردم را به دنبال خویش کشاندند در تردید و تردد میان بودن یا نبودن در قدرت، اعتبار خود و امید جامعه را به مسلخ بردند.

او انسان مدار تغییر و انسان تراز توسعه است. بدون چسبندگی به تربیون و فارغ از وسوسه شمارش تعداد لایک ها در فضای مجازی و میزان تکرار نام خود در رسانه ها؛ اصالت دارد. اهل خرد و دانش است. نقش اجتماعی خود را برگزیده و بر نمادهای هویتی مسیری که می پیماید استوار است

چه بسیار نام دارانی که امروز فقط برای ایران مویه می کنند و سهم آنان در بهبود امور دست به آسمان برکشیدن و لب بر لعن و نفرین دیگران گشودن است.

کمتر دیده ام اهل سیاست و اجتماع را که امیدشان را به نعمت ایمان بالنده نگاه دارند و با وفای به عهد به جنگ با بن بست ها و بحران ها بروند.

فیروزه صابر اما نه مانند بسیاری از کنشگران سیاسی و مدنی که معطل خبری خوش از دوران هستند تا بر مرکب خیال و اخبار رویای آزادی بیافند و نام آن را امید نهند آنگاه به یاد عهدهی که با مردم بسته اند بیافند، او ریشه های امید خود را با نور همت و حضور در میدان سرزنده نگاه می دارد. به دور از ای کاش های بی حاصل و گذشته گرایی مذبوم گام های خود را در مسیر ایجاد تغییر آب دیده تر می کند. در حاشیه نشین های سیستم و بلوچستان و خوزستان می رود و در مواجه با همه مصائب نقش می پذیرد و با امید و وفای به عهد خوش می درخشد.

او انسان مدار تغییر و انسان تراز توسعه است. بدون چسبندگی به تربیون و فارغ از وسوسه شمارش تعداد لایک ها در فضای مجازی و میزان تکرار نام خود در رسانه ها؛ اصالت دارد. اهل خرد و دانش است. نقش اجتماعی خود را برگزیده و بر نمادهای هویتی مسیری که می پیماید استوار است.



آموزنده و تاثیر گذار

* مرضیه حسن زهی

مدیر عامل خانه هدی

از دیدگاه من خانم صابر اسطوره محبت، مهربانی، انسان دوستی، شهامت، شجاعت، دانایی و درایت و مدیریت هستند. با تمام وجود می توانم بگویم طی چند سالی که با ایشان آشنا شده ام چنان رفتار و کردار آموزنده و تاثیر

فیروزه صابر به من یاد داد بهترین خودم باشم

*مرضیه محمودی



جوان تر که بودم دائماً به دنبال یافتن فردی بودم که هم در زندگی شخصی و هم زندگی حرفه ای بعنوان الگو از او پیروی کنم. در میان اطرافیان، اساتید و افراد سرشناس جستجو می کردم و هرچه پیش می رفتم کمتر می یافتم. پس از چندی به این نتیجه رسیدم که نباید به دنبال الگو باشم. بلکه می باید انسان های خوب و درست را انتخاب کرده و در کنارشان بیاموزم. تلاش کنم که بهترین نسخه از خودم باشم. بعد از آشنایی با بنیاد توسعه کارآفرینی و خانم صابر، اهمیت این نکته را خانم صابر در کلام و رفتارش به من آموخت. یاد گرفتم که لازم نیست شبیه کسی باشم اما باید تلاش کنم که بهترین خودم باشم. در این راه بخاطر داشته باشم که هیچگاه برای یادگیری دیر نیست. دیدار با هر شخصی، حضور در هر جلسه یا فعالیت اجتماعی می تواند برایم درسی داشته باشد که به دانش و تجربه ام اضافه کند. پس از مدت کوتاهی کار کردن در کنار خانم صابر فهمیدم که ایشان یکی از همان انسان های خوب و درستی است که می توانم درکنارش بیاموزم و رشد کنم. چون می دانم علاقه ای به شنیدن تعریف و تمجید ندارند، چند ویژگی بارزشان را که برایم جذاب بوده در قالب تجربه یک سفر بیان می کنم.

گذاری از ایشان دیده ام که احساس می کنم سالهای قبل از آشنایی با ایشان با نا آگاهی گذشت. در حاشیه شهرمان، در کنار زاغه نشینان در کپره های بلوچستان چنان غرق در دنیای کوچک آنها می شد و آگاهانه و دلسوزانه و با منطق امید به ادامه و پیشرفت در زندگی را آموزش می دادند که تا ابد ذهن ها درگیره پندهای ایشان می شد. تأسیس خانه هدی با مدیریت و راهنمایی های ایشان در سال ۱۳۹۳و ایجاد حس برابری، گذشت و اتحاد بین زنان و جوانان و کودکان، آموزش و کمک به پیشرفت در شکوفایی استعدادهایشان در زمینه ی هنر،مهارت،وتحصیلات زنان و جوانان بخش کوچکی از زحماتی هست که خانم صابر در طول این سالها برای ما کشیدند. ایشان مانند یک مادر مهربان با کمک حامیان هرساله در ماه رمضان ضیافتی گرم و دوستانه و سرشار از ذوق وشادی و برکت برای زنان و کودکان برپا می کنند. خاطره به یادماندنی را که برای زنان خانه ی هدی با سفری در اصفهان ساختند. طعم شیرین آن دوره می زنانه هیچوقت از قلبمان بیرون نخواهد رفت. گفتنی ها بسیارند و زبان ناتوان...

علم و ادب و منطق را کاملاً می توان در رفتار ایشان دید و یاد گرفت و در زندگی به کار برد. ایشان به جرئت نماد کامل انسانیت هستند، در دنیا انسانهای انگشت شماری با صفات خانم صابر وجود دارد.

من آرزوی سلامتی و طول عمر با عزت برای ایشان دارم.

باشد که تا ابد پایدار باشید و استوار

در سفری که با خانم صابر و چند نفر از خانم های کارآفرین به تونس داشتیم، فرصت مناسبی پیش آمد که خانم صابر را بیشتر بشناسم. اولین نکته درباره تعادل میان کار و زندگی است. آنچه برای من همواره اهمیت داشته، این بوده که در کنار کار و فعالیت های اجتماعی، به زندگی شخصی هم توجه داشته باشم. در این سفر تعادل میان کار و زندگی را در خانم صابر دیدم. زمان هایی که در جلسات بودیم و با خانم های کارآفرین تونس دیدار می کردیم، خانم صابر نکته سنج، دقیق، مسلط، پرسشگر و با آن نگاه و تحلیل همه جانبه را می دیدم که مثل همیشه همه جوانب امر را در نظر می گرفت و تلاش می کرد بهترین نتیجه حاصل شود. در زمان های فراغت همان خانم صابر شوخ طبع و سرزنده را می دیدم که با همه همسفران معاشرت می کرد و سعی می کرد از این زمان ها هم به بهترین شکل استفاده کنیم. این امر تصور من را در این رابطه که افراد موفق صرفاً کار می کنند و جایی برای تفریح و استراحت درنظر نمی گیرند، تغییر داد.

نکته بعدی که به شخصیت خانم صابر مربوط است، رفتار تسهیلگرانه ایشان است که همواره از جانب ایشان مدنظر قرار می گیرد. بطوری که کار کردن با خانم صابر را در عین سخت بودن، جذاب و شیرین می کند. در سفر، مسئولیت سنگینی داشتیم؛ تیمی از خانم های کارآفرین توانمندی را داشتیم که هر یک مدیر مجموعه ای بودند و همین امر کار را در ذهن من سخت تر کرده بود. در این مسیر هیچ گاه خانم صابر مستقیم فعالیتی را به من گوشزد نمی کردند. ورود مستقیمی در پیشبرد کارها نمی کردند. اما در عین حال هرگز حس نکردم که در انجام کارها تنها هستم. در طول سفر حمایت ایشان را حس می کردم و همواره برای کمک و مشورت و راهنمایی آماده بودند. خانم صابر با همین رفتار تسهیلگرانه با جمعی از افراد با روحیات و ویژگی های شخصیتی متفاوت، کار می کند و درصورت لزوم جمع ها را مدیریت می کند. همین امر در این سفر نیز باعث دلنشین تر شدن سفری شد که با مسائل حاشیه ای مانند تاخیرهای مکرر و طولانی در پروازها، کمی با سختی همراه شده بود. مسئولیت پذیری نیز از دیگر درس آموخته های من از ایشان در این سفر و در باقی موقعیت ها بوده است.

تعهد به انجام کاری که بعهد گرفته ایم به بهترین شکل و در زمان مقرر و با رعایت همه جوانبی که باید در فعالیت های اجتماعی به آن ها توجه داشت. همه این ها درکنار بسیاری نکات دیگر که در این یادداشت کوتاه نمی گنجد، خانم صابر را برای من به شخصیتی ماندگار تبدیل کرده است. شخصی با صبر و تواضعی مثال زدنی که برای من مصداق یکی بودن در حرف و عمل بوده است. شخصی که حضورش خیر و برکت برای اطرافیانش، زنان جامعه اش و کشورش است.



موفقیت های بزرگ نتیجه قدم های کوچک اما ثابت است

*احمد براهویی نژاد

تسهیلگر بومی طرح مهارت آموزی، فعال اجتماعی از زاهدان

همکاری و مشارکت در پروژه های مهارت آموزی و بانک پذیری، بانک جهانی بهترین تجربه ای بود که علیرغم تخریب اعتماد عمومی دیگر پروژه ها در محلات هدف پیش از آن، توانست به سختی اعتمادسازی کند و هر چند در مقیاس کوچک تغییرات مطلوب و مثبتی را برای جامعه محلی رقم زد.

تحریم ها و پایان پروژه های بانک جهانی، شروع دوران جدیدی برای توانمندسازی با تکیه بر توانمندی های خود مردم بود که در طول زمان در حال رشد و توسعه است و بسط و گسترش این توانمندسازی در درازمدت می تواند نویدبخش کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی باشد.

فیروزه صابر از ابتدای شروع پروژه های بانک جهانی در محلات هدف شهر زاهدان به همراه شادروان هدی صابر و دیگر همکاران حضوری فعال در حاشیه شهر داشتند و با شناختی که از بودن در کنار مردم حاشیه نشین پیدا کرده بودند بیش از گذشته ضرورت توانمندسازی و خدمت به این مردم را درک کرده و برای ایجاد تغییر تلاش داشتند.

اگر چه با شروع تحریم ها پروژه های بانک جهانی در ایران متوقف شد اما این تازه شروع کار بود برای حرکت به سمت ایجاد افزایش خودباوری و اعتماد به نفس جامعه محلی در جهت بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی با آموزش و تسهیلگری در تشکیل گروه های خودیار و صندوق های خرد، تولید و بازاریابی که نتیجه آن تاسیس خانه هدی در زاهدان بود.

برنامه های توانمندسازی و توان افزایی به بانوان سوزن دوز حاشیه شهر خلاصه نمی شد و سمن های فعال هم با حضور در دوره های آموزشی توانستند مهارت و دانش بیشتری برای بهبود فرآیند عملکرد در حوزه های تخصصی خود کسب کنند.

اشراف و تخصص خانم صابر به مسائل و مشکلات، فعالیت های تسهیلگری و توسعه جوامع محلی با استفاده از توان و ظرفیت خود آنها و برقراری ارتباط صمیمانه و حضور در بطن مردم خصوصا حاشیه نشینان از خصوصیات بارز ایشان است؛ همچنین گردآوری تیمی از همکاران متعهد و اخلاق مدار که توانسته اند در کنار هم موفقیت های خوب و چشمگیری را خلق کنند.

با توجه به شناختی که در جریان همکاری با خانه پژوهش نواندیش و بنیاد

توسعه و کارآفرینی زنان و جوانان داشتیم به جرات می توانم بگویم در حوزه تخصصی کارآفرینی و توانمندسازی و کمک به رشد و توسعه در طول دوران فعالیت خود در استان سیستان و بلوچستان به دنبال منافع اقتصادی نبوده و این مهم در اعتمادسازی و همراهی خیرین نیک اندیش تاثیرگذار بوده است. مدیران و رهبران تاثیرگذار به دنبال کسب شهرت و مقام نیستند و همواره تلاش می کنند که به دل ها حکومت کنند و این سبب خواهد شد نام نیک از خود به یادگار بگذارند.

فیروزه صابر و تیم همراهشان با شناختی که از ظرفیت های خوب استان سیستان و بلوچستان داشتند در همکاری با برخی ادارات، سازمان ها و نهادهای از جمله کمیته امداد امام خمینی، بهزیستی، آموزش و پرورش و ... به دور از نگاه دوربین ها و رسانه های خبری، اتاق های کارآفرینی مدارس را در سطح برخی از شهرهای استان فعال کردند؛ همچنین در مناطق کم برخوردار و محلات حاشیه نشین چابهار مانند کمب و دشتیاری در جهت توانمندسازی خانواده ها با ارائه آموزش های لازم و انتقال تجربه و دانش بانوان فعال خانه هدی، کمک کردند تا گروه های خودیار و صندوق های خرد این محلات شکل بگیرد.

اعتقاد خانم صابر به توانمندسازی کامل یا به اصطلاح صفر تا ۱۰۰ است یعنی این گروه ها بتوانند با استفاده از آموزش ها و دانش و مهارت کسب شده در زمینه تولید تا بازاریابی و فروش محصولات و خدمات را خود بدست گرفته و به نمایشگاه ها و بازارهای داخلی و خارجی دست پیدا کنند.

وجود چنین افراد فعال، پای کار و تاثیرگذار امید به زندگی را در دل خانواده ها خصوصا خانواده های ساکن در مناطق کم برخوردار، افزایش می دهد. با تغییر نگرش در نوع کمک رسانی به جای اقدامات بیهوده با حفظ شان و کرامت انسانی، عزت نفس افراد را بالا می برد و آنها را تبدیل به الگویی مناسب برای دیگران می کند الگوهای موفق بومی که با بسیاری

وجود چنین افراد فعال، پای کار و
تاثیرگذار امید به زندگی را در دل
خانواده ها خصوصا خانواده های
ساکن در مناطق کم برخوردار،
افزایش می دهد. با تغییر نگرش در
نوع کمک رسانی به جای اقدامات
بیهوده با حفظ شان و کرامت
انسانی، عزت نفس افراد را بالا
می برد و آنها را تبدیل به الگویی
مناسب برای دیگران می کند
الگوهای موفق بومی که با بسیاری
از مردم جامعه محلی شرایط
یکسانی را تجربه کرده اند.

از مردم جامعه محلی شرایط یکسانی را تجربه کرده اند.

فیروزه صابر در سیستان و بلوچستان با فعالیت های ارزنده و نتیجه بخشی که داشته، از خود رد پا و اثر انگشت بر جای نهاده و چه خوب است به گفته شادروان هدی صابر همه ما در زندگی از خود اثر انگشتی به یادگار بگذاریم همانگونه که خود در زمان حیات خود به آن عمل کرد.

زندگی در گذار است و چه خوب است با تشکری ساده، قدردان تلاش های ارزشمند چنین افراد بزرگواری باشیم هر چند که انتظاری برای این کار ندارند. همکاری و همراهی با دوستان عزیز در خانه پژوهش نواندیش و بنیاد توسعه و کارآفرینی زنان و جوانان از آغاز فعالیت در استان تاکنون برایم افتخاری بوده است و امیدوارم با سرافرازی در مسیر توسعه و تعالی میهن عزیزمان ایران همیشه موفق و در حرکت باشم.

تجربه کار کردن با خانم صابر تکرار نشدنی است. تجربه ای است همراه با استانداردهای خاص خود، در عین حال انعطاف هایی برای تصمیمات و عملکردهای خلاقانه و ...

در این تجربه می توان حسی را لمس کرد که انگار کار از آن خودت است. به همان اندازه برای کارت دل می سوزانی و وقت می گذاری تا خوب پیش بروی حتی اگر اعتقاد و علاقه ای برای انجام آن کار نداشته باشید.

در این تجربه فرصت پیدا می کنید بزرگ شوید، یاد بگیرید. در این تجربه گاهی با یک مدیر سخت گیر مواجهید، گاهی با مادری که هنگام بیماری می گوید برایت سوپ درست کنم؟ گاهی با دوستی که انگار همسن و سال تو می شود و می توانی با او بخندید و شادی کنید، گاهی با بزرگتری که ریش سفیدانه از تو می خواهد با هم قدمی بزنید تا راه حلی پیدا شود.

و البته گاهی هم با آدمی مواجه می شوید که ترس از آنکه قضاوتی که در

فیروزه صابر معتقد است باید نهاد مستقل و خودگردان ساخت

* نجمه معصومی



از من خواسته شده از فیروزه صابر و جوانگرایی بگویم. اما این روزها در فضایی که در سوگ محمدرضا شجریان می گذرد، مدام یک سوال در ذهنم می چرخد آن هم اینکه چه نیرویی هست که کمک می کند افرادی این چنین حواسشان به انتخاب هایشان هست، حواسشان هست به سرند خوب از بد، حواسشان هست به پاکدست بودن، حواسشان هست به شریف بودن و به چارچوب های حرفه ای شان حواسشان هست.

و این معجزه ای می شود که می توانند خوب پیش بروند و در حرفه شان جای نیکی برای خود برگزینند. حالا هر کدام به شکل و روش خودشان این کار را می کنند. به نظرم فیروزه صابر هم از این دست است. از این دست افرادی که این روزها تعدادشان کمتر و کمتر می شود.

خانم صابر همیشه معتقد است ما باید کار خودمان را درست انجام دهیم. واقعا هم بر اساس این اعتقادش عمل می کند، عمیقا معتقد است باید حتی با سیستم سازمان امور مالیاتی، که هم قوانین و هم ساختار سازمانیش پر از اشکال است، شفاف برخورد کرد و شجاعانه در این مورد ایستادگی می کند. ولو متحمل جرایم غیرمنصفانه مالیاتی هم شده باشد. اما همیشه می گوید من تا کار خودم را درست انجام ندهم نمی توانم انتظار داشته باشم تغییری رخ دهد.

خانم صابر یک مدیر خلاق است. مدیری که توانمندانه در دوره ای که شرایط کاری، شرایط بدون پروژه ای را به ارمغان آورده باشد هم، او خلاقانه کار تعریف می کند.

تجربه کار کردن با خانم صابر تکرار نشدنی است. تجربه ای است همراه با استانداردهای خاص خود، در عین حال انعطاف هایی برای تصمیمات و عملکردهای خلاقانه و ...

در این تجربه می توان حسی را لمس کرد که انگار کار از آن خودت است. به همان اندازه برای کارت دل می سوزانی و وقت می گذاری تا خوب پیش بروی حتی اگر اعتقاد و علاقه ای برای انجام آن کار نداشته باشید.

در این تجربه فرصت پیدا می کنید بزرگ شوید، یاد بگیرید. در این تجربه گاهی با یک مدیر سخت گیر مواجهید، گاهی با مادری که هنگام بیماری می گوید برایت سوپ درست کنم؟ گاهی با دوستی که انگار همسن و سال تو می شود و می توانی با او بخندید و شادی کنید، گاهی با بزرگتری که ریش سفیدانه از تو می خواهد با هم قدمی بزنید تا راه حلی پیدا شود.

و البته گاهی هم با آدمی مواجه می شوید که ترس از آنکه قضاوتی که در

فیروزه صابر در زمانه ای که کشور و
مردمانش طعم قدرتی که استقلال
فردی و اقتصادی به فرد می دهد
را فراموش کرده اند، آستین بالا
زده است و در دوردست ترین نقاط
کشور، برای محروم ترین مردمان
این نوا را سر می دهد.
در روزگاری که آدم ها برای حفظ
صندلی و قدرتشان همه کار
می کنند، وقتی مواجه می شوید با
کسی که همه اندیشه اش جانشین
پروری است، متحیر می مانید از
تلاشی که می کند، از اعتباری که
می بخشد به نسلی که برای ورود به
عرصه دعوتشان می کند

ذهنش شکل گرفته تغییر ناپذیر است مواجه شدن با او را سخت تر می کند. فیروزه صابر مفهومی را دریافته است و برای اشاعه آن زمانی را صرف کرده است که راه حل بنیادین بسیاری از مسائل این آب و خاک است. مفهومی که می گوید تا دستانت را روی زانوان خودت ان نگذارید نمی توانید حرکت، تغییر، رشد، و آینده بهتر را تجربه کنید. مفهومی که خیلی صریح و شفاف دعوت می کند از ما تا جز به خودمان و مهارت هایمان متکی و وابسته به کمک های غیر نباشیم. مفهومی که منجر می شود تا بتوان با اتکا به نفس خود از هر رانت و وابستگی نهادی و فساد و ... دوری کرد.

فیروزه صابر در زمانه ای که کشور و مردمانش طعم قدرتی که استقلال فردی و اقتصادی به فرد می دهد را فراموش کرده اند، آستین بالا زده است و در دوردست ترین نقاط کشور، برای محروم ترین مردمان این نوا را سر می دهد. در روزگاری که آدم ها برای حفظ صندلی و قدرتشان همه کار می کنند، وقتی مواجه می شوید با کسی که همه اندیشه اش جانشین پروری است، متحیر می مانید از تلاشی که می کند، از اعتباری که می بخشد به نسلی که برای ورود به عرصه دعوتشان می کند. این ویژگی رهایی ای می طلبد که در همه کس نیست. در افرادی است که مدام می گویند اینقدر از آدم ها تعریف نکنید تعریف از آدم ها آنها را خراب می کند.

خانم صابر معتقد است باید نهاد ساخت و برای به استقلال رساندن نهادها نیرو تربیت کرده است و آنها را خودگردان کرده است. خوب یا بد نتیجه عملش مورد بحث نیست که احتمالا جای حرف وجود دارد. اما روحی که در این رویکرد است متعالی است، روحی است که اگر کشور بنا بر توسعه ای داشته باشد بدون آن امکانش فراهم نخواهد بود و شد.



آثار فیروزه صابر



کتاب ها:

راه های توسعه کارآفرینی زنان در ایران، سال چاپ ۱۳۸۵، چاپ وزیری، ۱۰۰۰ نسخه، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
فهرست موضوعی مجموعه آثار شریعتی بر اساس طرح هندسی، سال چاپ ۱۳۷۶، چاپ رقی، ۳۰۰۰ نسخه

مقالات فیروزه صابر در نشریات داخلی کشور:

جسور در اندیشه و عمل، فیروزه صابر، روزنامه شرق شماره ۳۵۶۵ (سه‌شنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۸)، صفحه ۱۶ (روزنامه فردا)
دریچه های دوستی با ایران، فیروزه صابر، روزنامه شرق شماره ۳۴۸۷ (دوشنبه ۷ مرداد ۱۳۹۸)، صفحه ۱۶ (روزنامه فردا)
الگوهای کارآفرینی، فرزندان ایران را دریابید، فیروزه صابر، روزنامه شرق شماره ۲۹۸۲ (سه‌شنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۶)، صفحه ۲۰ (روزنامه فردا)
صداهای جامعه زنان، فیروزه صابر، روزنامه شرق شماره ۲۹۳۷ (سه‌شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۶)، صفحه ۲۰ (روزنامه فردا)
بازآفرینی شوراها، فیروزه صابر، روزنامه شرق شماره ۲۸۳۸ (پنج‌شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۶)، صفحه ۲۰ (روزنامه فردا)
فرصت های مرکز مشارکت زنان، فیروزه صابر، روزنامه شرق شماره ۱۸۶۶ (یک‌شنبه ۵ آبان ۱۳۹۲)، صفحه ۱
دولت «تدبیر» و زنان، فیروزه صابر، روزنامه شرق شماره ۱۸۳۴ (سه‌شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۲)، صفحه ۱
هدی صابر و حاشیه نشینان، فیروزه صابر، روزنامه شرق شماره ۱۵۵۱ (سه‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۱)، صفحه ۱
کارآفرینان مهمترین سرمایه های ملی، فیروزه صابر، روزنامه شرق شماره ۷۰۷ (یک‌شنبه ۷ اسفند ۱۳۸۴)، صفحه ۲۱ (جامعه)
ضرورت مشارکت بیشتر زنان در سطوح تصمیم گیری، نویسنده: فیروزه صابر، مترجم: سوسن جدی زنجانی
منبع: تدبیر ۱۳۷۴ شماره ۵۹
سه ویژگی نهادهای مدنی موفق، فیروزه صابر، روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۲۹۷۵ (چهارشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۲)
روزنامه صمت

مقالات فیروزه صابر

در سایت انجمن زنان مدیرکارآفرین:

زنان کارآفرین پیشگام در تحقق توسعه جاذبه‌های همگرایی
توسعه حضور اجتماعی از طریق نهادهای مدنی

مقالات فیروزه صابر در نشریات و ویژه نامه های داخلی انجمن ملی زنان کارآفرین:

سفرنامه : تلاشگران زن درجغرافیای ایران ؛ کارآفرینی یک فرآیند است (صفحه ۴)، ویژه نامه سومین همایش زنان کارآفرین، اسفند ۱۳۸۵
کارآفرینی فرهنگی زنان، ویژه نامه همایش کارآفرین فرهنگی زنان، بهمن ۱۳۸۶

ارزش آفرینی از مسیر کارآفرینی اجتماعی، ششمین همایش انجمن صنفی ملی زنان کارآفرین، اسفند ۱۳۸۸

فرصت سازی برای ترویج کارآفرینی زنان در حوزه فناوری اطلاعات، ویژه نامه هفتمین همایش انجمن زنان کارآفرین کارآفرینی زنان در حوزه فناوری اطلاعات، اسفند ۱۳۸۹

زراعت و فرصت های کارآفرینی زنان، ویژه نامه و خلاصه هشتمین همایش کارآفرینی زنان کسب و کار و کارآفرینی زنان در عرصه کشاورزی، بهمن ۱۳۹۰

فضای کسب و کار در ایران، ویژه نامه بررسی فضای کسب و کار زنان کارآفرین، تابستان ۱۳۹۱

حرفه گرایی در الگوهای موفق، ویژه نامه نهمین همایش کارآفرینی زنان کسب و کار زنان در عرصه بازرگانی، بهمن ۱۳۹۱

تناسب نقش ها و موقعیت زنان صاحب کسب و کار و کارآفرینی، تدابیر و روش های مشارکت در شکل گیری و توسعه کسب و کار مشترک، ویژه نامه اثرات متقابل مدیریت خانواده و کسب و کار زنان کارآفرین، پاییز ۱۳۹۲

عزم ملی زنان کارآفرین، ویژه نامه سیزدهمین همایش توسعه کارآفرینی زنان در ایران با بهره گیری از تجارب انجمن زنان کارآفرین، بهمن ۱۳۹۵

مشارکت پذیری و تشکل گرایی زنان در ترویج کارآفرینی، چهاردهمین همایش کارآفرینی زنان، بهمن ۱۳۹۷

معرفی کتاب

راه های توسعه کارآفرینی زنان در ایران

* مرضیه بنی هاشمیان

کتاب راه های توسعه کارآفرینی زنان در ایران، نوشته فیروزه صابر در ۱۷۶ صفحه بوسیله نشر روشنگران و مطالعات زنان به چاپ رسیده است.

کارآفرینی مقوله ای است که با بهره‌گیری از نوآوری و منابع، می تواند عامل پیشرفت و توسعه ی پایدار گردد. در این مسیر، شناخت استعدادها و فراهم سازی بسترهای فرهنگی لازم، از مهم ترین عواملی هستند که باید از طرف جامعه و دستگاه قدرت مورد توجه قرار گیرد.

راه های توسعه کارآفرینی زنان در ایران

در این میان به ظرفیت های زنان توجه لازم نشده است. ایشان به رغم آن که سهم قابل تاملی از تحصیل کردگان دانشگاهی را به خود اختصاص داده اند، تا کنون نتوانسته اند جایگاه درخور توجهی در صحنه اقتصادی و اجتماعی در کشورمان به دست آورند.

از طرفی توسعه، در گرو مشارکت همگانی است. به این ترتیب حضور زنان در عرصه فعالیت های اقتصادی، صنعتی و اجتماعی بویژه در چارچوب کارآفرینی، ضرورتی انکار نشدنی است. با این حال در این عرصه ها نیز همواره موانع و مشکلات عدیده ای گریبان گیر زنان بوده است.

کتاب راه های توسعه کارآفرینی زنان در ایران در حقیقت عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد خانم فیروزه صابر است که به بررسی موانع کارآفرینی زنان اشاره دارد. این کتاب در ابتدا به ارائه تعاریف و کلیاتی در باب کارآفرینی می پردازد و با مقایسه کارآفرینی در بین زنان و مردان از منظر اجتماعی و شخصیتی، سختی های این مسیر را برای زنان تشریح می کند.

در ادامه، نویسنده با رجوع به کارآفرینی زنان در جهان بیان می دارد که اغلب مشکلات در تمامی کشورها وجود داشته و دارد. از این رو تلاش زنان در تغییر باورهای اجتماعی و اثبات توانمندی ایشان، چاره جویی صاحب نظران و سازمان های غیر دولتی برای ایجاد راه هایی جهت حذف یا کاهش



موانع و همچنین سیاست های کلان دستگاه قدرت به منظور اشتغال زنان، مهم‌ترین عوامل تغییر اجتماعی محسوب می شوند. همانطور که در قسمتی از این کتاب می خوانیم:

«در مطالعه انجام شده روی ۱۲۹ زن کارآفرین در آمریکا، تعدادی از ایشان ابراز داشتند که به علت زن بودن قادر به ورود به برخی از محافل اجتماعی نبوده اند. به نظر می رسد که در زمینه ایجاد شبکه های ارتباطی و تماس، مردان از امتیاز و امکانات بیشتری برخوردارند. این مسئله خاص در مورد زنان سیاه پوست تشدید می شود.»

دو بخش انتهایی کتاب به وضعیت کارآفرینی زنان در ایران اختصاص دارد. در این پژوهش ۲۰ زن کارآفرین مورد بررسی قرار گرفته اند. هدف از این مطالعه، بررسی محدودیت ها و ابتکارات این زنان کارآفرین بوده است تا علاوه بر ارائه الگویی از تجارب، تدابیر و فایق آمدن آنان بر مشکلات، بتوان با بررسی تجارب سایر کشور ها و شناخت موانع کارآفرینی مورد مطالعه در ایران، الگویی برای توسعه ی کارآفرینی زنان بر اساس ارزش های فرهنگی و مذهبی در کشورمان ارائه داد.

بر این اساس در بخش پایانی کتاب، نویسنده با گوشزد کردن وظایف جامعه، سازمان های غیر دولتی و دولت ها در قبال اهمیت کارآفرینی زنان، اقدام به ارائه راهکارهایی برای بستر سازی، حمایت گری و شکوفایی کسب و کار های نوین از جانب زنان می کند.



چگونه با خانم صابر آشنا شدم

* هایده شیرزادی



فیروزه صابر، علاوه بر همه مزایا و ویژگی های شخصیتی، ازمیزی استثنایی برخورداراست که این روزها کمتر دیده می شود و آن، هماهنگی و همگن بودن شخصیت و منش و رفتارش با نام خانوادگی‌شان می باشد. هر آن کس که شانس اندک آشنایی با وی را داشته باشد ممکن نیست متعجب نباشد از میزان متانت و بردباری این بانوی توانمند، سخی، وطن پرست، متواضع و شجاع که هر آنچه دارد در طبق اخلاص جهت اعتلاء مقام زن گذارده و کلیه تهدیدات و موانعی که بر سر راهش قرار داشت صابرا نه از میان برداشته است.

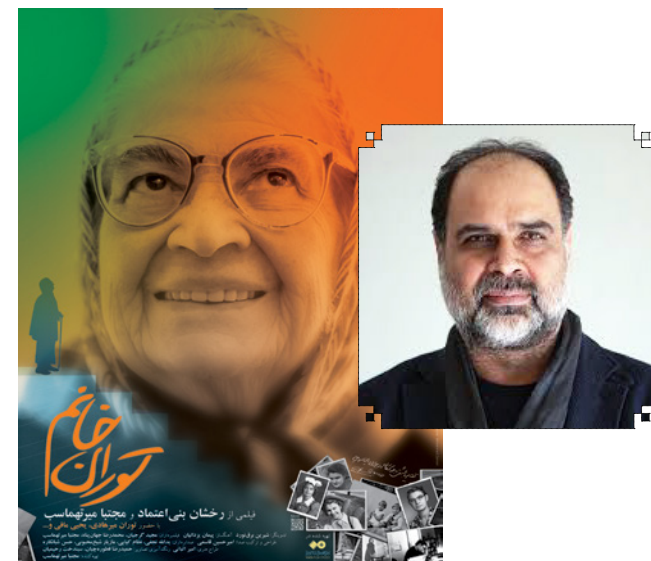
طی ربع قرن گذشته، شرق و غرب، شمال و جنوب کشور را در نور دیده در جستجوی شیرزانی که چون خودش در پی آن بودند تا واژه منقرض ضعیفه را از لغت نامه پارسی زبانان حذف کنند.

من سخت بر این باورم که او به این آرزو دست یازیده است.

مبارکش باد

نامی زیبنده وجودش: صابر

* مجتبی میرتھماسب



سال ۱۳۸۵ از دفتر امور بانوان کرمانشاه اطلاع دادند که گروهی خانم برای بازدید می آیند . چند نفر خانم بودند من هم مثل همیشه از فرآیند کار و تاثیرات زیست محیطی صحبت می کردم . در پایان نشست ، هنگام نهار گفتگویی داشتیم ، یکی از خانم ها آرام به من گفت ما شما را پیدا کردیم و کار شما را معرفی می کنیم. ایشان خانم صابر بودند و نه فقط کار مرا معرفی کردند بلکه با ایجاد تشکل های بنیاد و انجمن کارآفرینی ، زنان کارآفرین را معرفی کردند .

به احترام ایشان عضو بنیاد کارآفرینی شدم . سال ۹۴ که گروه کارستان تصمیم به تهیه فیلم از تعدادی از کارآفرینان کشور را با مشاوره ایشان داشتند ، من هم یکی از گزینه ها بودم . ولی به دلایلی تمایل نداشتیم . با هم از سمینار رشت برگشتیم.

در فرودگاه گفتند یک چایی با هم بنوشیم . با همان گفتمان همیشگی رسا و قابل اعتماد مرا قانع کردند و امضاء را از من گرفت و معنای تلاش ۲۵ ساله مرا با فیلم مادر زمین نشان دادند در یک جمله اگر ایشان را توصیف کنم . خانمی بسیار دانا و هوشمند قابل اعتماد و تشکل گرا و مهمتر از همه دوست داشتنی هستند. آشنایی و دوستی با ایشان برای من افتخار بزرگی بود و می دانم که بازنشستگی برای ایشان وجود ندارد . قطعاً اهدافشان را کماکان ادامه خواهند داد.

برایشان آرزوی سلامت و موفقیت دارم .

بانویی متین و بردبار

* سعیده قدس



کاری که در گمنامی می شود انجام داد، در شهرت نمی شود انجام داد. اومدم از فیروزه خانم صابر بنویسم، زنگ تلگرام صدا کرد. کانال تلگرامی "مامان توران" را باز کردم که مثل هر شب فرازی از سخنان توران خانم میرهادی را منتشر می کنه. نوشته بود: «کاری که درگمنامی می شود انجام داد، درشهرت نمی شود انجام داد.»

خیلی طول نکشید تا بفهمم باید از همین جمله شروع کنم تا به فیروزه خانم برسم. گرچه خانم صابر و کارهای بی مثالی که انجام داده، برای اهلس آشناتر و شناخته شده تر از این حرف هاست، اما گمنامی که توران خانم می که، شامل حال خودش و تمامی خون دل خورده گان این مملکتی است که نام اورانش خون به جگر مردم کرده اند ...

و عجب که من اولین بار خانم صابر را هنگام فیلمبرداری در دفتر فرهنگنامه دیدم که برای گفت وگو و مشورت با خانم میرهادی آمده بود. همان صحنه ای که در فیلم "توران خانم" هم هست.

و بعد از آن "کارستان" شکل گرفت و اگر به ثمر نشست، یک دلیلش، توان و تلاش خانم صابر و همکاران بی دریغشان بود که از صفر تا صد پروژه بودند و امید ما این است که ادامه اش هم با همان شعف یگانه نصیب مان شود. یقین دارم که شصت سالگی خانم صابر بهانه ای شده تا دوستان دور و نزدیکش خوسه ای از درک و دریافت شان از این انسان یگانه و مکتب انسانی او را به خرمن وجودش نثار کند. پس من کلام کوتاه کنم و بگم که کم تر پیش میاد نام کسی کلیدواژه شود و زیبنده ی وجودش باشد:

تولدتان بر ما مبارک، "فیروزه" خانم "صابر".

عمر پرپرکتان در سلامت و امن و سایه تان بر سر ما همیشگی

فیروزه، آبی بی غش

* رخشان بنی اعتماد



بی هیچ تردید، اگر بخوایم از زنانی نام ببرم که در زندگی ام نقش تاثیرگذاری داشته اند و سعی کرده ام از آن ها منش انسانی را یاد بگیرم فیروزه صابر در ردیف اولین آن ها بوده است.

آشنایی مان به سال های اولیه بعد از انقلاب و گروه اقتصاد تلویزیون بر می گردد. آشنایی ای که در گذر بیش از سه دهه به دوستی و رفاقتی ناب تبدیل شد. رفاقتی نه از مراودات گرمابه و گلستان یکدیگر بودن، همیشه بهانه با هم بودن ما کار بوده و یا بزنگاه های حساس اجتماعی، که با وجود آن که چند سالی از من کوچکتر است، صداقت و تدبیر و آگاهی اش سرمشق ام بوده است.

شک ندارم که در دایره گسترده دوستان و همراهان او از ویژگی های منحصر به فرد او بسیار گفته خواهد شد و من به این بسنده می کنم که بگویم فیروزه جان هر آنچه که در طول سالیان از تو آموختم به کنار، ولی صبوری و رویارویی ات با از دست دادن عزیز بی بدیل، هدای همیشه زنده، بزرگ ترین آموزه زندگی ام شد.

با مرگ شوک آور برادرت، می توانستی تلخ شوی و حداقل برای دورانی کوتاه، دست از مسئولیت های بی شمارت بکشی، می توانستی فریاد خشمات را از این روزگار غدار به آسمان ببری و بر فراز آنتن های خبررسانی تشنه هیاهو به گوش دنیا برسانی، می توانستی، می توانستی هر واکنش قهرآمیزی در پیش بگیری و هر چه می کردی حقت بود. اما تو، با همان متانت و صبوری مثال زدنی ات، درد مرگ هدی را در کوله گذاشتی و به راه افتادی که خانه نیمه ساخته ی هدی را که نماد عشق و مسئولیت اجتماعی است سرپا نگهداری و نهالی را که هدی به امید توانمندسازی زنان سیستان و بلوچستان کاشته بود بارور کردی.

تاریخ زخم سوزن زنان "خانه هدی" را که خون زندگی را در کالبد بی رمق منطقه محروم شیرآباد جاری کرده است از یاد نخواهد برد.

همیشه شاگرد تو

یک بازیگر تیمی ایده آل

* حسین اکبری

رئیس هیات مدیره آریانا



به نام خالق مهربانی

آشنایی من با سرکار خانم فیروزه صابر به سال ۱۳۷۷ بازمی گردد و از آن پس این دوستی در موقعیت های متعددی تقویت و تداوم یافت. در این بین یکی از فرصت های بزرگ برای من، همکاری با ایشان در پروژه «کارستان» بود.

درمدت دو سال از این پروژه فاخر، بخت این را داشتیم که در کنار ایشان، خانم رخشان بنی اعتماد، آقای مجتبی میرتھماسب، خانم زهرا عمرانی و آقای محمود نظاری باشم و نقش کوچکی ایفا کنم. «کارستان» بنا داشت تا از زندگی های الهام بخش کارآفرینان اقتصادی و اجتماعی مستندهای سینمایی تهیه نماید. خوشبختانه به رغم تمام نامالایمات در طی این پروژه موفق به تولید هفت فیلم بسیار الهام بخش شدیم که بازتاب عمومی خوبی نیز داشت.

در این مسیر دشوار با موانع زیادی به ویژه کمبود منابع مالی رو به رو شدیم که با همراهی و همدلی توانستیم بر بسیاری از این کاستی ها پیروز شویم و من در این میان از خانم صابر درسهای زیادی آموختم که مهمترینش تصویر یک رهبر و در عین حال یک بازیگر تیمی ایده آل از ایشان بود، که در ذهن من حک شد. این خصیصه بیش از همه در ابعاد زیر خود را نشان داد: – تلاش برای همگرایی تیم به سوی چشم اندازها و چشم پوشی کردن از خطاها و خودخواهی های فردی که در نهایت می توانست موجب اختلاف و از هم پاشی تیم شود.

– شنیدن و تحمل دیدگاه های متفاوت حتی اگر با تجارب عینی و طولانی ایشان در فعالیت های اجتماعی در تضاد می بود

– حرمت گذاری اعضای تیم و جانب انصاف را نگاه داشتن در مورد اعضای تیم چه در حضور و چه در غیاب ایشان.

– داشتن روحیه واقع بینانه در مواجهه با محدودیت ها و انعطاف داشتن جهت بازنگری در اهداف پروژه

و مهمتر از همه این ها، عشق به ایران و اشتیاق خدمت به وطن، به رغم تمام کم لطفی ها و نامالایمات پیرامونی

خواهر خوبم فیروزه خانم صابر من به دوستی و همکاری با شما افتخار می کنم و امیدوارم بذره ای امیدی را که در دل زنان و جوانان خوزستان و سیستان مظلوم کاشتید به درختان تنومندی تبدیل شود که سایه پربرکت آن اندوه فقر را از چهره بخشی از هم وطنان عزیزمان بزداید.

بالارزوی نیک فرجامی



الگوهای کارآفرینی؛ فرزندان ایران را دریابید

* فیروزه صابر

تصویر ثروت آفرینان سالیانی است که در ذهن ها به گونه های متفاوتی از هم نقش بسته است؛ گاه استشارگر و غارتگر منافع ملی، گاه رانت خوار و خصولتی، گاه هم صنعتگری شریف و حافظ منافع ملی، گاهی هم کارآفرین. در پس این چهره های بس عدیده و رنگارنگ و در بستر پرچالش محیط کسب و کار کنونی، همواره این پرسش ها مطرح است:

پس به که باید رو کرد؟ چه کسی را باید باور داشت؟ به که باید امید بست؟ در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی به اتکای چه کسی و چه کسانی باید رفت؟ جست وجوگری و دغدغه مندی برای یافتن روزه های امید و نمایش نشانه های آن به نسلی که آینده خود و ایران را خواهد ساخت، راهی را می گشاید که معطوف به الگوهاست. آنان که می توانند به روح جامعه تشنه اعتماد، امید ماندن و ساختن بدمند. تصویری از این الگوها را می توان در پروژه ای به نام «کارستان» به دیده بصیرت دید؛ پروژه ای به همت حلقه های متصلی از کارآفرین، پژوهشگر، هنرمند و حامی، یکی اندوخته تجربی کار و کسب اش را به مهریانی ارزانی داشت، یکی این اندوخته ها را کشف کرد و به قلم آرایید، یکی هم ایده در سر داشت و هم اندوخته ها را از نگاه دوربین عبور داد و به صحنه نمایش رساند و یکی با مهر و داریی خود برای حمایت به میدان آمد. گو اینکه در فضای پرمسئله کنونی، بسیاری خود را در صف کارآفرینان جای داده اند و خود را به ظاهر با لایه ای از صفات آنان رنگ کرده اند، هر گام که می روند، ده ها عکس و تصویر از خود نشانه می گذارند و از این نام بس بهره برده اند و اساسا واژه ها و مفاهیم مغشوش و گاه بی معنا شده است. اما هنوز می توان به الگوهایی دست یافت که حس بالیدن را به جامعه هدیه می دهند. گاه درپی آن هستیم که این الگوها را باید فرزندانمان، دریابند؛ چراکه بیداری را با خود همراه دارند و گویی در این ولوله سهم خواهی ها و رانت خواهی ها و غوطه وری در فساد، پایه هایجامعه اند. نه قهرمان اند و نه ادعایی دارند؛ اما بودنشان بس اثربخش و انرژی زااست.

به راستی اینان نیازی جدی به نگاه و توجه دارند؟ گویی از این فضاها عبور کرده اند؛ چراکه خود را سال هاست دریافته اند؛ خود هدایت خویش می کنند. وقتی به عمق وجودشان می رویم، انتظاری فراتر پیدا می شود و آن اینکه این الگوها را باید فرزندانمان دریابند.

دیروز فرصتی بود تا در هفته نمایش فیلم های کارستان در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تصویریکی از این کارآفرینان به نمایش درآید و درپی آن اهالی علم و عمل در این وادی سخن گشودند.

چند کلیدواژه در گفت وگوی آنان مشهود بود؛ ارزش های پایه ای، اعتماد، ظرفیت تخصصی، مسئولیت رهبری، عدالت طلبی و ارزش آفرینی. تحلیل آن بود که نشانه های بینش و روش و منش کار آفرین موضوع بحث و تیم هم مسلک او متکی به چنین ارزش هایی است؛ ارزش هایی که یا به سختی میتوان در جست وجوی آنها بود یا آن قدر دور هستند که راه و رسم رسیدن به آنها فراگیری جدیدی را می طلبد. اما جالب تر آن بود که آن کار آفرین، راه رفته را سخت و دست نیافتنی نکرد. صنعت اش سخت بود؛ اما آرامش اش قابل تکثیر بود و تاثیرگذار



زهرا رحیمی: وفاداری به کنشگری اجتماعی در زبان و عمل، از ویژگی های بارز فیروزه صابر

زهرا رحیمی، عضو شورای مرکزی شبکه ملی موسسات نیکوکاری و خیریه و مدیرعامل جمعیت دانشجویی امام علی(ع)، یکی از همکاران نزدیک فیروزه صابر است. با وی در مورد ایشان به گفتگو نشستیم:

از چه زمانی با بانو صابر آشنا شدید و نحوه آشنایی تان را بفرمایید. آشنایی از نزدیک با خانم صابر برمی گردد به برگزاری جلساتی که برای تبادل تجربه و هم افزایی تشکل ها در بنیاد برگزار می شد و سازمان های مردمی مختلف دستاوردهایشان را ارائه کرده و با هم بیشتر آشنا می شدند. متعاقب آن، در بنیاد، پژوهشی کلید خورد در زمینه کار داوطلبانه که یکی از انجمن های مورد مطالعه آن جمعیت بود و باب آشنایی بیشتر با بنیاد و شخص خانم صابر را باز نمود.

کمی از شبکه و نقش خانم صابر در شکل گیری آن برایمان بگویید پس از آن جلسه ای در اتاق بازرگانی به ابتکار خیریه ابرار برگزار شد که هدف آن هم افزایی عملکرد سازمان های مردم نهاد بود و بصورت مکتوب نظراتی جمع آوری شد و طی دو جلسه پیشنهاداتی ارائه شد. پس از جلسات، با ابتکار برگزار کنندگان دو گروه شبکه سازی و توانمند سازی تشکیل شدند تا نقطه نظرات جمع آوری شده در قالب این دو کارگروه پیگیری شود. کارگروه شبکه از همان ابتدا شروع به فعالیت مستمر و چارچوب مند کرد و به نوعی به دلیل اعتماد همه اعضا به تجربه و توانایی و ذکاوت و اشراف خانم صابر به فضای حاکم بر تشکل ها، راهبری این کمیته توسط ایشان انجام و به ثمر رسید.

موفقیت ها و شکست های جمع های این چنینی و درس های آموخته و تدبیر و توانمندی خانم صابر باعث شد تا نفر ساعت های صرف شده در این جلسات شکل گرفته و به خروجی های محسوس و مشخص تبدیل شود. این اولین تجربه گرد هم شدن تشکل ها بود که با شکست مواجه نشده و به تشکیل اولین شبکه عمومی و فراگیر موسسات نیکوکاری منجر شد. اگر بخواهم برخی ویژگی های این راهبری را به طور خلاصه بشمارم، می توانم به چیدمان درست افراد و محول کردن مسئولیت های مناسب هر فرد، اعتدال و میانه روی به منظور جذب حداکثری، جدی تلقی کردن کار و داشتن نقشه راه، اشراف کامل به نقاط ضعف و قوت تشکل ها و نیازهای کوتاه مدت و بلند مدت و استفاده از همه پتانسیل ها بصورت درست و مدبرانه اشاره کنم. بطور کلی می توانم خانم صابر را ستون محکم ایجاد شبکه دانست که با دور اندیشی و مدیریت صحیح که تلفیقی از دانش و تجربه بود، نتایج تلاش جمع را به ثمر رسانده و تاسیس شبکه را با صرف وقت زیاد، پیگیر شدند.

در مورد ویژگی های فردی ایشان و نکات برجسته شخصیت خانم صابر برای ما بگویید.

در توصیف شخصیت خانم صابر شاید در دو بخش بتوانم صحبت کنم.



اول شخصیت کاری و بعد شخصیت فردی.

در شخصیت کاری بارزترین ویژگی های ایشان را انصاف و قضاوت دور از تعصب و منیت، ریزبینی و نکته سنجی، اشراف به مسائل مبتنی بر دانش، اعتدال و میانه روی، منطقی بودن، عدم دخالت دادن نظرات و عقاید شخصی، احترام به جمع و تعهد بالا است.

همچنین خانم صابر فاقد برخی صفتها مانند انحصارطلبی و باند سازی بودند و این امر برای شبکه جذب حداکثری را به ارمغان آورد. قانون مداری، همچنین جسارت در مطالبه و اخذ مواضع درست در برهه های مقتضی نیز جایگاه شبکه را در جامعه مدنی تا حد بالایی تثبیت کرد.

از لحاظ شخصیت فردی، صداقت، انسانیت، محبت بالا، عدم نگاه ابزاری به افراد و بالعکس، نگاه انسانی در حد بالا، صمیمیت، خوش برخوردی، دلسوزی، شوخ طبعی، اخلاق مداری، همدلی و فعال بودن، انرژی و امید بالا از ویژگی های بارز ایشان است.

یکی از مهمترین ویژگی های ایشان تقدم دادن مصلحت جمع به فرد و نهاده شدن تفکر جماعت محور در ایشان است.

شاید بتوان گفت این ویژگی ها خانم صابر را به یک سمبل و الگودر عرصه فعالیت اجتماعی بدل کرده است. ایشان به امر کنشگری اجتماعی هم در زبان و هم در عمل به طور کامل وفادار بوده و در تمام نقش هایی که در جایگاه های مختلف می پذیرند، این ویژگی نمود دارد.

یکی از ویژگی های دوست داشتنی ایشان را جوان گرایی، نوگرایی، اشتیاق به آموختن و قبول ریسک دادن مسئولیت به دیگران می دانم.

عدم تعصب و پذیرش تغییر، نظم و احترام به وقت، نگاه چند بعدی و برخورد مبتنی بر مفاهمه به جای مقابله با کلیه ذینفعان این عرصه، باعث گردیده حضور ایشان در تثبیت جایگاه شبکه و ایجاد تصویر مثبت از شبکه تاثیرگذار باشد. تقید به عدم اختلاط مرزهای فعالیت سیاسی و اجتماعی، درک اهمیت فعالیت های داوطلبانه در کشور و ایفای نقش های موثر و مهم بصورت داوطلبانه در جامعه مدنی توسط ایشان ستودنی است.

در پایان اگر خاطره ای از ایشان دارید بفرمایید و بگویید در مدت زمان آشنایی با خانم صابر چه پیژهایی از ایشان آموختید.

در بخش های خرد و کلان، در روش و منش، در گفتار و کردار از ایشان بسیار آموخته ام. مسئولیت نسبت به کلیت فعالیت مدنی و نگاه کردن به خیر عمومی و مصلحت همگانی به جای فردگرایی و نگاه به سازمان خود از مهمترین آنهاست. مصادیق و خاطرات زیادی در ذهن دارم. حضور و همراهی و مشاوره دلسوزانه، پیگیرانه و شانه به شانه در روزهای سخت به عنوان یک دوست و تکیه گاه را هرگز فراموش نخواهم کرد. تولد دخترم بود و گفته بودم تا شب درگیر هستم و نخواهم توانست برای تولدش کاری کنم و شب ایشان با هدیه ای برای دخترم به در خانه آمدند تا موجبات شادی اش فراهم شود.



علی اصغر خامنوی:

برنامه ریزی، مدیریت و تدبیر، ویژگی های بارز خانم صابر



نقش بسزایی در پاگیری و ثبات فعالیت های شبکه داشتند.

ویژگی ها و نکات برجسته شخصیت خانم صابر را بفرمایید

به نظرم مهمترین ویژگی فردی ایشان برنامه ریزی، مدیریت و تدبیری است که آن را به کار گرفتند و نتیجه اش ایجاد یک نهاد مدنی به نام شبکه موسسات خیریه شد.

اگر خاطره ای از ایشان دارید برایمان بگویید و اینکه در طول سال های آشنایی چه چیزهایی از خانم صابر آموختید.

خاطره ای که از ایشان بسیار در ذهنم باقی مانده است تاکید و اصرار ایشان برای انجام کارهایی بود که در شبکه تصمیم گیری می شد که یکی از مهم ترین آن ها پیگیری خریداری محلی برای دفتر مرکزی شبکه بود که منشا خیر فراوانی برای شبکه شد. مسئله دیگر علاقه مندی ایشان برای توسعه جوامع محلی در استان های کمتر برخوردار بود که بنده شاهد بودم که از طریق سایر موسسات که در آنها فعالیت می کردند پیگیر مسائل بودند و این برای من بسیار ارزشمند بود.

ایشان همچنین بر ایجاد نهادهای مدنی در آن مناطق و سپردن کار به افراد بومی تاکید داشتند همه اینها نکات مثبتی بود که خانم صابر دنبال می کردند. در شبکه هم تا همین اواخر مدیرعاملی را به عهده داشتند که بنا به درخواست خودشان فرد دیگری جایگزین شد از نظر وقت گذاری برای انجام این مسئولیت برای من بسیار ارزشمند بود که ایشان با جدیت این مسئولیت را پیگیری می کردند.

و حرف آخر

به نظر بنده یکی از بزرگترین خدمات خانم صابر پیگیری برای ایجاد اولین شبکه ملی موسسات خیریه در کشور بود. در حال حاضر ۱۶۸ موسسه عضو این شبکه هستند و جایگاه بسیار ارزشمندی برای تمرکز فعالیت های موسسات خیریه در کشور است.

کاش می شد از اول شروع کنیم! شما می نشستید و من رو به رویتان از نو هجی کنم مشق توان افزایی را که چه خوش گفتید، که این واژه را قبل از تکثیر باید ابتدا از خود آغاز کنیم.

خانم فیروزه صابر عزیز، تلاش های امروز شما در شبکه ملی موسسات نیکوکاری و خیریه اعتلای ترویج فرهنگ هم افزایی و هم گرایی فردای ماست. به حق باید گفت امروز خود را وقف فردای ما کردید، من درس شبکه سازی را از شما آموختم و تمام داشته هایم کوله باربست از آموخته های شما که سال ها پیش از مسافر شدن در دلم نهادید تا سربلند به مقصد برسم. همیشه دلگرم کردید تا جاده های پریچ و خم این راه را با امیدواری طی کنم. بهار جاودانه گل هایی که شما پرورش دادی مبارک باغبان؛ خسته نباشی.



امروز خود را وقف فردای ما کردید

* عباس بشکوه

دبیر اجرایی شبکه ملی

موسسات نیکوکاری و خیریه

فردی دغدغه مند و اثرگذار

* رقیه دادخواه

عضو هیئت مدیره شبکه ملی

موسسات نیکوکاری و خیریه



دغدغه ی داشتن یک تشکل صنفی معمولا دغدغه ای است که بیشتر کسانی که کارهای انسان دوستانه می کنند؛ داشته اند و من نیز که سال ها در این زمینه فعالیت کرده بودم جای خالی یک تشکل صنفی را احساس می کردم. پس با آغاز فعالیت شبکه ی ملی موسسات نیکوکاری و خیریه، به نمایندگی از مؤسسه ی خیریه ی بنیادکودک به عنوان یکی از مؤسسين با عضویت در هیئت مدیره ی شبکه و جلسات آن، آشنایی من نیز با سرکار خانم صابر آغاز شد. اگر چه پیش از آن برای من افتخار آشنایی با ایشان وجود نداشت اما در همین مدت زمانی هم که ایشان را شناختم ام باید بگویم که به عنوان فردی حقیقی و حقوقی شایسته و درخور تحسین هستند.

نوشتن یا به طور کلی اظهارنظر درباره ی افرادی که در جامعه آثار نیک برجای می گذارند ساده نیست. پس برای من هم نوشتن درباره ی فیروزه صابر به عنوان فردی دغدغه مند و اثرگذار بسی دشوار است چرا که شاید واژگان نتوانند همه ی آنچه باید را ادا کنند.

اما آنچه به یقین می دانم این است که این بانوی فرهیخته برای ترمیم آن چه آسیب اجتماعی می خوانیم صبور است، دلسوز است، احترام گذاشتن را آموخته است و می آموزاند. به اصول اخلاقی اجتماعی که در آن زیست می کند پای بند است. روابط بین انسانها را بلد است. مهربان است و برای رسیدن به جامعه ای بهتر پیگیرانه تلاش می کند. آمدن این آدم ها به دنیایی که زشتی هایش کم هم نیست؛ بی دلیل نیست این ها باید باشند تا دنیا را برای زیستن جای بهتری کنند و کاش جامعه آن همه هوشمند باشد که قدر بودن این آدم های نیک اثرگذار را بداند.

ایستادگی در مقابل ناملایمات

* سید اکبر کسا

نایب رئیس شبکه ملی

موسسات نیکوکاری و خیریه



گاهی با بعضی ها یک عمر کنار هم هستیم اما جز مشکلات عدیده و عدم تفاهم چیزی برایت ندارد و تا ته روح را می خراشد اما بعضی دیگر ناب هستند و دوست داشتنی و بزرگ منش و به ما لحظه های ناب تری هدیه می دهند این بعضی ها مهم نیست چقدر بمانند هر چقدر هم که کوتاه بمانند یادشان و حس خوب بودنشان همیشه هست.

سرکار خانم فیروزه صابر از این بعضی های دوم است. من او را خواهری ارزشی، دلسوز و تاثیر گذار جامعه و مخلص می دانم که علی رغم جور زمانه چون کوهی استوار در مقابل ناملایمات ایستادگی کرده و داوطلبانه به روش پسندیده خود به عنوان یک فعال اجتماعی در صحنه ادامه داده است.

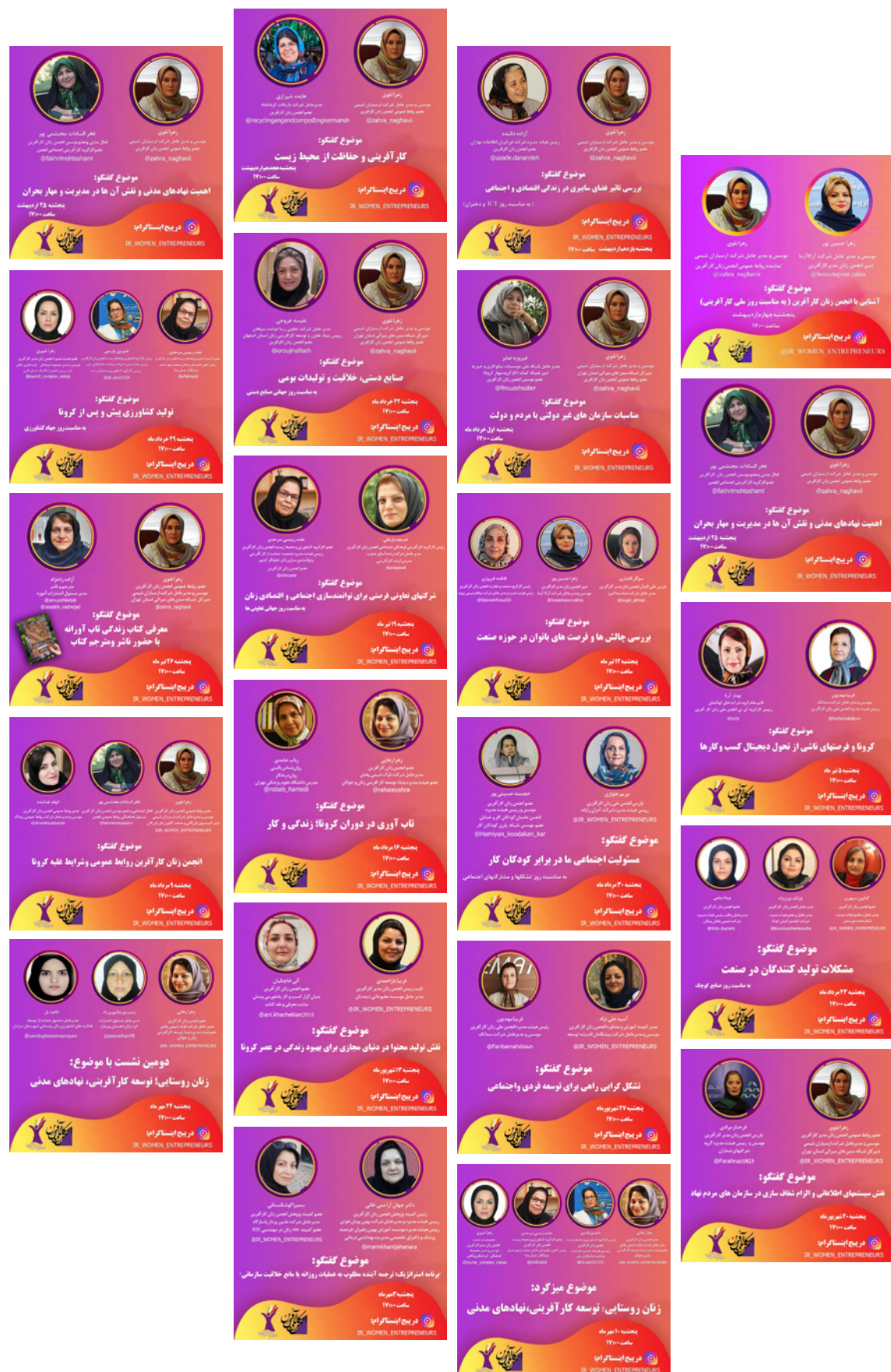
برای این گونه افراد هرگز نباید از واژه بازنشستگی، کنار رفتن، کنار گذاشتن و رفتن استفاده کرد. بلکه باید از تجارب آنان بیش از پیش بهره مند گردید. من امروز که روز ۲۷ صفر است و ایام شهادت امام حسن مجتبی و رحلت پیامبر اکرم(ص) و شهادت حضرت امام رضا علیه السلام و توفیق حضور در حرم شریف امام رئوف را دارم، از همین مکان برای آن خواهر بزرگوار دعا می کنم که چون همیشه موفق و موید و سرافراز باشد و هرگز دوستان خود در شبکه را تنها نگذارد.





به روایت تصویر





هر دوشنبه ساعت ۱۸ در صفحه اینستاگرام انجمن با ما همراه باشید



Ir_women_entrepreneurs



شبکه ملی مؤسسات
نیکوکاری و خیریه



انجمن ملی
زنان کارآفرین

